

در این شماره کالسکه سبز می‌خوانید:

- اخذ گواهینامه استاندارد DOS5 اسکانیا توسط نمایندگی عقاب‌افشان در مشهد
- شهر امام رضا (ع)؛ پیش‌گام در استفاده از اتوبوس برقی شتاب
- آیا پای اتوبوس‌های دست دوم خارجی به خیابان‌های پایتخت باز می‌شود؟
- افزایش ۲۴.۷ درصدی سفرهای اتوبوسی در دو ماه اول سال
- دهم تیر ماه؛ آخرین مهلت مالکان اتوبوس برای به‌روزرسانی دستگاه سپهتن



اتوبوس،

ایمن‌ترین وسیله نقلیه برای سفر به نقاط مختلف ایران





مرکز خدمات پس از فروش عقاب افشان

شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران



مرکز امداد جاده ای خدمات پس از فروش :
تلفن: ۳۱ ۴۶۷۱ ۳۳ (۰۲۱)

شکایات، انتقادات و پیشنهادات:
تلفن: ۶۲ ۴۲ ۴۵ ۳۳ (۰۲۱)

سامانه پیامکی: ۵۳ ۵۵۵ ۵۰۰۰

www.oghabafshan.com
workshop@oghabafshan.com

ویژه مطالعه در
اتوبوس

ماهنامه داخلی شرکت

تولیدی و صنعتی عقاب افشان

سردبیر: حسن گوهرپور

دبیر تحریریه: حسین ابوالفتحی

مدیر هنری و صفحه آرا: محمد گودرزی، فاطمه رنجبر

دبیر عکس: محمد فتحی

طراح جلد: فائزه صادقی

تحریریه: انسیه جنتی، فاطمه رضائیان،

ابوذر مارکولایی، حامد امینی، وحیده جلال کمالی،

حسین صفدری، شیما شکوه، ناعمه پرهین، معصومه

بهرامیان، عمیدروبیاتی

گروه ترجمه و ویرایش: کامبیز ربانی

دانیال ستارنژاد

دهم تیرماه: آخرین مهلت مالکان اتوبوس برای به

روزرسانی دستگاه سپهتن/۴

افزایش ۲۴،۷ درصدی سفرهای اتوبوسی در دو ماه اول سال/۵

اتوبوس، ایمن ترین وسیله نقلیه برای سفر به نقاط مختلف ایران/۶

آیا پای اتوبوس های دست دوم خارجی به خیابان های پایتخت باز می شود؟/۸

شهر امام رضا(ع): پیش گام در استفاده از اتوبوس برقی/۱۲

اخذ گواهینامه استاندارد DOS۵ اسکاتیا توسط نمایندگی عقاب افشان در مشهد/۱۵

اتوبوس های برون شهری اسکاتیا همتا ندارند/۱۶

آیا ادعای چین مبنی بر دریافت سیگنال از موجودات فرازمینی صحیح است؟/۲۰

رازگشایی از اسرار کیهان با بزرگترین شتاب دهنده ذرات جهان/۲۱

تحقیقات کاوشگر «گایا» اسرار کهکشان «بی قرار» راه شیری را برملا کرد/۲۲

ماهواره های ناسا به مدار نرسیدند/۲۳

نگاهی به پروژه های شکست خورده مایکروسافت/۲۴

قابلیت بی صدا کردن افراد در تماس های تصویری به واتس اپ اضافه شد/۲۷

آب انبارها و کارکدهای /۳۰

دیروز و امروز/۳۰

«ایران» از کی «ایران» نامیده شد؟/۳۱

گوبلکی تپه قدیمی ترین پرستشگاه جهان با قدمتی ۱۱ هزار ساله/۳۲

نکته هایی مفید برای عکاسی در سفر/۳۴

مساجد ایران نمادی از فرهنگ و هنر /۳۶

«سلاطین گنج» چرا دستگیر نمی شوند؟/۳۸

روایت رابطه ایرانیان با امام رضا (ع)/۴۰

هیچ وقت برای پول کار نکردم/۴۲

«حکم رشد» ترویج لات بازی نبود/۴۴

یک عمر پاسبانی خردمندانه از فرهنگ ایران/۴۶

نگاهی به رفتار سیاسی در تاریخ جشنواره فیلم کن/۴۸

نشانی غلط از صورت و شکل کمدمی/۵۰

روش های آرام کردن ذهن و بدن در مواقع اضطراب/۵۲

چرانی توانیم تصمیم بگیریم؟/۵۴

تیغ جراحی زیبایی در کمین نوجوانان/۵۶

تند غذا نخورید!/۵۸

پایان ماسک کرونایی کی از راه می رسد؟/۶۰

۷ روش سنتی برای رهایی از گرمادگی در فصول گرم/۶۲

اخراج اسکوپچیچ از تیم ملی؛ آری، خیر؟/۶۴

فرهاد مجیدی، اسطوره پاره وقت/۶۸

۱۰ حقیقت در مورد ورزشگاه آزادی/۷۰

سه ضربه تحریم های ظالمانه به فوتبال ایران/۷۲



w w w . o g h a b a f s h a n . c o m

«کالسه سیز» راه صورت رایگان از رانندگان محترم اسکاتیا بخواهید... این نشریه برای احترام به وقت مسافران و ایجاد سفری همراه با آرامش و آموزش منتشر می شود. نظر مسافران محترم و رانندگان ارجمند در صورت علاقه آن ها حتما در این نشریه منتشر خواهد شد. علاقه مندان می توانند نظرات خود را با ذکر نام، به شماره پیامکی که پایین تمام صفحات درج شده ارسال و در شماره بعد آن را ملاحظه فرمایند. همچنین می توانید خاطرات خود را از سفر با اتوبوس های اسکاتیا برای ما به این آدرس kaleshesab@gmail.com بفرستید. منتظر نظرات شما هستیم.

دعای سفر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وقتی مسافر آماده سفر شد غسل کند، پس از آن دو رکعت نماز بگزارد و از خدا خیر خود را طلب نماید و آیه‌الکرسی بخواند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستد. سپس این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَدْعُكَ الْيَوْمَ

خدایا من خود را در این روز به عنوان ودیعت به تو سپردم
نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ
خودم و خاندانم و مال و فرزندانم و هر که را با من راهی دارد حاضرشان و غائبشان را
اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا

خدایا حفظ کن ما را به حفظ ایمان و نگهبان بر ما باش
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ أَنَا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ.

خدایا ما را در کنف رحمت خویش قرار ده و فضلت را از ما سلب مفرما که ما به تو مشتاقیم.
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَابَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
خدایا به تو پناه بریم از رنج سفر و اندوهناک برگشتن و بدی دیدار در خاندان و مال و فرزند در دنیا و آخرت.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلِبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا إِلَيْكَ.

خدایا من به تو رو کنم در این رو کردن به خاطر این که جویای خشنودی تو و تقرب جستن به درگاهت هستم

اللَّهُمَّ أَفْبَلِّغْنِي مَا أَوْمَلْتَهُ وَأَرْجُوهُ فَيْكَ وَفِي أَوْلِيَايَكَ

خدایا پس مرا به آرزویم و آنچه از تو و اولیائت است برسان
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

امید دارم ای مهربان ترین مهربانان.

مسافر پس از دعای صفحه مقابل تسبیحات
حضرت فاطمه سلام الله علیها را بخواند و سوره
حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب
چپ بخواند و همچنین آیه الکرسی را از سه جانب
بخواند، و بگوید:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي

خدایا به سوی تو گرداندم رویم را

وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي وَقَدْ وَثَقْتُ بِكَ فَلَا

و به امید تو بجای گذاردم خانواده و مالم و آنچه را به من مرحمت فرمودی

و به تو اطمینان کردم پس

تُخَيِّبُنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ

ناامیدم مکن ای که ناامید نکند، هر که را به او توجه کند، و ضایع نکند

هر که را او محافظت کند خدایا درود فرست بر محمد و آتش،

وَأَحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي

و محافظت کن آنچه را مربوط به من است و من از آنها دورم و مرا به خودم وامگذار

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الدُّعَاءُ

ای مهربانترین مهربانان.

سپس مسافر سوره توحید را یازده مرتبه و سوره انا انزلناه و آیه الکرسی و سوره

ناس و سوره فلق را بخواند

و صدقه بدهد و سفر را آغاز کند.

منبع: مفاتیح الجنان

دهم تیرماه؛ آخرین مهلت مالکان اتوبوس برای به روزرسانی دستگاه سپهتن



طبق اعلام دفتر ایمنی و ترافیک سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و پلیس راه کشور به مالکان و رانندگان اتوبوس‌های بین شهری تا دهم تیرماه فرصت داده شده که دستگاه سپهتن را به روزرسانی کنند.

نایب رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری رانندگان مسافر کشور در اینباره گفت: بنا به دستور دفتر ایمنی و ترافیک سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و پلیس راه کشور، به رانندگان تا دهم تیرماه فرصت داده شده که دستگاه سپهتن را به‌روزرسانی کنند و اگر ناوگانی تا این تاریخ دستگاه خود را به روزرسانی نکرده باشد از خدمات حمل و نقلی محروم خواهند بود.

مختار داوودی عنوان کرد: درحوزه سخت‌افزاری لازم است تعویض سیم کارت همراه اول به ایرانسل انجام شود و تعویض باتری معیوب این دستگاه نیز توسط نمایندگان صایران به طور رایگان انجام می‌شود.

وی عنوان کرد: البته باید در نظر داشت که قبل از مراجعه به نمایندگی‌ها، مالکان باید اطلاعات خود را در سامانه navbar.ir ثبت کنند که می‌توانند از طریق گوشی هوشمند یا کافی نت این کار را انجام دهند.

نایب رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگری رانندگان مسافر کشور در مورد پیشینه استفاده از دستگاه سپهتن (سامانه

پایش هوشمند تردد ناوگان) نیز توضیح داد: این سامانه قبلاً توسط شرکت مجری رهنکار هوشمند ایرانیان در سال ۹۶ راه‌اندازی شد و از طریق سیم کارت همراه اول پشتیبانی می‌شد و اطلاعات ناوگان در اختیار پلیس راه و سازمان راهداری قرار می‌داد.

وی افزود: متأسفانه این شرکت چون سابقه کار نداشت، این امر موجب نارضایتی مالکان چه در ارائه خدمات پشتیبانی و چه خدمات پس از فروش شد و مشکلات عدیده‌ای برای مالکان و رانندگان به وجود آورد.

داودی تأکید کرد: عملاً پلیس و سازمان راهداری تا سال ۱۳۹۹ با وجود این مشکلات با این شرکت همراهی کردند، ولی در سال ۱۴۰۰

با دعوت از شرکت‌هایی که این دانش را در اختیار داشتند، این بار به شرکت صایران (صنایع الکترونیک ایران) وابسته به صنایع وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با سابقه حدود ۵۰ ساله (از سال ۱۳۵۴ تاکنون) در حوزه فناوری الکترونیک و مخابرات، سپرده شد که امیدواریم نواقص شرکت مجری سابق توسط این شرکت برطرف شود. وی با بیان این که در اصل در سال ۱۴۰۰ این سامانه مختل و پلیس مجبور به ثبت ساعت به روش سنتی شد، گفت: در حال حاضر بنا به دستور دفتر ایمنی و ترافیک سازمان راهداری و پلیس راه کشور به رانندگان تا دهم تیر ماه فرصت داده شده که دستگاه سپهتن را به روزرسانی کنند.



افزایش ۲۴/۷ درصدی سفرهای اتوبوسی در دو ماه اول سال



جابجایی مسافران با استفاده از اتوبوس‌های بین شهری در دو ماهه ابتدای امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۲۴/۷ درصد افزایش داشته است.

مدیرکل حمل و نقل مسافر سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای گفت: پارسال یعنی در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰۳ میلیون مسافر از طریق پایانه‌های مسافربری کشور جابجا شدند که نسبت به سال ۱۳۹۹ افزایش ۱۱/۸ درصدی را در پی داشته است.

داریوش باقرجوان افزود: دو ماهه ابتدای امسال ۱۹/۸ میلیون نفر مسافر با ۱۶۰ هزار سفر در کشور جابجا شده‌اند که این میزان نسبت به دو ماهه ابتدای پارسال ۲۴/۷ درصد افزایش داشته است. مدیرکل حمل و نقل مسافر سازمان راهداری گفت: به طور مجموع سهم اتوبوس در تعداد سفر دو ماهه امسال

ادامه دارد، ابراز امیدواری کرد که با همکاری سازمان‌های مرتبط بتوان سفرهای ایمن و مقرون به صرفه بیشتری به عمل آورد.

۲۹/۹ درصد بوده و در تعداد مسافری ۶۰/۵ درصد بوده است. وی با بیان اینکه برنامه‌های سفر امسال نیز با رعایت شیوه نامه‌های کرونا



Mehdi Marizad

اسکانیا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

سخنگوی اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافری کشور با بررسی آمار تصادفات کشور اعلام کرد

اتوبوس، ایمن‌ترین وسیله نقلیه برای سفر به نقاط مختلف ایران



یکی از مهمترین چالش‌های افراد قبل از آغاز هر سفری میزان سطح ایمنی وسیله نقلیه‌ای است که می‌خواهد با آن به سفر رود. اینکه وسیله نقلیه‌ای که با آن سفر می‌کند از ایمنی مطلوب و کافی برخوردار هست یا خیر. فرقی هم ندارد این وسیله نقلیه خودرو سواری باشد، هواپیما یا قطار باشد و یا یک اتوبوس برون‌شهری. در هر صورت همه ما قبل از آغاز یک سفر برون‌شهری به این فکر می‌کنیم که چگونه یک مسافرت ایمن را برای خود و خانواده‌مان رقم بزنیم. طبق آنجیزی که اخیراً سخنگوی اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافری کشور عنوان داشته، اتوبوس ایمن‌ترین وسیله نقلیه برای مسافرت‌های برون‌شهری است. احمدرضا عامری این موضوع را با مقایسه تلفات حوادث مربوط ناوگان ریلی، هوایی و جاده‌ای کشور بیان می‌کند.

کمتر از دو درصد تلفات جاده‌ای مربوط به اتوبوس‌هاست

سخنگوی اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافری کشور با بیان این که کمتر از ۲ درصد جان باختگان تصادفات جاده‌ای ایران مربوط به ناوگان اتوبوسرانی بین شهری است، گفت: با در نظر گرفتن تعداد مسافراتی که روزانه با وسایل حمل و نقل مختلف شامل قطار، هواپیما، سواری و اتوبوس، بین شهرهای گوناگون جابه‌جا می‌شوند و با مقایسه تلفات حوادث مربوط به این ناوگان‌ها با یکدیگر، بدون تردید می‌توان گفت کمترین نرخ فوتی‌ها

مربوط به ناوگان اتوبوسرانی بین‌شهری است و اتوبوس، ایمن‌ترین وسیله نقلیه برای سفر به نقاط مختلف ایران محسوب می‌شود. احمدرضا عامری اظهار داشت: البته نمی‌توان انکار کرد که هم مشکلات فنی مربوط به جاده‌ها، هم خطای نیروی انسانی و هم ایمنی ناکافی برخی از اتوبوس‌های ناوگان مسافری بین شهری کشور، در بروز حوادث جاده‌ای و فوت هموطنان عزیزمان در سوانح نقش دارند، اما باز هم آمارها نشان می‌دهد که ناوگان اتوبوسرانی بین شهری، ایمن‌ترین ناوگان برای مسافرت بین‌شهری در ایران است.



میانگین سن ناوگان اتوبوسرانی بین شهری ایران بین ۱۲ تا ۱۳ سال است. این فعال صنعت و حمل و نقل مسافری کشور ادامه داد: با وجود این که میانگین سن ناوگان اتوبوسرانی بین شهری کمتر از سن فرسودگی است، ولی باز هم ما نمی توانیم انکار کنیم که تعدادی اتوبوس فرسوده در میان اتوبوس های مسافربری کشور وجود دارد. ضمن اینکه قطعاً برخی اتوبوس های ما دارای اشکالاتی در بدنه، صندلی ها و ... هستند که منجر به کاهش ایمنی آنها می شود. با این وجود هم البته باز هم عمده اتوبوس های مسافربری بین شهری کشور، از ایمنی کافی برخوردار هستند.

وی در پایینین تصریح کرد: مردم از اینکه با اتوبوس به سفر بروند خیالشان راحت باشد و بدانند که بخش اعظم اتوبوس هایی که در جاده های کشور شب و روز در حال تردد هستند، کاملاً ایمن بوده و می توانند به آنها اعتماد کنند.

البته این را هم باید گفت که ایمنی پایین برخی اتوبوس ها نیز به دلیل شرایط خاصی است که کشور به واسطه تحریم ها و دشواری های اقتصادی مثل سایر مردم ایران با آن دست و پنجه نرم می کند.

وی در ادامه تاکید کرد: از پیش از شروع حرکت یک اتوبوس مسافربری تا زمان رسیدن به مقصد، کنترل های بسیاری روی آن انجام می شود و این در حالی است که هیچ کنترلی روی تردد خودروهای شخصی، انجام نمی شود. بنابراین اتوبوس ها به واسطه همه ملاحظاتی که در مورد آنها وجود دارد نسبت به خودروهای شخصی امن تر و ایمن تر هستند. به همین دلیل، به همه مردم توصیه می کنیم که حتی الامکان، سفرهای خود را با اتوبوس های بین شهری انجام دهند.

میانگین سن ناوگان اتوبوسرانی بین شهری؛ کمتر از سن فرسودگی

سخنگوی اتحادیه شرکت های تعاونی مسافربری کشور در بخش دیگری از اظهاراتش با تاکید بر نقش تحریم ها در افزایش سن ناوگان اتوبوسرانی بین شهری گفت: با وجود این که تحریم های بین المللی، به روزرسانی سیستم ناوگان اتوبوسرانی بین شهری کشور را با دشواری مواجه کرده است، اما باز هم ما توانسته ایم متوسط سن ناوگان اتوبوس های مسافربری را زیر سن فرسودگی نگه داریم؛ به نحوی که براساس اعلام دولت، سن فرسودگی اتوبوس های بین شهری ۱۵ سال است، ولی

تنها ۱۵ درصد مسافران از هواپیما و قطار استفاده می کنند

سخنگوی اتحادیه شرکت های تعاونی مسافربری کشور با تاکید بر این که کمتر از ۱۵ درصد مسافران بین شهری در ایران از ناوگان هوایی یا ریلی استفاده می کنند، عنوان کرد: عمده مسافران بین شهری با سواری یا اتوبوس سفر می کنند و بخش اعظم تلفات تصادفات جاده ای نیز مربوط به سواری ها است؛ به نحوی که مطابق آمارهای پلیس راهور، کمتر از ۲ درصد جان باختگان تصادفات جاده ای ایران مربوط به ناوگان اتوبوسرانی بین شهری است و این یعنی در سال ۱۴۰۰، از مجموع ۱۶ هزار و ۷۷۸ کشته در تصادفات جاده ای کشور، فقط حدود ۳۰۰ کشته مربوط به اتوبوس ها بود. عامری ادامه داد: قطعاً فوت ۳۰۰ هموطن در طول یک سال بر اثر تصادفات اتوبوس های بین شهری برای ما دردناک است و ما امیدواریم که آمار جان باختگان حوادث جاده ای اتوبوس ها به نزدیک صفر برسد. اما در هر صورت، مردم خیالشان راحت باشد که راننده های حرفه ای در ناوگان اتوبوسرانی بین شهری فعالیت می کنند و ایمنی اتوبوس های فعال در کشور از خودروهای سواری، هواپیما و حتی قطار بیشتر است.



بررسی نظرات مخالفان و موافقان یک طرح جنجالی

آیپای اتوبوس‌های دست دوم خارجی به خیابان‌های پایتخت باز می‌شود؟



موضوع خرید اتوبوس‌های شهری دسته دوم اروپایی برای پایتخت اخیراً یک بار دیگر از سوی مدیران ارشد شهری تهران مطرح شده و واکنش‌های متعددی را در پی داشته است. یک سوی این ماجرا بخشی از مدیران شهری پایتخت هستند که معتقدند در کنار بهره‌گیری از توان تولید داخل باید مازاد نیاز تهران را از محل واردات اتوبوس‌های دسته دوم اروپایی تأمین کنند و سوی دیگر ماجرا هم برخی کارشناسان، اعضای شورای شهر و نمایندگان مجلس هستند که واردات اتوبوس‌های دسته دوم را به صلاح نمی‌دانند و معتقدند به جای هدر دادن ارز کشور باید توان تولیدکننده‌های داخلی را برای تأمین نیاز کشور افزایش داد. نکته مهم اینکه طی سال‌های گذشته نیز چنین طرحی از سوی مدیران شهری تهران مطرح شده بود و البته به مرحله اجرا هم نرسید. اما باید دید در دوره فعلی این رویکرد و تلاش به چه نتیجه‌ای خواهد رسید.

هر عقل سلیمی حکم می‌کند واردات اتوبوس را دنبال کنیم

معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران که یکی از موافقان اصلی طرح واردات اتوبوس‌های کار کرده برای پایتخت است، می‌گوید: یارانه‌ای که برای اتوبوس‌های فرسوده خودمان خرج می‌کنیم را برای واردات اتوبوس‌های کار کرده بازسازی شده به کار می‌گیریم و هر عقل سلیمی نیز حکم می‌کند که ما این کار را دنبال کنیم. مطمئن باشید وقتی این اتوبوس‌ها وارد خط شوند و مردم کیفیت کار آنها را ببینند حتماً از این موضوع استقبال خواهند کرد و از ما می‌خواهند که مسیر خرید اتوبوس‌های کار کرده را دنبال کنیم.

سیدمجتبی شفیعی با بیان اینکه وظیفه حمایت از تولید داخل را هم برعهده داریم، ادامه می‌دهد: برای واردات اتوبوس سقفی تعیین شده است و در عین حال خرید اتوبوس‌های تولید داخل هم مسیر خود را دنبال می‌کند و بر اساس قولی که به شهرداری تهران داده شده است ۹۰۰ دستگاه اتوبوس امسال حتماً وارد شهر تهران می‌شود. ما به فکر توسعه حمل و نقل عمومی و تردد شهروندان هستیم و می‌توانیم با یک پنجم قیمت اتوبوس‌هایی که اورهال می‌شوند، اتوبوس‌های اروپایی بسیار باکیفیت‌تر را وارد کنیم.



خرید اتوبوس‌های کار کرده ایده بخش خصوصی است

معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران با اشاره به اینکه خرید اتوبوس‌های دست دوم و کار کرده ارتباطی به بودجه شهرداری ندارد و این موضوع ایده‌ای است که بخش خصوصی مطرح کرده است، می‌گوید: بخش خصوصی اعلام کرده می‌تواند اتوبوس‌هایی را وارد تهران کند که نسبت به اتوبوس‌های فعال پایتخت که عمرشان به بیش از ۱۶ سال می‌رسد عملکرد و کیفیت بسیار بهتری دارند، متخصصان فنی شرکت واحد از این اتوبوس‌ها بازدید کرده‌اند و این اتوبوس‌ها با بهترین کیفیت تولید و بازسازی شده‌اند. در برخی خبرها آمده این اتوبوس‌ها در حال تعمیر هستند که این موضوع صحت ندارد و تمام این اتوبوس‌ها در اروپا اورهال شده‌اند. ضمن آنکه تمام آن‌ها چند سال محدود در اروپا کار کرده‌اند. البته اقدامات محدودی نظیر رنگ‌آمیزی، وصل دستگاه‌های کارت‌خوان و جی‌پی‌اس و برخی فعالیت‌های جزئی دیگر قرار است در تهران روی اتوبوس‌ها انجام شود.

متوجه شویم چه میزان اثر بخشی داشته‌اند. معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در پاسخ به این سوال که خرید اتوبوس‌های دست دوم در چه مرحله‌ای قرار دارد، اظهار کرد: مذاکرات مختلفی داشتیم و پیشنهادات مختلفی به ما ارائه شده که از

وی درباره تعداد اتوبوس‌هایی وارداتی هم تصریح می‌کند: در مرحله اول قرار است حدود ۲۰۰ دستگاه وارد تهران شود که ۵۰ دستگاه وارد شده و در حال آماده‌سازی است، پنج دستگاه هم دو طبقه هستند و قرار است پس از وارد شدن درباره آن‌ها تحقیق شود تا





نوشت: «خرید اتوبوس دست دوم از خارج نه افتخار است برای شهرداری تهران و نه خدمت است به شهروندان تهرانی؛ ولی دهن کجی است به تولیدکنندگان داخلی و توهین است به شعار سال و سند تحول دولت. شورای شهر از تغافل، خود را برهاند و شهردار تهران خود را اصلاح کند.»

با واردات اتوبوس‌های مستعمل ارز کشور را تاراج کردند

سیدمصطفی آقامیرسلیم در گفتگوی رسانه‌ای هم در واکنش به خرید اتوبوس دست دوم برای تهران، اظهار کرد: اخیراً شهرداری تهران برای رفع کمبودهایی که در شبکه اتوبوس‌رانی دارد مبادرت به درخواست مجوز برای واردات اتوبوس دست دوم و بازسازی شده از خارج کرده است. این در حالی است که متقابلاً کارخانه‌های اتوبوس‌سازی کشور از عدم سفارش‌گذاری شهرداری‌ها و راکد شدن تولیدات خود شکایت دارند.

این عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی ادامه می‌دهد: در حقیقت امکانات فنی و نیروی انسانی کشور علی‌رغم نیاز به

نظر کیفیت و قیمت در حال بررسی هستیم؛ اما از آنجایی که نیاز به مصوبه دولت دارد، شهردار تهران پیشنهاد را به رئیس جمهور داده و رئیس جمهور نیز دستور دادند که در کمیسیون زیربنایی دولت این مساله بررسی شود و بررسی اولیه انجام شده و توافق با وزارت کشور و وزارت صمت نیز صورت گرفته است و ملاحظات سازمان محیط زیست نیز لحاظ شده و الان فقط منتظر تصویب در دولت هستیم و اگر این مهم تصویب شود در پشتوانه قانونی و مجوزها مشکلی نخواهیم داشت و بر روی بررسی پیشنهادات تمرکز می‌کنیم.

خرید اتوبوس دست دوم از خارج نه افتخار است و نه خدمت

در همین ارتباط سیدمصطفی آقامیرسلیم نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در توثیقی از خرید اتوبوس دست دوم خارجی توسط شهرداری تهران انتقاد کرد. وی که نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس و عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی است، در توثیتی



در مرحله اول قرار است حدود ۲۰۰ دستگاه وارد تهران شود که ۵۰ دستگاه وارد شده و در حال آماده سازی است. پنج دستگاه هم دو طبقه هستند و قرار است پس از وارد شدن درباره آنها تحقیق شود تا متوجه شویم چه میزان اثر بخشی داشته‌اند



سیدمصطفی آقامیرسلیم در گفتگوی رسانه‌ای هم در واکنش به خرید اتوبوس دست دوم برای تهران، اظهار کرد: اخیراً شهرداری تهران برای رفع کمبودهایی که در شبکه اتوبوس رانی دارد مبادرت به درخواست مجوز برای واردات اتوبوس دست دوم و بازسازی شده از خارج نموده است. این در حالی است که متقابلاً کارخانه‌های اتوبوس‌سازی کشور از عدم سفارش‌گذاری شهرداری‌ها و راکد شدن تولیدات خود شکایت دارند.

سمت سازندگان خارجی باشد. خوشبختانه خودروسازان داخلی سالیان سال است به عنوان شریک تجاری شهرداری تهران در تأمین ناوگان حمل و نقل عمومی مورد نیاز در کنار مدیریت شهری قرار دارند.

امضای قرارداد خرید ۱۰۷۵ دستگاه اتوبوس

تولید داخل

سخنگوی شهرداری تهران از امضای قرارداد خرید ۱۰۷۵ دستگاه اتوبوس خبر داد. به گزارش خبرگزاری دانا عبدالمطهر محمدخانی گفت: شهرداری تهران قرارداد خرید ۱۰۷۵ دستگاه اتوبوس تولید داخل را امضا کرده و بخشی از آن را تحویل گرفته است. مجتبی شفیعی معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران پیشتر گفته بود پایتخت به ۵۰۰۰ دستگاه اتوبوس احتیاج دارد که ۴۰۰۰ دستگاه آن، از تولید داخل تأمین می‌شود.

محصولات تولیدی آنها به دلیل مدیریت نامناسب به سمت رکود می‌رود و شهرداری برای رفع نیاز خود اتوبوس‌های مستعمل را که معلوم نیست در چه شرایطی است، صرفاً به دلیل ارزان بودن وارد می‌کند و ارزش کشور را به تاراج می‌دهد.

نگاه ما در شورای ششم بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی متمرکز است

سیدجعفر تشکری هاشمی رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران هم در بازدید از یک مجموعه خودروسازی داخلی بیان اینکه به هیچ عنوان خرید اتوبوس‌های دست دوم خارجی را به مصلحت نمی‌دانیم، می‌گوید: وقتی سازندگان داخلی می‌توانند نیازهای خدمات شهری بویژه در حوزه حمل و نقل را با استفاده از ظرفیت‌های داخلی تأمین کنند، دلیلی وجود ندارد که نگاهمان به



خط یک بی آر تی شهر مشهد، برقی می شود

شهر امام رضا (ع)؛ پیشگام در استفاده از اتوبوس برقی شتاب



حرکت کلان شهر مشهد به سمت هوشمندسازی ناوگان حمل و نقل عمومی و استفاده از فناوری های دانش بنیان برای توسعه اتوبوس های برقی با شتاب زیادی نسبت به دیگر شهرهای بزرگ کشور پیگیری می شود؛ موضوعی که به گفته شهردار مشهد از اولویت ها و برنامه های اساسی مدیریت شهری برای آینده ناوگان حمل و نقل مشهدالرضا (ع) است و پیرو آن، از اولین اتوبوس برقی کشور در مشهد رونمایی و این اتوبوس به صورت آزمایشی در خط یک بی آر تی فعال شد.

خرادماه سال ۱۴۰۰ بود که از اولین اتوبوس برقی کشور در شهر مشهد در حضور مسؤولان بلندپایه استان خراسان رضوی رونمایی شد و در جریان این مراسم، تفاهم نامه خرید ۱۰۰ دستگاه اتوبوس برقی برای این کلان شهر بین شهرداری مشهد، گروه مپنا و گروه صنایع خودروسازی عقاب افشان به امضا رسید.

اتوبوس برقی شتاب، یک محصول کاملاً بومی است که با بهره گیری از ابزارهای نوین مهندسی، منطبق بر اصول طراحی در سطح بین المللی توسعه یافته است؛ طراحی بدنه در گروه تولیدی و صنعتی عقاب افشان و پیشران الکتریکی در گروه مپنا انجام شده است و در شرکت «شتاب» به عنوان یک شرکت مشترک تولید می شود.

مدت زمان تولید است که باید از سوی تولیدکننده لحاظ شود.

وی در تشریح انتظار مدیریت شهری مشهد در بحث قرارداد خرید اتوبوس های برقی افزود: انتظار داریم این شرکت، اتوبوس برقی را که با مشارکت شهرداری و همت مپنا ساخته شده است پلاک گذاری کرده تحویل ناوگان اتوبوس رانی مشهد دهد تا پس از تحویل نخستین اتوبوس برقی، تعداد دیگری از اتوبوس های برقی تولید گروه مپنا و شرکت عقاب افشان را خریداری

اتکا به توان داخلی برای ارتقای حمل و نقل پاک در مشهد

سیدعبدالله ارجانی، شهردار مشهد، در دیدار با عباس علی آبادی، مدیرعامل گروه مپنا، وجود این شرکت به عنوان یک تولیدکننده داخلی را برای نظام جمهوری اسلامی، یک افتخار در دنیا دانست و گفت: فعالیت این شرکت ارزشمند است، اما نکته مهمی که برای شهرداری و شورای شهر در حوزه تأمین و خرید تجهیزات از جمله اتوبوس برقی و واگن شایان توجه است، قیمت و



هستیم. علی‌آبادی ادامه داد: با شهرداری مشهد در حوزه برقی‌سازی اتوبوس قرارداد داریم و امیدواریم بتوانیم پس از دریافت استانداردهای لازم، اتوبوس برقی تولیدشده را پلاک‌گذاری کنیم.

هدف‌گذاری شهرداری برای برقی‌سازی خطوط بی‌آرتی

مدیرعامل سازمان اتوبوس‌رانی شهرداری مشهد در توضیح دلایل انتخاب مپنا به عنوان شرکت هدف برای برقی‌سازی ناوگان اتوبوس‌رانی مشهد، گفت: این شرکت، دانش‌بنیان بوده و تفاوت آن با دیگر شرکت‌های فعال در این حوزه، اقدام آن برای ساخت و برقی‌سازی اتوبوس‌ها با توان بومی است، درحالی‌که تاکنون هیچ شرکتی نتوانسته است اتوبوس برقی داخلی تولید کند.

علی‌اصغر نیشابوری افزود: تفاوت مپنا با شرکت‌های عرضه‌کننده اتوبوس برقی این است که خودش از پایه اتوبوس تولید کرده است و در قالب شرکت «شتاب» که ۵۰ درصد

برای اولین بار در مشهد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

گام مشهد در برقی‌سازی ناوگان اتوبوس‌رانی

مدیرعامل شرکت مپنا نیز در این نشست با تأکید بر اینکه در صورت توافق، آمادگی تولید اتوبوس برقی و تولید واگن‌های مورد نیاز شهرداری مشهد را داریم، گفت: معتقدیم برقی‌سازی سیستم حمل‌ونقل عمومی اتفاقی است که در آینده شاهد آن خواهیم بود. عباس علی‌آبادی افزود: مشهد در این مسیر قدم برداشته و براین‌اساس تاکنون چندبار برای ارائه برنامه و ظرفیت‌های گروه مپنا در حوزه ساخت اتوبوس برقی و ... به مشهد سفر کرده‌ایم و با مدیران شهری این شهر جلساتی برگزار شده است.

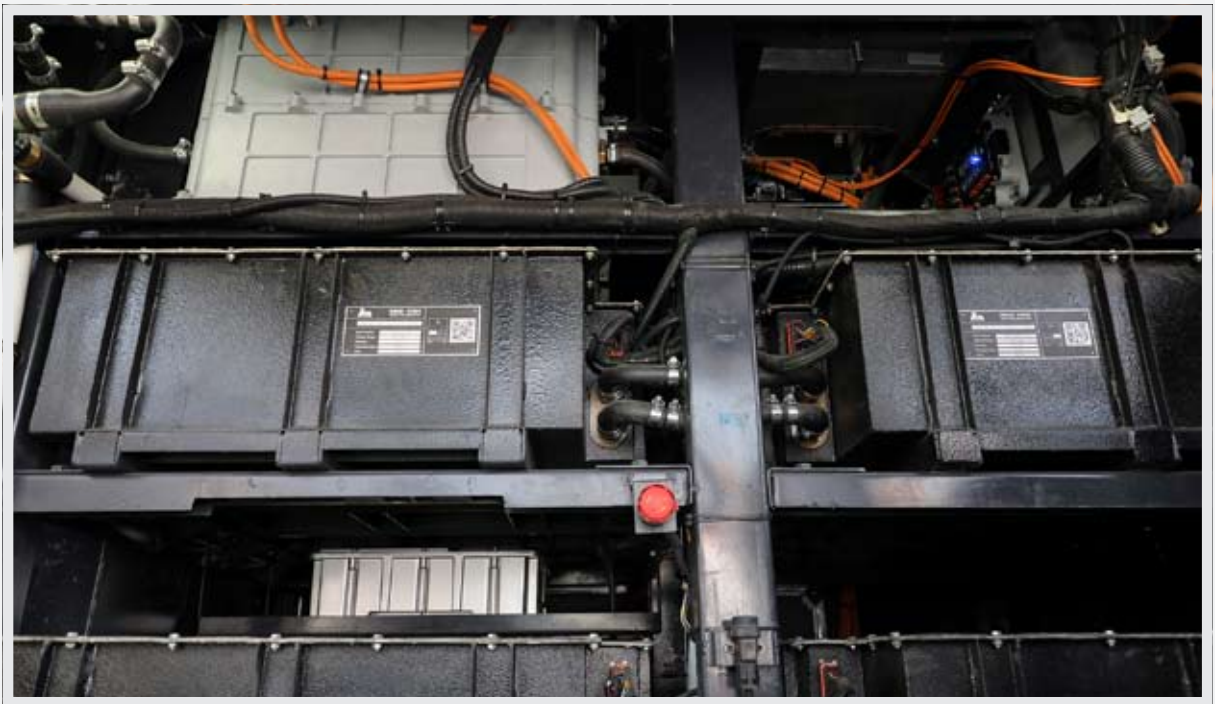
وی با بیان اینکه ظرفیت ساخت اتوبوس و خودرو برقی در کشور وجود دارد و مپنا این ظرفیت را داراست، تصریح کرد: اولین اتوبوس برقی تولید داخل توسط این گروه ساخته‌شده است و در حال پیگیری پلاک‌گذاری آن

کنیم.

اتوبوس برقی باید هرچه سریع‌تر پلاک‌گذاری شود

رئیس کمیسیون عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شورای اسلامی شهر مشهد گفت: در زمینه تولید اتوبوس برقی از دوره گذشته قراردادی با مپنا و شرکت عقاب‌افشان منعقد شده است و منتظریم اتوبوس برقی تولیدشده هرچه سریع‌تر پلاک‌گذاری شود. ایمان فرهمندی به بازدید اعضای شورای شهر مشهد از ظرفیت‌های گروه مپنا و توانمندی‌های این گروه اشاره کرد و افزود: براین‌اساس، قراردادهای تفاهم‌نامه‌هایی نیز با آن‌ها در حوزه تولید اتوبوس برقی، مطالعات برقی‌سازی خط یک بی‌آرتی، مطالعات جامع برقی‌سازی حمل‌ونقل شهر مشهد و دیگر موضوعات اساسی در حوزه حمل‌ونقل منعقد شده است که امیدواریم هرچه سریع‌تر به نتیجه برسد.

وی تأکید کرد: پس از کسب استانداردهای لازم و پلاک‌گذاری اتوبوس برقی، این اتوبوس





از آن متعلق به مینا و نیمی دیگر از آن متعلق به شرکت اتوبوس سازی عقاب افشان است، فعالیت می کند؛ اما برخی از شرکت های خودروساز، اتوبوس های برقی را به کشور وارد کرده اند که در بعضی از شهرها در حال آزمایش هستند.

برای استفاده از ناوگان برقی نیاز به مطالعه بود

وی با تأکید بر توان مطالعاتی بالای شرکت مینا برای ساخت اتوبوس برقی مناسب شهر مشهد بیان کرد: توان انجام مطالعات برقی سازی خط یک بی آر تی توسط مینا اتفاق مثبت دیگری در این حوزه است. مطالعات این شرکت برای برقی سازی اتوبوس های مشهد به پایان رسیده و تحویل شهرداری مشهد شده است. این کار را هیچ کدام از خودروساز های داخلی نمی توانستند برای ما انجام دهند. ما نمی توانیم اتوبوس برقی خریداری کنیم و در خطوط شهری مشهد به کار بگیریم، اما مطالعه ای برای آن انجام نشده باشد. مطالعات به ما می گوید که آیا این اتوبوس، توان حمل و جابه جایی مسافر و تردد در این خط را دارد یا نه؟ آیا در بین مسیر نیاز هست که دستگاه های شارژ اتوبوس نصب شود و این دستگاه ها باید در چه نقطه و فاصله ای از پایانه های ابتدایی و انتهایی باشد؟ این ها مسائلی است که در مطالعات مختلف بررسی می شود و مینا آن ها را برای ما انجام داده است تا ناوگان مناسب برای شهر مشهد از نظر طول خط، تعداد مسافر، شرایط جغرافیایی و آب و هوا تولید کند.



شماره گذاری اتوبوس برقی مشهد تا پایان شهریور

نیشابوری با اشاره به آخرین وضعیت تولید و به کارگیری اتوبوس برقی تولیدی شرکت شتاب، گفت: پیش از این، قرارداد تولید یک دستگاه اتوبوس برقی با این شرکت منعقد شد و الان در مرحله ای هستیم که مینا باید مجوز شماره گذاری و گواهی استاندارد آن یک اتوبوس را به شهرداری مشهد ارائه کند تا قرارداد خرید با تعداد بالاتر با آن مجموعه نهایی شود. این اتوبوس برقی باید مراحل استاندارد را طی کند و بعد مجوز شماره گذاری آن صادر می شود. از آنجایی که این یک دستگاه، نخستین نمونه تولیدی داخل کشور است، این فرایند کمی طولانی شده است و امیدواریم که تا پایان شهریور ماه شرکت مینا بتواند مجوز این یک دستگاه را بگیرد.

خط یک بی آر تی، برقی می شود

مدیرعامل سازمان اتوبوس رانی شهرداری مشهد افزود: اتوبوس های برقی تولیدی شرکت مینا و عقاب افشان قرار است جایگزین اتوبوس های فعال در خط یک بی آر تی شوند و در فاز یک، صد دستگاه مورد نیاز است که البته در یک مرحله انجام نمی شود و در فاز اول ۱۰ دستگاه به ما تحویل داده می شود و به نسبت تحویل این اتوبوس های برقی به شهرداری، اتوبوس های دیزلی از مدار خارج می شوند.

اخذ گواهینامه استاندارد DOS5 اسکانیا توسط نمایندگی عقاب افشان در مشهد

5 (آخرین بازنگری از استاندارد خدمات پس از فروش شرکت اسکانیا) شد.
این نمایندگی، شهریور ماه سال ۹۸ موفق به اخذ گواهینامه استاندارد DOS 4 از شرکت اسکانیای سوئد شده بود.

نمایندگی مشهد، کد ۵۰۰۰۳، با مدیریت ناصر عباسزاده، پس از ارزیابی توسط ارزیابان شرکت اسکانیای سوئد، به عنوان دومین نمایندگی در شبکه خدمات پس از فروش شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان، در آخرین روز بهار ۱۴۰۱ موفق به اخذ استاندارد DOS



گفتگو با غلامرضا اشجار، یکی از مشتریان قدیمی شرکت عقاب افشان

اتوبوس‌های برون‌شهری اسکانیا همتا ندارند



عبور از دوران کرونا چند ماهی است رونق را به بازار ترمینال‌های مسافری و اتوبوس‌رانی‌های بین‌شهری بازگردانده است. شاید به جرأت بتوان گفت که این بیماری یکی از بیشترین لطمات را به اقتصاد بخش حمل‌ونقل مسافری از جمله اتوبوس‌داران بین‌شهری زد و بسیاری از شرکت‌های مسافری در جهان را تا آستانه ورشکستگی برد. با این حال، کمک خداوند متعال و قدرت علم یک بار دیگر به یاری مردم جهان آمد و شر این ویروس خطرناک را از سر همه ما برداشت.

ناوگان اتوبوس‌رانی بین‌شهری کشور حالا بعد از مدت‌ها دارد با ۱۰۰ درصد ظرفیت خود فعالیت می‌کند و به مردم عزیز کشور خدمات ارائه می‌دهد، اما متأسفانه به نظر می‌رسد همچنان بسیاری از مشکلات این صنف پابرجاست و اغلب فعالان این حوزه از مشکلاتی که دارند، گلایه‌مندند. آنها نسبت به آشفته بازار قطعات تقلبی، گرانی لوازم یدکی، روغن‌های بی‌کیفیت، مشکلات گرانی و دسترسی به لاستیک‌های باکیفیت و ... گلایه دارند و می‌خواهند که نهادهای متولی به هر شکلی که می‌توانند دست‌شان را بگیرند. در این شماره کالسکه سبز با آقای غلامرضا اشجار، از مالکان اتوبوس‌های اسکانیا و مشتریان قدیمی شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان، درباره مشکلات این صنعت و وضعیت آن گفتگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

الان چند اتوبوس دارید و از چه برندهایی است؟

خودم به تنهایی ۴ اتوبوس متشکل از یک اتوبوس اسکانیای کلاسیک و ۳ دستگاه اسکانیای مارال دارم اما همراه با برادرانم جمعاً ۸ اتوبوس داریم که شراکتی با هم کار می‌کنیم و جدا از هم نیستیم.

خودتان رانندگی هم می‌کنید؟

راستش برخلاف خیلی‌ها که عشق پشت فرمان اتوبوس نشستن دارند، من واقعاً هیچ

چه شد که وارد این حرفه و شغل شدید؟

کار با اتوبوس و به عبارتی اتوبوس‌داری، شغل خانوادگی و پدری ما بود و بنده هم به تبع پدر و برادرانم پا در این عرصه گذاشتم. البته نه اینکه به اجبار وارد این شغل شده باشم اما شور دوران نوجوانی و علاقه به اتوبوس من را هم به این راه کشاند. تقریباً ۲۵ سالگی می‌شود که سر و کارم با اتوبوس است. پدرم از سال ۶۵ با اتوبوس‌های ناسیونال و ایران پیمان شروع کرد و بعدها من و برادرانم راه ایشان را ادامه دادیم.



نمایندگی خدمات پس از فروش عقاب افشان است. ما اغلب کارهای مان را در نمایندگی آقای مودت نژاد در اصفهان انجام می دهیم. ایشان یک مجموعه کاملاً تخصصی و حرفه ای دارد و از مکانیک های بسیار کارآزموده ای هم برخوردار است. نکته مهم اینکه ما به ایشان اعتماد کامل داریم و مطمئنیم اگر قطعه ای را تحت عنوان اصلی استفاده می کند، حتماً آن قطعه اصلی است. متأسفانه بازار لاستیک و قطعات اصلی در کشور بسیار وحشتناک است. شاید باور نکنید اما امروز در بازار لاستیک های سنگین، لاستیک های چینی هستند که با ضخامت ۹۰ درصد به یکباره می ترکند و برای صاحب اتوبوس گرفتاری ایجاد می کنند. یا در بحث لوازم یدکی تقلب بیداد می کند و خیلی از قطعاتی که لوازم فروش های متفرقه به اسم اصلی به مالکان می دهند، غیر اصلی هستند و این موضوع، بعضاً ما را دچار مشکلات بزرگی می کند. امروز یک تعمیر موتور ساده اتوبوس حداقل بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان آب می خورد. ما چقدر باید کار کنیم که این مبلغ را هزینه کنیم؟

روزانه به مقاصد تهران، قشم و بندرعباس اتوبوس اعزام می کنیم.

قدری از سختی های کار خودتان بگویید.

باور کنید ما حاضریم تمام کارهای فیزیکی را انجام دهیم و خسته نشویم. اما چیزی که مدت هاست ما را آزار می دهد، شرایط سخت توری است که در بازار ایجاد شده و روز به روز هم بدتر می شود. امروز قیمت یک جفت لاستیک میشنل به ۳۳ میلیون تومان رسیده است. برای هر روغن باید حداقل ۴ میلیون تومان هزینه کنیم. قیمت لوازم یدکی اصلی، اگر گیر بیاید، روزانه افزایش می یابد و عذاب پیدا کردن قطعات مطمئن و اصلی هم که جای خود را دارد. واقعاً شرایط سختی داریم و نمی دانیم تا کجا باید این وضعیت ادامه داشته باشد.

برای تعمیر و سرویس اتوبوس های تان از خدمات پس از فروش شرکت عقاب افشان استفاده می کنید؟

اتفاقاً در روزگاری که تقلب و بازار قطعات غیر اصلی داغ داغ است، همه امید ما به

علاقه ای به این کار ندارم و رانندگی نمی کنم. البته مدارک کافی برای این کار را دارم اما اصطلاحاً من آدم پشت فرمان نشینی نیستم و هیچوقت هم علاقه ای برای رانندگی اتوبوس در من ایجاد نشد.

رانندگان تان از شما راضی هستند؟

راستش ما سعی می کنیم حق و حقوق این عزیزان را بدون کم و کاست پرداخت کنیم. اما شرایط امروز جامعه طوری است که هیچ کس از وضعیتی که دارد، راضی نیست. خودتان دارید می بینید که تورم و گرانی با زندگی این مردم چه کرده است. واقعاً باعث خجالت است که راننده با همه سختی و مصیبتی که در گرما و سرما تحمل می کند، باز هم درآمدش کفاف زندگی اش را ندهد. امیدوارم شرایطی پیش بیاید که همه مردم با هر شغلی که دارند، بتوانند زندگی بهتری را تجربه کنند.

اتوبوس های تان در چه مسیرهایی فعال هستند؟

مبدأ اتوبوس های ما شهر شیراز است اما



کنید این بیماری خطرناک همچنان با همان قدرت ادامه داشت و همه مردم مجبور بودند با آن زندگی کنند. باور کنید که از گفتنش هم ترس دارم. همه ما روزگار سختی را به لحاظ روانی و معیشتی متحمل شدیم و امیدوارم هیچگاه جهان با چنین مصیبت‌هایی در آینده مواجه نشود.

بسیاری از مالکان و رانندگان اتوبوس‌های بین‌شهری از وضعیت کیفی جاده‌های کشور ناراضی‌اند. وضعیت جاده‌ها و مسیرهای عبوری اتوبوس‌های شما چگونه است؟

ضمن عذرخواهی از مخاطبان شما، اما بهترین صفت برای توصیف آن، واژه «فتضاح» است. متأسفانه مسیرهای منتهی به جنوب مثل بندرعباس و قشم، جاده‌های بسیار بدی دارد و سالانه زیان‌های بسیاری را به جلوبندی همه وسایل نقلیه از جمله اتوبوس‌ها وارد می‌کند. مسیر شیراز به تهران، باز به نسبت بهتر است و اتوبوس‌ها کمتر در این مسیر دچار آسیب می‌شوند؛ اما کاش گوش شنوایی باشد. هرچند که کار از گله و شکایت گذشته و اینها هم دیگر هیچ اثری ندارد.

انتظارات‌تان برای بهبود شرایط چیست؟

به خدا، جگرمان خون است و نمی‌دانیم باید چه کنیم. نه فقط صنف ما بلکه امروز همه اصناف دچار مشکلات عدیده‌ای هستند و خدا کند تغییری در این شرایط حاصل شود و گرنه معلوم نیست چه به روز بسیاری از مشاغل خواهد آمد.



بسیار بالایی که داشت، نتوانستم بیش از ۶ ماه آن را نگه دارم و فروختمش. یک وجه تمایز مهم دیگر محصولات اسکانیا، این است که موتور و گیربکس آن طراحی ساده‌تری به نسبت دیگر برندها دارند و اگر دچار مشکلی شوند بسیار راحت‌تر قابل تعمیر و سرویس هستند. در یک جمله می‌توانم بگویم که اتوبوس‌های برون‌شهری اسکانیا عالی هستند و هم‌تا ندارند.

یکی از مواردی که آسیب بزرگی به اقتصاد شغل شما زد، کرونا بود. از تجربه روزهای کرونایی بگوئید.

واقعاً روزگار سختی برای همه از جمله ما و شغل‌مان بود. کرونا تقریباً یک سال و نیم همه کار و کاسبی ما را از بین برد و واقعاً خدا را برای از میان برداشتنش شکر می‌کنم. شاید گفتنش راحت باشد اما یک درصد فکر

لطفاً بفرمایید انگیزه‌تان از انتخاب اتوبوس‌های اسکانیا چیست و چرا در عین حالی که اتوبوس‌های دیگری هم در بازار هستند، شما اتوبوس‌های تولیدی شرکت عقاب‌افشان را برگزیدید؟

دلایل زیادی برای این کار دارم اما مهمترینش استهلاک پایین اتوبوس‌های اسکانیا است. این اتوبوس‌ها به نسبت دیگر برندها، هم هزینه نگهداری کمتری دارند و هم هزینه تعمیرات آنها به نسبت پایین‌تر است؛ ضمن اینکه در این وضعیت تحریم‌ها، قطعات اصلی محصولات اسکانیا راحت‌تر در دسترس است و مهمتر از همه اینکه شرکت عقاب‌افشان و خدمات پس از فروش این شرکت در داخل ایران قرار دارد که برای ما یک نقطه امید بسیار پررنگ است. من قبلاً اتوبوس ولوو هم داشتم اما به خاطر هزینه‌های



علم و فناوری

آیا ادعای چین مبنی بر دریافت سیگنال از موجودات فرازمینی صحیح است؟/۲۰
رازگشایی از اسرار کیهان با بزرگترین شتاب‌دهنده ذرات جهان/۲۱
تحقیقات کاوشگر «گایا» اسرار کهکشان «بی‌قرار» راه شیری را بر ملا کرد/۲۲
ماهواره‌های ناسا به مدار نرسیدند/۲۳
نگاهی به پروژه‌های شکست‌خورده مایکروسافت/۲۴
قابلیت بی‌صدا کردن افراد در تماس‌های تصویری به واتس‌آپ اضافه شد/۲۷

کارگاه

[۱۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۷ - خرداد ماه ۱۴۰۱

اسکایا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News



آیا ادعای چین مبنی بر دریافت سیگنال از موجودات فرازمینی صحیح است؟

باریک توجهات را به خود جلب کرد چرا که منابع سیگنال طبیعی، اغلب سیگنال‌هایی را در باند باریک تولید نمی‌کنند. با این حال، یکی از دانشمندان چینی در گفت‌وگو با روزنامه مذکور عنوان کرد احتمال اینکه سیگنالی که آنها شناسایی کردند، داخل رادیویی باشد بسیار زیاد است.

ور تیمور در گفت‌وگو با لایو ساینس عنوان کرد: مشکل بزرگ و مسئله ما در این مورد خاص، این است که ما به دنبال سیگنال‌های موجودات فرازمینی هستیم، اما چیزی که می‌یابیم، میلیون‌ها سیگنالی است که از زمین ارسال می‌شوند. اگرچه این سیگنال‌ها بسیار ضعیف هستند، اما گیرنده‌های روی تلسکوپ‌ها بسیار حساس هستند و می‌توانند سیگنال‌های تلفن‌های همراه، تلویزیون‌ها، رادارها و ماهواره‌ها را دریافت کنند و هر روز نیز بر تعداد این دستگاه‌ها اضافه می‌شود.

بسیار بزرگ است که از حساسیت بسیار بالایی در شناسایی سیگنال‌های رادیویی برخوردار است و می‌توان این سیگنال‌ها را از نقاط مختلف و دور دست‌ها دریافت کند. پژوهشگران از این تلسکوپ برای جست‌وجوی موجودات فرازمینی و یا سیگنال‌هایی از تمدن‌های دور استفاده می‌کنند.

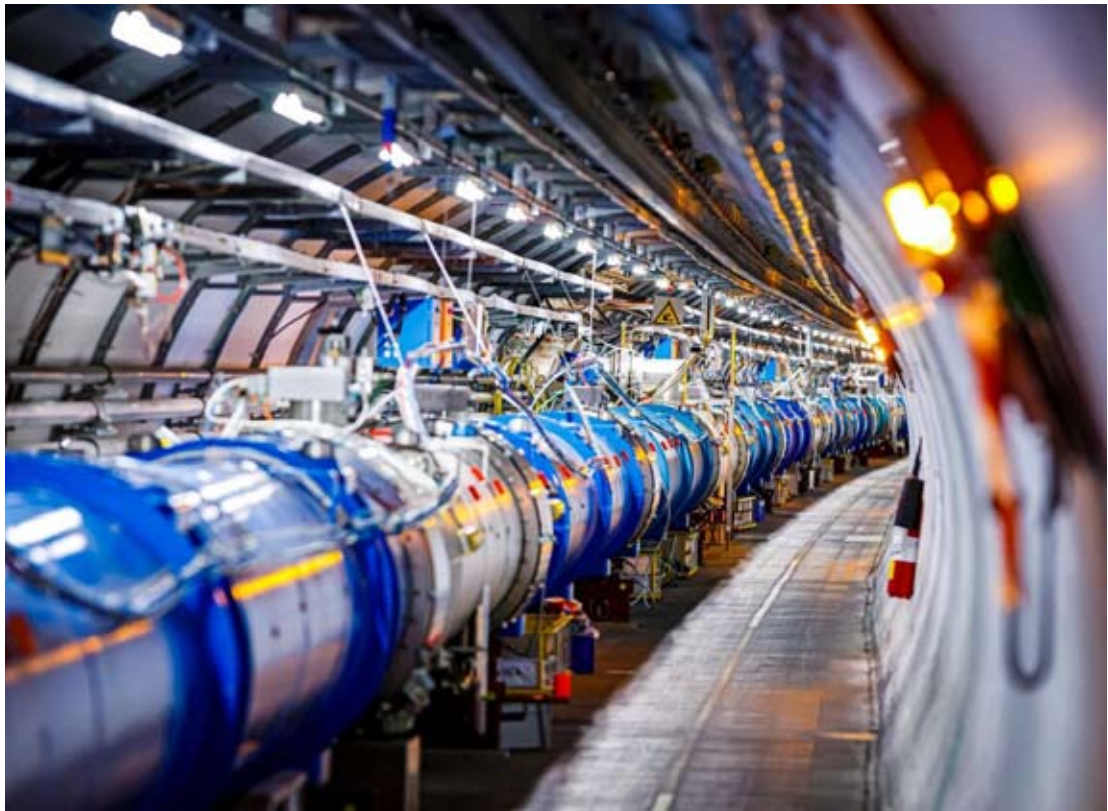
در همین رابطه، «دنی پرایس» از محققان دانشگاه کترین عنوان کرد از آنجایی که FAST بسیار حساس است و سیگنال‌های بسیاری از منابع مختلف دریافت می‌کند، ممکن است به تداخلاتی رادیویی رخ داده باشد. وی به علاقه‌مندان به این حوزه یادآور شد وقتی که سیگنال‌هایی احتمالی را از تمدن‌های بیگانه می‌شنوند، خیلی هیجان زده نشوند. سیگنال شناسایی‌شده توسط این تلسکوپ به دلیل قرار گرفتن در یک باند

ادعای محققان چینی مبنی بر دریافت و شناسایی سیگنال‌هایی از تمدن‌های بیگانه هوشمند توسط یک محقق دانشگاه کالیفرنیا زیر سوال رفت.

«دان ورتیمر» از محققان دانشگاه کالیفرنیا، بر کلی در مصاحبه‌ای ضمن رد این ادعاها از سوی محققان چینی که در گفت‌وگو با روزنامه «علم و فناوری» عنوان کردند، افزود این سیگنال به طور قطع از عوامل انسانی نشأت گرفته است.

سیگنال مورد بحث توسط بزرگ‌ترین تلسکوپ رادیویی جهان که با نام کامل Aperture Spherical radio Telescope FAST—و به اسم مستعار چشم آسمان (Sky Eye) شناخته می‌شود، شناسایی شد و به گفته این محقق، این سیگنال از تداخل رادیویی (انسانی) نشأت گرفته و نه موجودات فرازمینی.

تلسکوپ FAST یک تلسکوپ زمینی



رازگشایی از اسرار کیهان با بزرگترین شتاب‌دهنده ذرات جهان

از آن استفاده شد ۱۳ تریلیون الکترون ولت انرژی دریافت کرد) و به تجهیزات تشخیصی پیشرفته‌ای مجهز خواهد شد تا قادر شود انفجارهای بی‌نظم درون اتم‌خردکن بزرگ را بهتر بررسی کند. این دستگاه اکنون با قدرت کم در حال گذراندن مراحل آزمایشی است و استفاده از آن از پنجم ژوئیه امسال آغاز خواهد شد. در برخورددهنده هادرونی بزرگ از آهن رباهای غول‌آسا استفاده شده است تا سرعت پرتوهای پروتون و هسته‌های اتمی را به دور حلقه زیرزمینی (underground ring) در مسیر مخالف افزایش دهد و سپس آن‌ها را با سرعتی نزدیک به سرعت نور به شکل یک رشته برخورد پراثری گرد هم آورد. این نیازمند میزانی از انرژی است که بعد از کسری از ثانیه پس از مه‌بانگ تا کنون دیده نشده است.

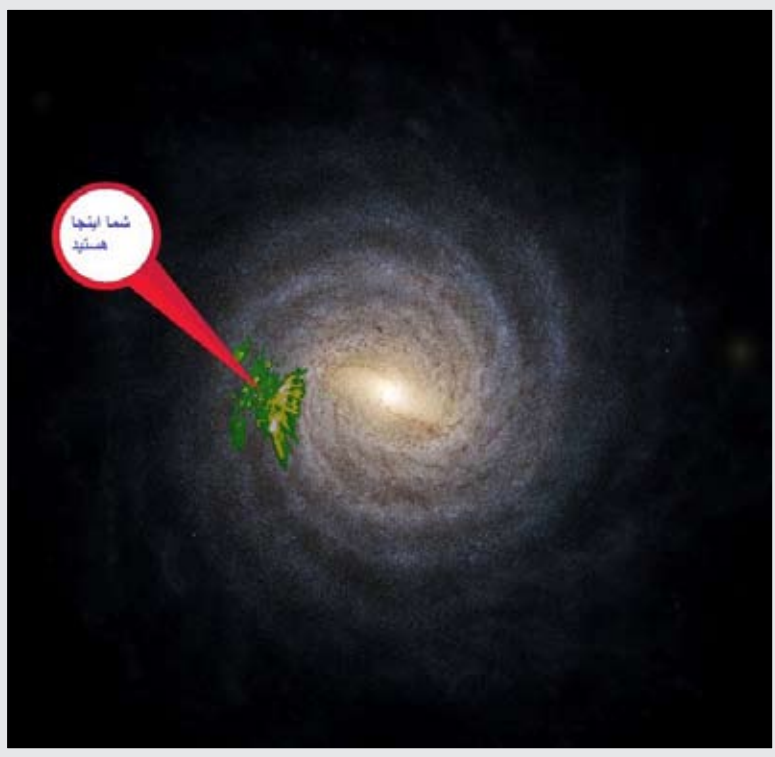
یکی از دستاوردهای علمی بزرگ به‌شمار می‌رود که کمک کرده است جزییات مهمی درباره اساس هستی آشکار شود. کشف بوزون هیگز در ژوئیه ۲۰۱۲، مدل استاندارد فیزیک ذرات را تأیید کرد که هنوز هم به‌عنوان بهترین توضیح چگونگی کارکرد مواد به‌شمار می‌رود. دانشمندان امیدوارند استفاده از برخورددهنده هادرونی بزرگ رازهای بزرگ‌تری را درباره هستی، از جمله درباره ذرات نامرئی تشکیل‌دهنده ماده تاریک کیهان، آشکار کند. بیش از سه سال است که از برخورددهنده هادرونی بزرگ استفاده نشده است و طی این مدت، دانشمندان مشغول به‌روزرسانی آن با صرف میلیون‌ها دلار بوده‌اند. این شتاب‌دهنده پس از به‌روزرسانی تا ۱۳۶ تریلیون الکترون ولت انرژی دریافت خواهد کرد (در صورتی که در آخرین باری که

قرار است طی چند هفته آینده، مرحله جدید آزمایش هادر برخورددهنده هادرونی بزرگ (the Large Hadron Collider) که بزرگ‌ترین شتاب‌دهنده ذرات است، آغاز شود. طبق این برنامه‌ریزی، مرحله جدید آزمایش‌ها، یک روز بعد از دهمین سالگرد بزرگ‌ترین دستاورد برخورددهنده هادرونی بزرگ، یعنی کشف بوزون هیگز (ذره اولیه بنیادی دارای جرم)، آغاز می‌شود.

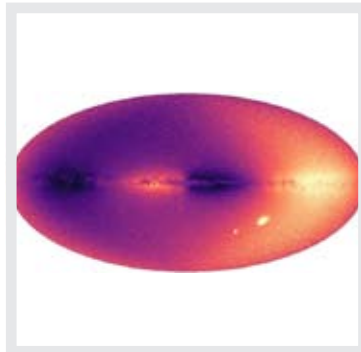
برخورددهنده هادرونی بزرگ یا LHC، بزرگ‌ترین شتاب‌دهنده ذرات جهان پس از یک وقفه نسبتاً طولانی سه ساله از خواب بیدار شده است.

از سال ۲۰۱۸ تاکنون، از برخورددهنده هادرونی بزرگ استفاده نشده است و بازگشایی آن اتفاقی بزرگ برای علم جهان به‌شمار می‌رود؛ زیرا این برخورددهنده

تحقیقات کاوشگر «گایا» اسرار کهکشان «بی‌قرار» راه شیری را برملا کرد



دوربینی که با تصاویر آن می‌توان قطر یک تار موی انسان را از فاصله یک هزار کیلومتری اندازه‌گیری کرد. این کاوشگر همچنین ابزار دیگری دارد که به آن اجازه می‌دهد نه تنها ستارگان را نقشه‌برداری کند، بلکه جایجایی و ترکیب‌های شیمیایی آنها را هم بسنجد. آنتونی براون رئیس مرکز پردازش داده‌ها در آژانس فضایی اروپا گفت: این داده‌های به‌شدت دقیق به ما اجازه می‌دهد در حدود ۱۰ میلیارد سال در تاریخ گذشته کهکشان را نگاه کنیم. این یافته‌ها حاکی از آن است که کهکشان ما نه تنها مطابق یافته‌های پیشین، بطور یکنواخت در درون جهان کیهانی در حرکت است، بلکه «تالارام» و «بی‌قرار» است. این کهکشان در کنش و واکنش با کهکشان‌های دیگر در طول حیات خود حوادث بسیاری را از سر گذارنده و هنوز هم با آنها رو به رو است. کهکشان ما در واقع یک موجودیت زنده است؛ جایی که اجرام متولد می‌شوند و می‌میرند.



می‌سازد - یکی از شگفت‌انگیزترین و غافلگیرکننده‌ترین یافته‌های ناشی از داده‌های جدید ارسالی است. گایا بیش از ۱/۸ میلیارد ستاره را رصد و بررسی کرده است، اما اینها تنها نمایانگر حدود یک درصد از ستارگان در کهکشان راه شیری هستند. این کهکشان فضایی به وسعت ۱۰۰ هزار سال نوری را در بر می‌گیرد. این تحقیقات با دو تلسکوپ و یک دوربین با دقت یک میلیارد پیکسل انجام شده است؛

تازه‌ترین داده‌های ارسالی کاوشگر فضایی «گایا» که در دسترس ستاره‌شناسان قرار گرفته، بنا بر اعلام سازمان فضایی اروپا، شناخت دانشمندان را از کهکشان راه شیری متحول خواهد کرد.

تازه‌ترین اکتشافات کاوشگر فضایی «گایا» (Gaia) منتشر شد. این کاوشگر نزدیک به دو میلیون ستاره را رصد کرده و پرده از راز «اختزلرزه‌هایی» (starquakes) برداشته است که مانند سونامی‌های بزرگ در میان این غول‌های آتشین (پرشور) با شتاب در حرکت‌اند.

آژانس فضایی اروپا اعلام کرد: سومین مجموعه از داده‌های کاوشگر سازمان فضایی اروپا (ESA) که روز دوشنبه برای ستاره‌شناسان مشتاق منتشر شد، فهم ما را از کهکشان دستخوش تحولی انقلابی می‌کند. «یوزف آسباخر» مدیر کل آژانس فضایی اروپا در یک کنفرانس خبری گفت که «این روزی خارق‌العاده برای ستاره‌شناسی است» زیرا داده‌های جدید دریچه‌هایی برای کسب آگاهی و یافته‌های جدید از جهان کیهانی و کهکشان راه شیری را به روی ما می‌گشاید. «فرانسوا مینار» یکی از اعضای تیم تحقیقاتی گایا گفت: طبق نقشه این داده‌ها بیش از ۱۵۶ هزار سیارک در منظومه شمسی کاتالوگ (فهرست) شده و مدارهای آنها با دقت بالایی محاسبه شده است.

گایا فراتر از منظومه شمسی را هم از نظر دور نداشته است. بطوری که ۲/۹ میلیون کهکشان دیگر و نیز ۱/۹ میلیون اختروش (quasar) - کانون‌های نورانی شگفت‌انگیز کهکشان‌ها که از ابرسیاه‌چاله‌ها نیرو می‌گیرند - را رصد و ثبت کرده است. کاوشگر گایا از زمان پرتاب در سال ۲۰۱۳ تا کنون در موقعیت مهم و راهبردی مداری در فاصله ۱/۵ میلیون کیلومتری از زمین مستقر بوده و از آنجا مشغول رصد آسمان‌ها بوده است.

بر اساس اعلام سازمان فضایی اروپا، رصد اختزلرزه‌ها - لرزش‌های عظیمی که شکل و شمایل ستارگان دوردست را دگرگون

ماهواره‌های ناسا به مدار نرسیدند



دو ماهواره مکعبی کوچک (تاسواره) متعلق به اداره کل ملی هوانوردی و فضا (ناسا) که با هدف نظارت و مطالعه وقوع طوفان‌ها طراحی شده بودند پس از پرتاب توسط موشک به دلیل نقص از رسیدن به مدار بازماندند.

این موشک متعلق به شرکت آمریکایی آسترا است که یکشنبه شب ۲۱ خرداد به نام حمل‌کننده پرتابگر این دو ماهواره را از ایستگاه فضایی کیپ کارنوال در فلوریدا آمریکا به فضا پرتاب کرد.

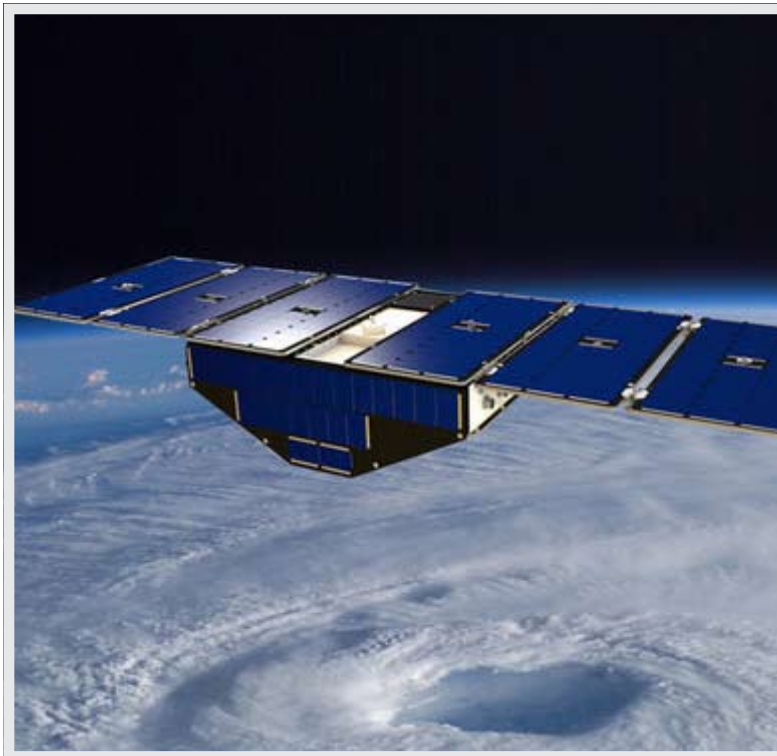
دو تاسواره ناسا اولین ماهواره‌ها از مجموعه ۶ ماهواره‌ای هستند که قرار است وضعیت وقوع طوفان‌ها در آمریکا را زیر نظر داشته باشند؛ مأموریتی که در مجموع بیش از ۳۰ میلیون دلار هزینه بر خواهد داشت.

اما این پرتاب موفقیت آمیز نبود و برنامه خدمات پرتاب ناسا اعلام کرد: بعد از اولین مرحله پرواز موتور جلویی موشک به سرعت خاموش شد و نتوانست ماهواره‌های مکعبی متعلق به پروژه تروپیکس (TROPICS) را به مدار برساند.

تروپیکس یا پایش‌های تفکیک زمانی برای پیش‌بینی ساختار و شدت طوفان‌ها با بهره برداری از تاسواره‌ها یک برنامه ناسا است که با استفاده از ۶ ماهواره شامل سه ماهواره مکعبی دوقلو از نوع 2U دما و رطوبت را اندازه می‌گیرد و سیستم‌های حاره‌ای را پیش‌بینی می‌کند. شرکت آمریکایی آسترا فوریه گذشته (بهمن/اسفند ۱۴۰۰) قراردادی به ارزش هفت میلیون و ۹۵۰ هزار دلار با ناسا برای سه پرتاب منعقد کرد که هر کدام شامل دو پرتاب ماهواره‌های طرح تروپیکس باشد. این شرکت خصوصی فعال در زمینه هوافضا از سال ۲۰۱۶ تأسیس شد.

مسئولان آسترا پیش‌تر به امید تبدیل شدن به بازیگری فعال در بازار پرتاب ماهواره‌ها وعده پرتاب‌های بیشتر با تنوع بیشتر نسبت به شرکت‌های اسپیس ایکس و اریان اسپیس را داده بودند که معمولاً از پرتابگرهای عظیم جثه استفاده می‌کنند.

با وجود این یک پرتاب دیگر ماهواره‌های



متعلق به ناسا توسط آسترا نیز ناموفق بود، پرتاب ماهواره مکعبی مأموریت ناسا در ماه فوریه قبل نیز به دلیل نقص در آزادسازی سپرهای محافظ ماهواره در زمان پرواز باعث شد آن ماهواره هم به مدار نرسد. اسکات براون یک محقق هواشناسی در ناسا

در مورد طرح تحقیقاتی تروپیکس گفت: این طرح روند شکل‌گیری چرخنده‌های حاره‌ای و تأثیر و تعامل آنها با محیط پیرامون را به روشنی نشان می‌دهد. همچنین با اجرای این طرح می‌توان داده‌های مفیدی از پایش طوفان‌ها به دست آورد.

نگاهی به پروژه‌های شکست خورده مایکروسافت

شخصیت‌های آزاردهنده و پیچیده بودن رابط کاربری به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. همچنین Bob در حوزه فروش نیز بسیار کم‌فروغ بود و تنها یک سال پس از عرضه متوقف شد.



ویندوز Me

حتی نامی زیبا، نمی‌تواند ویندوز Me را از لقب بدترین نسخه ویندوزی که تاکنون عرضه شده، نجات دهد. مایکروسافت، ویندوز Me را در سال ۲۰۰۰ و در فاصله میان ویندوز ۹۸ و ویندوز اکس پی عرضه کرد.

در ابتدا، دیدگاه‌ها نسبت به ویندوز Me متفاوت بود و چندین وب‌سایت به دلیل سازگاری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بهبود یافته آن نسبت به ویندوز ۲۰۰۰، به تمجید از آن پرداختند. برخی‌ها نیز از قابل اطمینان پذیری پایین آن انتقاد کردند.

در نهایت، از این نسخه به عنوان پلی بین نسخه‌های قدیمی و جدید ویندوز یاد شد و بسیاری از افراد قانع نشدند تا برای سیستم عاملی که عمر آن یک سال بود، پولی پرداخت کنند. اگرچه این پروژه به شکست انجامید اما ویندوز Me سرعت بوت را بهبود بخشید و چندین ویژگی نوآورانه را معرفی کرد که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به محافظت از سیستم فایل، به‌روزرسانی خودکار، مووی‌میکر، هایبرنیت، اشتراک‌گذاری عکس، بازیابی سیستم و... اشاره کرد.

انتقادهایی بران مبنی بر عدم راحتی کاربران در استفاده از این دستبند همراه شد. اما Band 2 با تغییری بسیار کم نسبت به نسخه قبلی عرضه شد و در اصل، این مشکل هرگز برطرف نشد.

مسئله دیگری که در مورد این دستبند بر سر زبان‌ها افتاد، مقاومت پایین دستبند در برابر ضربات و آسیب‌های احتمالی بود. علی‌رغم مجهز بودن به انواع ویژگی‌ها، دستبند تناسب اندام مایکروسافت در برابر ضربات بسیار آسیب‌پذیر بود.

اگرچه مایکروسافت در نسخه بعدی، از یک بند ضخیم‌تر و بادوام‌تر برای این محصول استفاده کرد اما خبری از قابلیت ضد آب و یا ارتقای طول عمر باتری نبود. از طرفی دیگر، قیمت بالای این محصول نیز از دیگر نقاط ضعف آن بود و در نهایت، پس از دو سال، مایکروسافت تولید Band را در سال ۲۰۱۶ متوقف کرد.



مایکروسافت Bob

Bob یک محصول نرم‌افزاری با رابط گرافیکی مبتنی بر بازی بود که برای کمک به کاربران مبتدی رایانه طراحی شده بود. در این رابط کاربری، دستیارهایی شبیه به انسان، در اتاق‌هایی که اشیای موجود در آن با نرم‌افزار مرتبط هستند، راهنمایی‌هایی را به کاربر ارائه می‌دهند.

برای مثال، ساعت نشان‌دهنده تقویم بود و قلم و کاغذ نیز به پردازنده‌ها اشاره داشت. اما این رابط کاربری به دلیل نبود تخیل کافی،

بی‌تردید مایکروسافت نقش بی‌بدیلی در ورود بسیاری از ما به دنیای دیجیتال و آشنایی میلیون‌ها انسان با رایانه‌های شخصی یا همان پی‌سی‌ها داشته است.

در حال حاضر، بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان از ویندوز، سیستم عاملی که توسط این شرکت طراحی شده، استفاده می‌کنند. افزون بر ویندوز، مایکروسافت و برند زیرمجموعه آن یعنی ایکس‌باکس به مانند نیرومحركه برای پیشرفت صنعت بازی بودند.

این شرکت همچنین محصولات دیگری مانند آفیس را عرضه کرده این روزها به عنوان محبوب‌ترین و پرکاربردترین ابزار کلاس خود شناخته می‌شود. البته نباید از اینترنت اکسپلورر گذشت که اگرچه اخیراً بازنشست شده و به تاریخ پیوسته، اما در مقطعی دروازه ورود ۹۵ درصد از کاربران آنلاین به اینترنت بوده است.

بنابراین، تاثیر مایکروسافت بر زندگی ما انسان‌ها غیرقابل انکار است. با این حال، این شرکت بسیار موفق و غنی از محصولات و ابزارهای کاربردی، در مقطعی با شکست‌هایی مواجه بوده که در ادامه قصد داریم نگاهی بیندازیم به تجربه‌های ناموفق اهالی ردموند در سال‌های فعالیت این شرکت.

مایکروسافت بند

در روزی که مایکروسافت از دستبند هوشمند بند (Band) رونمایی کرد، بسیاری از کارشناسان، آینده روشنی را برای آن متصور بودند. اما زمانی که این شرکت، نسل دوم این محصول را بدون رفع معایب و در نظر گرفتن گلایه‌های کاربران، عرضه شد در واقع، این ردیاب تناسب اندام در سراسر جهانی سقوط و فراموش قرار گرفت.

اگرچه این دستبند مملو از قابلیت‌های تناسب اندام و کارکردهای متنوع بود و به طور خاصی با گوشی‌های اندروید، آی او اس و ویندوزی سازگار بود اما یکی از دلایلی که باعث به حاشیه راندن این محصول شد، راحت نبودن استفاده از آن بود.

بدین معنی که مدل نخست Band با

مایکروسافت Zune

سرویس استریم و دانلود موزیک مایکروسافت زون نتونست در رقابت با آپل به توفیق چندانی دست یابد. در واقع، مایکروسافت زمانی زون را عرضه کرد که اپل با آپل توانست بازار را قبضه کند؛ هر چند زون با قابلیت‌های متنوع و جدیدی قدم به این رقابت گذاشته بود.

با این حال، مایکروسافت زون نتوانست مشکلی را که کاربران با دستگاه اپل داشتند، رفع و از این فرصت استفاده کند. دستگاه استریم موزیک مایکروسافت اما ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داشت؛ این دستگاه قبل از آپل، به تراشه وای فای مجهز شد و به کاربران اجازه می‌داد تا موزیک‌ها را میان یکدیگر به اشتراک بگذارند.

مایکروسافت زون همچنین با قابلیت Zune Pass که یک سرویس اشتراکی با هزینه ۱۵ دلار در ماه بود، توانست یک سروگردن بالاتر از رقیب قرار گیرد. Zune HD نیز یکی از اولین دستگاه‌های مجهز به صفحه نمایش اچدی بود که به بازار یافت.

به هر حال، مایکروسافت زون دارای نقاط ضعفی هم بود که در کفه سنگین ترازو قرار می‌گرفت؛ بدین معنی که از لحاظ حجم و ابعاد، بزرگ‌تر از آپل بود، برنامه‌ها و اکوسیستم لوازم جانبی یکسانی نداشت و پشتیبانی از کدک ویدیو آن محدود بود.

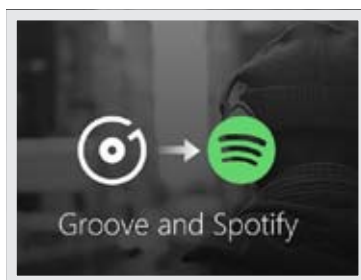
مایکروسافت Groove Music

مایکروسافت سرویس Zune Music Pass خود را در سال ۲۰۱۲ به Xbox Music تغییر نام داد تا از این طریق، ایکس باکس را به پلتفرمی چند رسانه‌ای تبدیل کند که البته این استراتژی نتیجه دلخواه را به دنبال نداشت.

طولی نکشید که مایکروسافت قبل از عرضه ویندوز ۱۰، بار دیگر نام این سرویس را به Groove تغییر داد. زمانی که Groove عرضه شد، سرویس استریم موزیک مایکروسافت با شکست مواجه شد و این شرکت، کاربران را به اسپاتیفای هدایت کرد. سپس برنامه‌های Groove Music را از اندروید و آی او اس حذف کرد.

هر چند Groove Music برای مدتی به عنوان یک پخش کننده فایل‌های رسانه‌ای به حیات خود ادامه داد تا اینکه امسال و با یک

برنامه جدید در ویندوز ۱۱ به نام Media Player از صفحه روزگار محو شد.



مایکروسافت Kin

کمتر کسی را می‌توان یافت که هنوز مایکروسافت کین را به خاطر داشته باشد. تلفن همراهی که برای کار با شبکه‌های اجتماعی طراحی شده بود. دو مدل از این محصول به نام‌های Kin و Kin One Two عرضه شد و مدل نخست، تخم‌مرغی شکل بود و مدل دوم نیز مستطیلی شکل و شبیه به گوشی‌هایی همچون موتورولا دروید بود.

اما این گوشی‌ها با استقبال کاربران مواجه نشدند و اپراتور مخابراتی ویرجین آمریکا که فروش آنها را برعهده داشت، تمامی مدل‌های فروخته‌نشده کین را به مایکروسافت بازگرداند. نقطه ضعف‌هایی همچون صفحه نمایش کوچک، نبود برنامه‌های مهم، عدم امکان دانلود برنامه‌های شخص ثالث، سیستم عامل ضعیف... مانع از موفقیت این گوشی در بازار شدند.



ویندوز فون (و لومیا)

مایکروسافت سودای ورود به بازار گوشی‌های هوشمند را داشت و پس از خرید یک شرکت، فرآیند تولید گوشی‌های خود را آغاز و مدل‌هایی را تحت عنوان ویندوز فون

وارد بازار می‌کند. اسمارت فونی که از سیستم عاملی ساده و کاربرپسند بهره می‌برد و قرار بود رقیبی جدی برای مدل‌های اندروید و آی او اس شود.

گوشی ویندوز فون در سال ۲۰۱۰ و با قابلیت‌هایی همچون «کاشی‌های زنده» را برای نمایش اطلاعات مرتبط وارد بازار شد و در مقطعی از زمان، گوشی ویندوز فون مایکروسافت از مشخصات سخت‌افزاری قدرتمندی همچون دوربین ۴۱ مگاپیکسلی بهره می‌برد.

اما آنچه مقدمات شکست این گوشی را فراهم کرد؛ نبود برنامه برای ویندوز فون بود. در واقع، مایکروسافت نتوانست توسعه‌دهندگان را مجاب کند تا برنامه‌هایی خود را به این سیستم عامل انتقال دهند. در واقع، داشتن ویندوز فون به معنای از دست دادن اپلیکیشن‌های محبوبی همچون اینستاگرام و یوتیوب بود.

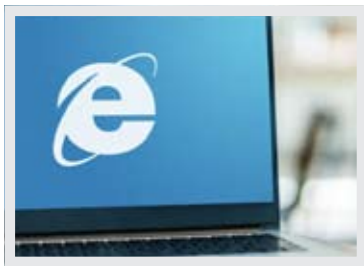
مایکروسافت اگرچه برای احیای این کسب‌وکار، نوکیا را خریداری کرد و از برند لومیا برای محصولات جدید خود استفاده کرد اما دیگر خیلی دیر شده بود تا اینکه مایکروسافت در ۱۴ ژانویه ۲۰۲۰ به عمر این محصول پایان داد.

ویندوز ویستا

آیا ویندوز ویستا واقعا بد بود؟ جواب برخی‌ها مثبت و برخی نیز منفی است. ویندوز ویستا در سال ۲۰۰۷ عرضه شد و اگرچه توانست ایده‌های خوبی را ارائه دهد که برخی از آنها حتی در ویندوز ۱۱ نیز مشاهده می‌شوند، اما مشکل اینجا بود که برخی از این قابلیت‌ها، همانند رابط کاربری شفاف Aero، برای اکثر رایانه‌های موجود در بازار بسیار پیشرفته بودند.

از طرفی دیگر، ویندوز ویستا به دلیل پیچیده بودن بیش از حد، در زمان راه‌اندازی حتی از ویندوز ۹۵ نیز کندتر بود و از آنجایی که به درایورهای جدیدی نیاز داشت، بسیاری از کارت‌های گرافیک و تجهیزات جانبی به درست کار نمی‌کردند. همه این موارد باعث شد تا میزان نصب این نسخه، عدد بسیار پایینی را نشان دهد و به عنوان یکی از سنگین‌ترین شکست‌های مایکروسافت لقب گیرد.

ایکس باکس را معرفی کرد، بسیاری از هواداران این شرکت سیموس بلکلی، طراح مایکروسافت را به باد انتقاد گرفتند. اما آنچه ایکس باکس را به طراحی چنین دسته بزرگ و نافرمانی سوق داد، بردهای مدار این دسته بود که بزرگ‌تر از حد انتظار بودند و دسته‌های این شرکت را بستند. بداندید کنترلر ایکس باکس تقریباً سه برابر کنترلر دوآل شکاک پلی استیشن بود. با این حال، چند ماه پس از عرضه ایکس باکس با کنترلر The Duke، دسته جدید Controller S وارد بازار و تبدیل به دسته اصلی این کنسول در سراسر جهان شد.



اینترنت اکسپلورر

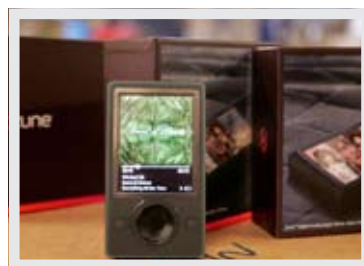
اینترنت اکسپلورر قبل از آنکه به عنوان بخشی از سیستم عامل ویندوز ۹۵ تبدیل شود، در سال ۱۹۹۵ و در قالب یک پکیج Add-on عرضه شد. این مرورگر به سرعت مسیر شهرت را طی کرد و در سال ۲۰۰۳ نیز حدود ۹۵ درصد از سهم بازار مرورگرها را به خود اختصاص داده بود.

این مرورگر برای افرادی که در دهه ۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ میلادی، زندگی دیجیتال را تجربه کردند، حکم دروازه ورود به اینترنت را داشت. اما مرگ اینترنت اینترنت اکسپلورر از زمانی آغاز شد که شرکت‌های بزرگ دنیا، مرورگرهایی با قابلیت‌هایی متنوع و استفاده راحت‌تر را عرضه کردند. مرورگرهایی همچون موزیلا فایرفاکس و گوگل کروم که به ویژگی‌هایی همچون سرعت بارگذاری سریع‌تر و پشتیبانی از استانداردهای بین‌المللی وب مجهز بودند و اینترنت اکسپلورر را به حاشیه راندند به طوری که در سال ۲۰۰۹، سهم اینترنت اکسپلورر به ۶۵ درصد رسید و امروز نیز به کمتر از یک درصد تقلیل یافته است. تا اینکه مایکروسافت اخیراً و در ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲، به عمر این مرورگر پایان داد.

کورتانا قبل از آنکه در سال ۲۰۱۵ به رایانه‌های شخصی اضافه شود، روی ویندوزفون نگون بخت راه‌اندازی شد. روی کاغذ، کورتانا به دلیل سروکار داشتن با میلیون‌ها کاربر که به سادگی به آن دسترسی داشتند، موفق به نظر می‌رسد اما در عمل، کسی با این دستیار صوتی صحبت نمی‌کرد.

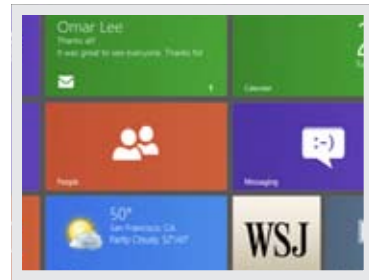


پس از شکست ویندوز فون، عملاً شانس‌های کورتانا نیز از بین رفت. اگرچه این محصول در رایانه‌های رومیزی و لپ‌تاپ‌ها ادغام شد، اما قطعاً با گوشی‌های هوشمند می‌توانست بیش از اینها موفق باشد. هرچند مایکروسافت تلاش کرد با تعبیه کورتانا در بلندگوی Harmon Kardon Invoke فعالیت‌های این دستیار صوتی را توسعه دهد اما نتوانست حمایت شرکت‌های شخص ثالث را جلب کند. همه این اتفاقات سبب شد تا مایکروسافت سرانجام کورتانا را از جست‌وجوی ویندوز حذف و آن را به طور پیش‌فرض در ویندوز ۱۱ غیرفعال کند.



کنترلر The Duke ایکس باکس

یکی از شکست‌های مایکروسافت در حوزه گیمینگ، عرضه کنترلر The Duke برای کنسول ایکس باکس بود. اما چرا این کنترلر؟ پاسخ ساده است: بزرگ، زشت و طراحی ناجور. زمانی که مایکروسافت کنترلر اصلی



ویندوز ۸ و ویندوز آر تی

در برهه‌های از زمان که بازار رایانه‌های شخصی، تحت فشار گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها قرار داشت، مایکروسافت، سیستم عاملی را عرضه کرد که از لحاظ ظاهر، احساس و کارکرد شبیه به نسخه‌های قبلی ویندوز نبود. همچنین زمانی ویندوز ۸ عرضه شد، که تنها سه سال از عمر ویندوز ۷ محبوب و پرتعداد می‌گذشت.

مایکروسافت اگرچه ویندوز ۸ را برای ارائه تجربه لمس یا همان تاج در حین کار با دستگاه عرضه کرد، اما واکنش کاربران به این تغییرات مثبت نبود. همچنین رابط رنگارنگ مبتنی بر کاشی گیج‌کننده و ناآشنا بود. همچنین حذف دکمه استارت هم به مذاق کاربران خوش نیامد و فروشگاه ویندوز هم کارایی مورد انتظار را نداشت.

ویندوز آر تی (Windows RT) نیز یکی دیگر از اقدامات گیج‌کننده مایکروسافت بود که به شکست انجامید. ویندوز آر تی به عنوان نسخه سبک‌تر از ویندوز ۸ برای تبلت‌های مبتنی بر تراشه‌های ARM عرضه شد. اما به دلیل اتکا به اپ استوری که عملکردی مورد انتظار را نداشت، به شدت محدود بود. در نهایت، تولیدکنندگان تبلت‌ها تصمیم گرفتند تا قید ویندوز آر تی را بزنند و دستگاه‌های خود را با ویندوز ۸ عرضه کنند.

مایکروسافت کورتانا

اگرچه دستیار مجازی مایکروسافت موسوم به کورتانا همچنان در بسیاری از دستگاه‌های این شرکت وجود دارد، اما نقشی را که برای آن متولد شد، ایفا نمی‌کند. در اینجا هم مایکروسافت، دیر به میدان آمد و کورتانا مدت‌های پس از آنکه گوگل اسیستنت و آمازون الکسا و سیری اپل بازار را تصاحب کردند، عرضه شد.

قابلیت بی صدا کردن افراد در تماس‌های تصویری به واتس‌آپ اضافه شد

واتس‌آپ به تازگی چند قابلیت جدید را به پلتفرم خود اضافه کرده که از میان آنها می‌توان به بی صدا کردن افراد در تماس‌های تصویری اشاره کرد.

این امکان جدید می‌تواند برای بی صدا کردن افرادی که فراموش می‌کنند خودشان این کار را انجام دهند، و یا در مواقعی که نمی‌خواهید صداهای حاشیه‌ای در حین برقراری تماس‌های تصویری شنیده شود، مفید و کاربردی باشد.

اگرچه برخی از اپلیکیشن‌ها همانند زوم و مایکروسافت تیمز این اجازه را به گردانندگان گروه‌ها می‌دهند تا تمامی شرکت‌کنندگان را بی صدا کنند، اما معمولاً گزینه‌ای که بتوانند

به افراد این امکان را داد تا هر کسی را که بخواهند، در حین برقراری تماس، بی صدا کنند وجود ندارد.

این ویژگی سطح جدیدی از کنترل تماس‌های تصویری را در اختیار کاربران قرار می‌دهد که بیشتر برای گروه‌هایی شلوغ و پرسروصدا ایده‌آل خواهد بود.

علاوه بر قابلیت بی صدا کردن، واتس‌آپ از عرضه قابلیت‌های جدید نیز خبر داد که امکان ارسال پیام به افراد خاص در حین برقراری تماس گروهی را فراهم می‌کند. این شبکه اجتماعی همچنین از اضافه شدن بنری جدید به پلتفرم خود خبر داد که اضافه شدن افراد جدید به تماس‌ها را به صورت نوتیفیکیشن

نمایش می‌دهد. اگر خاطرتان باشد واتس‌آپ مدتی پیش از چند قابلیت جدید در زمینه حریم خصوصی پلتفرم خود پرده برداشت که بر اساس آن، کاربر می‌تواند مشخص کند که چه افرادی می‌توانند عکس نمایه، وضعیت و یا آخرین بازدیدشان را مشاهده کنند.

این قابلیت می‌تواند برای کاربرانی که نمی‌خواهند افراد ناشناس و یا حتی برخی افراد خاص، به اطلاعاتی همچون عکس پروفایل و... دسترسی داشته باشند، مفید باشد. اخیراً نیز واتس‌آپ، امکانی جدید را برای کاربران اندروید فراهم کرد تا بتوانند تاریخچه چت‌های خود را به آیفون منتقل کنند.



پازل

3			4	7			
	4		8				
				1	3		2
		2	6			7	3
	8					9	
1	7			9	5		
5		1	7				
				8		5	
			5	3			7

ساده

		5					
					1	8	
2	7	8	3	5			
				3		2	8
	6			4		1	
8	1			7			
				2	5	6	3
			3	7			
						4	

خیلی ساده

					7	1	5
7		6			5		
	3	4		8		6	
				6	3	8	2
							4
		7	9			5	
	2		4		8	7	5
		3		9			8
	7			5			6

متوسط

	6		2				
4		5					2
3				8		6	9
2			9			7	
		3				8	
		6			1		9
	8	7		3			6
6						5	7
					9	2	

سخت



گردشگری

آب انبارها و کارکردهای ۳۰/

دیروز و امروز ۳۰/

«ایران» از کی «ایران» نامیده شد؟ ۳۱/

گوبکلی تپه قدیمی ترین پرستشگاه جهان با قدمتی ۱۱

هزار ساله ۳۲/

نکته‌هایی مفید برای عکاسی در سفر ۳۴/

مساجد ایران نمادی از فرهنگ و هنر ۳۶/

«سلاطین گنج» چرا دستگیر نمی‌شوند؟ ۳۸/

کارخانه

[۲۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۷ - خرداد ماه ۱۴۰۱

اسکیا

علم و فناوری

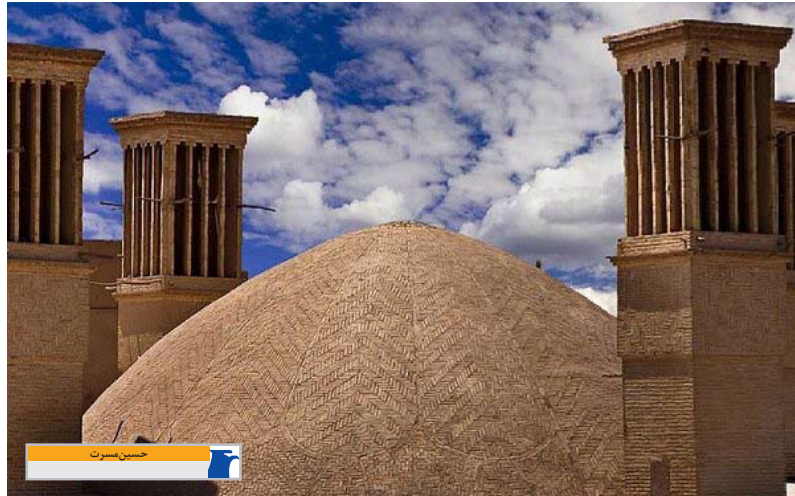
گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News



آب انبارها و کارکردهای دیروز و امروز

دیار قنات، قنوت و قناعت شهره‌اند، سالیان گذشته برای فرار از گرمای کویر آب انبارهایی را در محلات برای دسترسی مردم ایجاد می‌کردند که هم از گرمای کویر به خنکای آن پناه ببرند و هم آب خنک آن، گوارا بخش وجودشان شود.

البته آب انبارها معماری‌های متعددی دارند، بعضی از آنها در دل مجموعه‌هایی مثل تکایا و مساجد قرار دارند که نمود بیرونی آنها بادگیرهایی است که برای جلوگیری از گندیده شدن آب تعبیه شده است.

بعضی آب انبارها نیز به صورت تک‌بنا در دل محلات قرار دارند که دارای بادگیرهای متعددی است که آب را نیز خنک نگه می‌دارد و در شهر یزد تا آب انبار هفت بادگیری نیز وجود دارد که بادگیرها روی سقف گنبدی آن قرار دارند و راهنمای مردم برای رسیدن به آب انبار نیز بوده‌اند. برای دیدن کارایی آب انبارها می‌توان سری به آب انبار تکیه امیرچقماق زد که برشی در داخل مخزن آن ایجاد شده تا بازدیدکنندگان با نحوه کار آب انبار آشنا شوند. در دو طرف مخزن راه‌های باریکی برای ورود و خروج آب قرار گرفته است که آب را از مسیر قنات و چشمه‌ها به طرف مخزن هدایت می‌کند و توسط این آب

آب انبارها در روزگار امروز با توجه به خشکسالی‌های پیاپی، کاهش بارندگی و در پی آن خشک شدن قنات‌ها، ارزش خود را از دست داده‌اند و گاهی تغییر کاربری داده و نوازشگر چشمان گردشگرانی شده‌اند که به شهر تاریخی یزد می‌آیند و یا بعضی از آنها به مامنی برای جمع شدن زباله تبدیل شده‌اند.

جای تأسف دارد که این بناهای عظیم و مهم که روزی با قرار گرفتن در دل محلات شهر، با طی شدن شاید تا ۵۰ پله به سمت پایین، آب محله‌ای را تأمین می‌کردند، امروز زباله‌دانی شده‌اند.

آب انبارها دارای مخزنی مکعب، مکعب مستطیل و یا گاه استوانه‌ای شکل، سرپوشیده با دیوارهای قطور و بدنه داخل با ساروج اندود و معمولاً پایین‌تر از سطح زمین برای ذخیره کردن آب ساخته می‌شدند که اغلب در دل محلات و یا در مسیر کاروان‌ها قرار داشتند تا عموم مردم به آنها دسترسی داشته باشند.

هر آب انبار معمولاً در کنار یکی از دیواره‌ها راه پله مسقفی تا برابر کف زمین دارد و لوله منتهی به شیرری در ارتفاع یک متری از کف پله تعبیه شده که آب را از درون مخزن به بیرون می‌رساند.

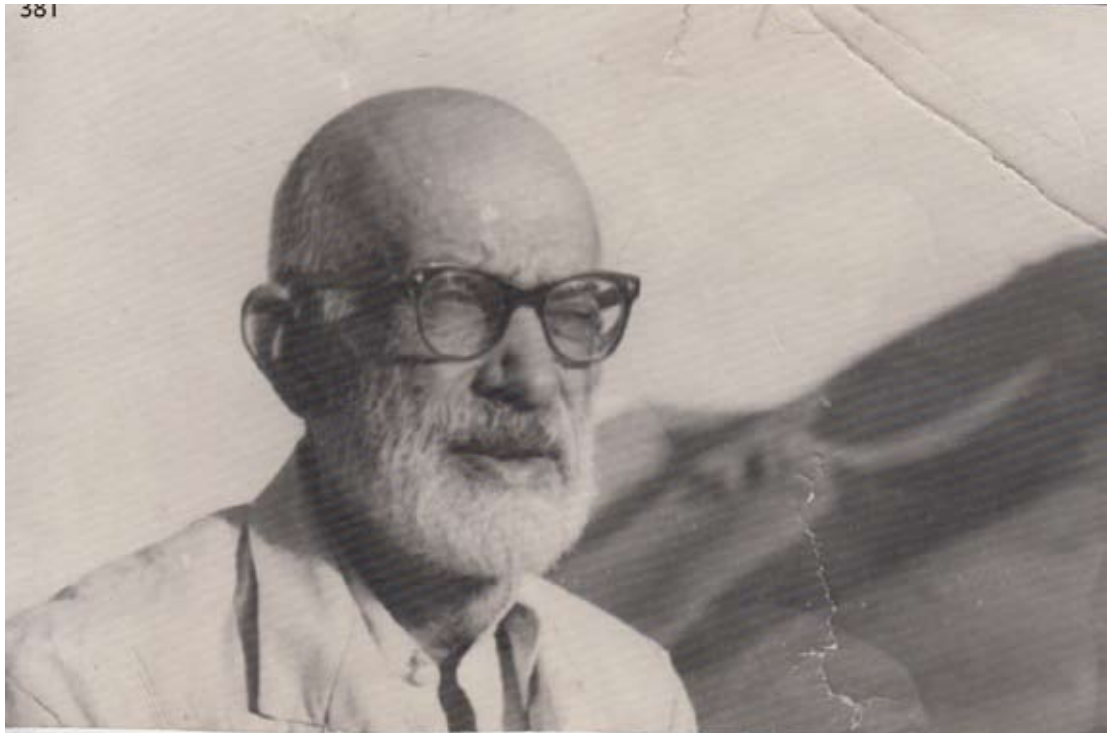
مردم سختکوش کویر یزد که به مردمان

راه‌ها وارد مخزن می‌شود و زمانی که مخزن پر شد از آب راه دیگر خارج می‌شود تا آب انبار دیگری را سیراب کند.

ملاتی که برای ساخت آب انبارها مورد استفاده قرار می‌گرفته ساروج است که از آهک و سفیده تخم مرغ تهیه می‌شده است.

تعداد آب انبارهای یزد تا ۷۰ آب انبار عنوان شده است اما در حال حاضر مهمترین آب انبارهای یزد، آب انبارهای سستی فاطمه، تکیه امیرچقماق، بادگیری، باغ دولت آباد، رستم گیو، گلشن و فهادان هستند البته باید تاکید داشت که تمامی محلات قدیمی یزد که همگی در بافت تاریخی یزد جای گرفته‌اند آب انباری برای تأمین آب خود داشته‌اند که معمولاً به نام محلات شهره بوده‌اند.

آب انبار سستی فاطمه همسر امیرچقماق دارای پنج بادگیر است که در سمت راست مجموعه امیرچقماق واقع شده که در دوره تیموریان ساخته شده و در حال حاضر به زورخانه تغییر کاربری داده است. آب انبار تکیه نیز در حال حاضر محل استقرار بخشی از موزه آب است که با توجه به برش ایجاد شده در مخزن آن، محل مناسبی برای آشنایی با کارکرد آب انبارها برای مشتاقان است که در صفا دوم تکیه قرار گرفته و ۵۲ پله دارد. آب‌گیری آب انبارها معمولاً در ماه‌های سرد سال صورت می‌گرفت این کار از نزدیک صبح آغاز می‌شد و پس از آبیگری دو یا سه روز بعد از نشست املاح آب، بسته به گنجایش مخزن، سنگ نمک را به صورت آب کرده یا نیمه کوب یا سنگ از طریق درچه بادگیر یا درچه‌های گنبد به داخل مخزن می‌انداختند تا از گندیدن آب جلوگیری کنند.



«ایران» از کی «ایران» نامیده شد؟

معظمی که در ادوار مختلفه تاریخ در تصرف سلاطین ایران بوده ولی چون در موقعی که یونانی‌ها با ایران ارتباط پیدا کردند مقرر پادشاهان ایران در پارس بود یونانی‌ها ایران را پارس نامیدند و سایر دول اروپا نیز اقتباساً از آنها و با تحریفات مختصری همان اسم را روی ما گذاردند.»

در بخش دیگری از بخشنامه و درباره علت انتخاب نام «ایران» آمده است: «از نقطه نظر نژادی نیز چون مولد و منشأ نژاد آریین در ایران بوده طبیعی است که خود ما نباید از این اسم بی بهره بمانیم؛ خاصه که امروزه در پاره‌ای از ممالک معظم دنیا سروصداهایی در اطراف نژاد آریین بلند شده که حاکی از عظمت نژاد و تمدن قدیم ایران است و پاره‌ای از ملل فخر می‌کنند که از نژاد آریایی هستند.» این بود شمه‌ای از دانش، درایت، ذکاوت و نکته‌سنجی نفیسی و نفیسی‌ها که روزگاری در ایران پرچم خردورزی و فرهنگ‌مداری را برافراشتند. یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد.»

ترک کنند و مملکت ما را همچنان که ما خود همواره نامیده‌ایم ایران و منسوب آن را ایرانی بنامند. شکر خدای را که این اقدام مهم در این دوران فرخنده به عمل آمد و این دیاری که نخستین وطن نژاد آریا بوده است به همان نام تاریخی و باستانی خود خوانده شود.»

در همین باره، سندی از بخشنامه وزیر امور خارجه در سایت مرکز اسناد و کتابخانه ملی وجود دارد که دیدنی است. سندی به امضای سید باقرخان مهدب‌الدوله یا باقر کاظمی، وزیر امور خارجه وقت، که دلایل انتخاب نام ایران و برتری آن بر نام‌های قبلی را برمی‌شمرد. البته باید دانست که این دلایل، همگی مواردی است که در حلقه روشنفکرانی همچون سیدحسن تقی‌زاده، سعید نفیسی و محمدعلی فروغی مطرح و به کاظمی اعلام شد. به عنوان نمونه یکی از دلایلی که در این نامه برای نادرست خواندن نامگذاری «پرس» ذکر شده، چنین است: «پارس اطلاع می‌شد به قسمتی از مملکت

شاید کمتر کسی بداند در دی ماه ۱۳۱۳ به پیشنهاد سعید نفیسی بود که نام کهن و باستانی ایران، به عنوان نام رسمی این فلات برگزیده شد و تا آن زمان کشورهای خارجی، ایران را «پرشیا» و «پرس» می‌خواندند.

«خرداد ماه اهل پژوهش را یاد سعید نفیسی، پژوهشگر، نویسنده، مترجم و تاریخ‌نگار ایرانی می‌اندازد. نفیسی از جمله شخصیت‌های مهم فرهنگی تاریخ یکصدسال اخیر ایران است که ابعاد زیادی از کارنامه او تاکنون ناگفته مانده است. از جمله اینکه شاید کمتر کسی بداند در دی ماه ۱۳۱۳ به پیشنهاد او بود که نام کهن و باستانی ایران، به عنوان نام رسمی این فلات برگزیده شد و تا آن زمان کشورهای خارجی، ایران را «پرشیا» و «پرس» می‌خواندند.

نفیسی در آن ایام در یادداشتی با تیتراژ «از این پس همه باید کشور ما را به نام ایران بشناسند» در روزنامه اطلاعات نوشت: «حق همین بود که ما از تمام دول اروپا خواستار شویم که این اصطلاح غلط را

گوبکلی تپه قدیمی ترین پرستشگاه جهان با قدمتی ۱۱ هزار ساله



در عصر حاضر صنعت گردشگری از نظر درآمد هم‌پایه و حتی بالاتر از صنایع مهمی نظیر نفت و گاز قرار دارد. همچنین قدرت این صنعت برای افزایش تبادل فرهنگی و آشنایی با فرهنگ و اقوام قابل توجه است. رشد و پیشرفت گردشگری باعث شکوفایی اقتصادی هر کشور می‌شود و بدهی است با فعال شدن این صنعت بازار تمام دست‌اندرکاران این صنعت که معرف فرهنگ اقوام و کشور خود هستند، رونق خواهد داشت.

بناها تنها به وسیله ابزارآلات امروزی امکان پذیر بوده است. این معبد در بالاترین نقطه یک رشته کوه در ۱۵ کیلومتری شهر «شانلی اورفا» در کشور ترکیه در نزدیکی مرز سوریه واقع شده است. طبق بررسی‌های باستان‌شناسان جهان گوبکلی تپه احتمالاً مکانی برای پرستش خداوند بوده و اولین جرقه‌ها برای پیدایش انسان‌های متمدن در آن دیده شده است. منطقه‌ای که گوبکلی تپه در آن قرار دارد پُر از تپه‌های کم‌ارتفاع با قلعه‌هایی پهن و تا حدی

کشور ترکیه ترکیبی از فرهنگ‌های مختلف بوده و در گذشته به عنوان بخشی از امپراطوری رم شناخته می‌شد. این کشور امروز به واسطه دارا بودن بناهای باستانی زیبا به یک مقصد گردشگری فرهنگی بزرگ تبدیل شده است. یکی از مناطق جذاب ترکیه «بنای گوبکلی تپه» نام دارد که به گفته محققان و باستان‌شناسان این بنا قدیمی‌ترین پرستشگاه جهان است و حدوداً قدمتی ۱۱ هزار ساله دارد. در این منطقه معابدی را می‌توان دید که ساخت آن‌ها به زمان نوسنگی باز می‌گردد و جالب اینجاست که ساخت این



این یعنی گوبکلی تپه قبل از ساخت اهرام مصر یا ستون‌های استون‌هنج در زمان بین‌النهرین و اولین عصر یخبندان بنا شده است. ستون‌ها یکی از جذاب‌ترین بخش‌های گوبکلی تپه است. هر ستون ارتفاعی حدود ۶ متر داشته و وزن آن بالغ بر ۱۰ تن است. سنگ‌های عظیم به کار رفته در گوبکلی تپه وزنی بین ۱۰ الی ۵۰ تن دارد.

تاکنون باستان‌شناسان و زمین‌شناسان حداقل ۲۰۰ ستون عظیم که تقریباً در ۲۰ مسیر دایره‌ای متمرکز شده را کشف و بررسی کرده‌اند. راز مدفون شدن یکباره این معبد در زیر خاک هنوز کشف و فاش نشده است. معبد گوبکلی تپه حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد به دلایل نامعلومی به مدت ۵۰۰ سال مدفون شد و متروک ماند. البته پس از آن مجدداً مورد استفاده قرار گرفت و یک بار دیگر ترمیم و بازسازی شد.

صندوق میراث جهانی امیدوار است در سال‌های آینده مسیر کاوش و تحقیق بیشتر به این مکان ادامه داشته باشد تا شاید آثار شگفت‌انگیز بیشتری در این منطقه کشف شود.

دیگری بازسازی شده‌اند و اخیراً نیز کشاورزان بخش‌هایی از برخی ستون‌های خاص را مرتب و برخی را تکه‌تکه کرده‌اند.

کلاوس اشمیت، باستان‌شناس که زمانی طولانی را صرف مطالعه این معبد کرده، معتقد است گوبکلی تپه به عنوان مکانی برای زیارت انسان‌ها با فاصله زیاد از شهرهای مسکونی بنا شده است. اشمیت همچنین گفته که گوبکلی تپه ممکن است مکانی برای فرقه مرده‌پرست بوده و حیوانات حک شده در ستون‌های عظیم آن به منظور محافظت از مردگان آنجا طراحی شده باشند.

در سال ۲۰۱۷ با کشف مجموعه‌ای در این مکان فرضیه اشمیت تقویت شد اما با این حال باستان‌شناسان هنوز هیچ نوع مقبره‌ای در این محل پیدا نکرده و نتوانسته‌اند این فرضیه را به اثبات برسانند.

احتمالاً گوبکلی تپه در زمان اولین عصر یخبندان بنا شده است

این معبد شامل مجموعه‌ای از قدیمی‌ترین سنگ‌ها بوده که ۱۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح توسط شکارچیان ساخته شده است.

مسطح است. تپه‌ای که این سایت باستانی روی آن قرار گرفته ارتفاعی کمتر به نسبت باقی تپه‌ها دارد و به این دلیل به گوبکلی تپه در ترکیه شهرت پیدا کرده که در زیر خاک‌های آن یکی از با ارزش‌ترین سایت‌های باستانی و تاریخی جهان قرار گرفته است. بنایی عبادی با طراحی‌های فوق‌العاده که به زمان‌های بسیار دور باز می‌گردد.

افسانه‌ها و شایعات اسرارآمیز بسیار زیادی حول گوبکلی تپه، قدیمی‌ترین نیایشگاه جهان، وجود دارد؛ برای مثال برخی از دانشمندان که در کاوش این محوطه حضور نداشته‌اند، حدس می‌زنند گوبکلی تپه رصدخانه است اما تیم کاوشگر گوبکلی تپه هرگونه ارتباط این محوطه با آسمان شب را تا حد زیادی رد کرده است.

به گفته محققان این محوطه باستانی به طرز چشمگیری دست‌نخورده است و بخش‌های زیادی از آن سالم مانده اما در گذر زمان بر اثر نیروهای مختلف تغییراتی در آن به وجود آمده است. طی تحقیقات انجام شده برخی از ستون‌های سنگی بنا برداشته و در جای



نکته‌هایی مفید برای عکاسی در سفر



بانک حرفه‌ای
کارشناسان ارشد تا تیرات محیطی

هر مقصد سفری، نگاه، فرهنگ، تاریخ، مردم، احساسات، مناظر و داستان‌های خاص خود را دارد. یادگیری نحوه گرفتن این سوژه‌ها از طریق عکس‌ها به انتقال روحیه یک مکان به دیگران کمک می‌کند و به آن‌ها نگاهی اجملی می‌دهد که جسارت در آنجا چگونه است.

۱. زود بیدار شوید، تا دیر وقت بیرون بمانید:

پرنده سحرخیز گرم‌های بهتری را می‌گیرد. (ضرب‌المثل نروژی) مطمئنم این جمله را شنیده‌اید. خوب، برای عکاسی در سفر نیز بسیار صادق است. نور مهمترین عنصر برای عکاسی عالی است و نور ملایم، گرم و صبحگاهی تصاویر شگفت‌انگیزی ایجاد می‌کند.

۲. پیش از سفر مکان‌یابی تحقیق در مورد عکس‌های سفر مکان‌ها را قبل از سفر خود جستجو کنید:

کتاب‌های راهنمای سفر در مورد مقصد خود را بخوانید. اینترنت را برای یافتن مقالات و پست‌های وبلاگ جستجو کنید تا به شما در ارائه ایده‌هایی برای عکس‌ها کمک کند. با دوستانی که آنجا بوده‌اند صحبت کنید. با سایر عکاسان تماس بگیرید. در مورد اینکه کدام تصاویر جوهره یک مکان را به تصویر می‌کشند، آگاه‌تر شوید. برخی از ابزارهای مورد علاقه من برای تحقیقات عکاسی در سفر اینستاگرام، پینترست و جستجوی تصویر گوگل هستند. من از آن‌ها برای یادگیری مکان‌های نمادین استفاده می‌کنم. قفسه‌های کارت پستال واقعی نیز ابزاری عالی برای کمک به ایجاد «فهرست عکس» هستند.

۳. از مردم محلی اجازه بگیرید:

عکاسی از مردم محلی در یک کشور خارجی برای بسیاری از عکاسان سخت است. اگر شما را درک نکنند چه؟ اگر بگویند نه چه؟ آیا آن‌ها دلخور خواهند شد؟ چند سال طول کشید تا عکس‌های پرتره مردم محلی را راحت بگیرم، و حتی الان هم هنوز کمی عصبی هستم. اما من آموختم که نکته کلیدی این است که ابتدا با مردم صحبت کنم. سلام برسان. جهت را بپرس. سوغاتی بخر چیزی از آن‌ها تعریف کنید. قبل از درخواست عکس، چند دقیقه صبر کنید. این روش بسیار کمتر تهاجمی است. همیشه برای نماهای نزدیک نیز اجازه بگیرید. ۱۵ دقیقه را صرف یادگیری نحوه گفتن «می‌توانم یک عکس بگیرم» یا «می‌توانم از شما پرتره بگیرم» را به زبان محلی قبل از رسیدن صرف کنید. مردم واقعاً از این تلاش قدردانی می‌کنند و این یک راه عالی برای پیدا کردن یک دوست جدید است. برخی افراد خواهند گفت نه. برخی از آن‌ها پول می‌خواهند (من گاهی اوقات پرداخت می‌کنم، اما این به شما بستگی دارد). این آخر دنیا نیست. از آن‌ها برای وقتشان تشکر کنید، لبخند بزنید و به سراغ شخص دیگری بروید و دوباره تلاش کنید. در واقع هر چه بیشتر رد شوید، راحت‌تر می‌توانید پیرسید!

من فکر می‌کنم افراد بیشتری باید از سه پایه‌های سبک وزن استفاده کنند. یک سه پایه به شما امکان می‌دهد موقعیت دوربین خود را تنظیم کرده و آن را در آنجا نگه دارید. با تعمیر دوربین، می‌توانید وقت خود را صرف تنظیم ترکیب‌بندی عالی کنید.

همچنین می‌توانید تنظیمات نوردهی، نقاط فوکوس را تنظیم کنید و واقعاً زمان خود را صرف توجه به تصویری که می‌خواهید بسازید بگذرانید. یا از تکنیک‌های پیشرفته مانند HDR، انباشته شدن فوکوس و پانوراما استفاده کنید. سه پایه‌ها به شما این امکان را می‌دهند که با سرعت شاتر بسیار کندتر (آبشارها، نور کم، ستاره‌ها و غیره) بدون نگرانی در مورد لرزش دوربین دستی عکس بگیرید. می‌توانید ISO خود را پایین نگه دارید (برای نویز کمتر حسگر) و از دیافراگم‌های کوچک‌تر استفاده کنید تا بیشتر تصویر در فوکوس باشد.

۷. آزمایش با ترکیب

تقریباً همیشه می‌توانید پس از مدتی آزمایش به ترکیب عکس بهتری برسید. مطمئناً، اولین عکس را در حالت ایستاده بگیرید. اما سپس سعی کنید با زاویه کم روی زمین دراز بکشید. شاید از چیزی نزدیک بالا بروید و از زاویه بالاتری عکس بگیرید.

در کنار زوایای مختلف، سعی کنید از فواصل مختلف نیز عکاسی کنید. با یک عکس عریض شروع کنید، سپس یک نسخه میان رده و در نهایت، از نزدیک و شخصی بگیرید. هرگز به اولین ایده خود برای یک تصویر راضی نباشید! سعی کنید عناصر پیش‌زمینه، میانی و پس‌زمینه قدرتمند را نیز وارد کنید. اگر موضوع شما یک رشته کوه است، یک گل، رودخانه، حیوان یا صخره جالب برای قرار دادن در پیش‌زمینه پیدا کنید. این به تصاویر احساس سه بعدی می‌دهد و به انتقال مقیاس کمک می‌کند و چشم بیننده را به بقیه عکس می‌کشاند. فشرده‌سازی کانونی یکی دیگر از تاکتیک‌های ترکیب‌بندی عالی در عکاسی سفر است.

ابتدایی‌ترین و کلاسیک‌ترین نکات عکاسی، درک قانون یک سوم به شما کمک می‌کند ترکیب‌بندی‌های متعادل‌تری ایجاد کنید. تصور کنید یک تصویر را به صورت افقی و عمودی به یک سوم تقسیم کنید، بنابراین به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود.

هدف این است که قسمت‌های مهم عکس را در آن بخش‌ها قرار دهید و به کادربندی کلی تصویر کمک کنید تا برای چشم خوشایند باشد. به عنوان مثال، قرار دادن یک شخص در امتداد خط شبکه سمت چپ به جای مستقیم در مرکز. یا افق خود را در یک سوم پایین نگه دارید، نه اینکه تصویر را به دو نیم کنید. به یاد داشته باشید که این افق را نیز مستقیم نگه دارید!

نوشتن با استفاده از قانون یک سوم به راحتی با روشن کردن ویژگی «شبکه» دوربین شما انجام می‌شود، که به طور خاص برای این منظور، قاعده شبکه یک سوم را مستقیماً روی صفحه LCD شما نمایش می‌دهد.

اکنون، قبل از نوشتن یک عکس سفر، باید از خود بپرسید: نکات کلیدی مورد توجه در این عکس چیست؟ کجا باید عمداً آن‌ها را روی شبکه قرار دهم؟ توجه به این جزئیات باعث بهبود ظاهر تصاویر شما می‌شود.

۶. یک سه پایه مسافرتی سبک وزن

بسته‌بندی کنید

۴. هرگز یادگیری را متوقف نکنید:

به دوره‌های آنلاین عکاسی بپیوندید در برخی از کلاس‌های آنلاین ثبت‌نام کنید. در کارگاه عکاسی مسافرتی سرمایه‌گذاری کنید. به طور منظم بیرون بروید و تمرین کنید. اینگونه بهتر می‌شوید، نه به این دلیل که جدیدترین تجهیزات را دارید یا از فیلترهای محبوب اینستاگرام استفاده می‌کنید. حتی اگر سال‌هاست که با عکاسی‌ام در آمد کسب کرده‌ام، همیشه چیز جدیدی برای یادگیری وجود دارد. من به طور مرتب در دوره‌های آنلاین و کتاب‌های مربوط به عکاسی سرمایه‌گذاری می‌کنم تا هنرم را بهبود بخشم.

فکر می‌کنید همه چیز را در مورد مناظر می‌دانید؟ سپس بیرون بروید و خودتان را با عکس گرفتن از پرتره‌های غریبه به چالش بکشید. ساقه حیوانات مانند یک شکارچی برای چشیدن سختی عکاسی حیات وحش است. تا دیروقت بیدار بمانید و با نوردهی طولانی کهکشان راه شیری آزمایش کنید.

وقتی برای یادگیری تکنیک‌ها و مهارت‌های جدید از سایر ژانرهای عکاسی وقت بگذارید، عکاس سفر ماهرتر و مدبرتری خواهید شد.

۵. قانون یک سوم در عکاسی

با قانون یک سوم آشنا شوید یکی از



مساجد ایران نمادی از فرهنگ و هنر



مهدی عباسی
عضو انجمن مفاخر معماری ایران

معماران و هنرمندان مسلمان در ساخت و طراحی مساجد نهایت ذوق و خلاقیت هنری خود را بی‌توجه به اجر مادی آن به کار می‌برند. معماری مساجد در ایران یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش باشکوه را به نمایش می‌گذارد که نماینده ذوق سرشار زیبایی‌شناسی است و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند داشته باشد.

معماران و هنرمندان مسلمان تاکنون نهایت ذوق و خلاقیت هنری خویش را بدون توجه به اجر و مزدی بذل کرده‌اند، به گونه‌ای که گاه حتی از نصب نام و نشان خود هم غافل شده‌اند.

در بنای بسیاری از مساجد در سرزمین‌های اسلامی هنرهای گونه‌گون در انبیا این خیزش سترگ به هم درآمیخته و معماری در این میان نقش توازن‌کننده‌ای ایفا کرده است. کاشی‌کاری، نقاشی، گچ‌بری، منبت‌کاری، خوشنویسی، خطاطی کتیبه‌ها، حتی صوت خوش و موسیقی دل‌انگیز در صدای مؤذن و قرائت کتاب خدا.

بی‌سابقه بوده است.

مسجد جامع اموی دمشق به‌عنوان مسجد و مرکز اسلامی که هم پارلمان بوده و هم محلی که به امور جاری مسلمانان می‌پرداخت، با هدف نشان دادن قدرت جامعه جوان مسلمانان، در محل پرستشگاه ژوپیتتر، خدای خدایان رومی که سابقاً به کلیسا مبدل شده بود، ساخته شد. مسجد ایرانی علاوه بر افزودن گنبد به فضای شبستان به کمک یک هندسه گام‌به‌گام و ایجاد ایوان که به شکوه و جلال آن می‌افزود، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که لطافت و ظرافت در آراستن و تزئین بدنه در داخل و خارج بنا، از آن جمله‌اند.

با این همه میراث متقدمان و تجربه به جای مانده از آنها توأم با تنوع و تجربه‌های سنتی در استفاده از فرم و فضا به‌ویژه در معماری مساجد، قرن‌هاست که به کمال رسیده و به بلوغ هنری و ماندگاری فنی دست یافته است.

تبلور این امر را می‌توان در بنای کوچک زیبا و ظریفی همچون مسجد «شیخ لطف‌الله» اصفهان که در اوج زیبایی، ادراک علمی و استادی مسلم است، به وضوح مشاهده کرد.

ویل دورانت مورخ مشهور و معاصر آمریکایی درباره این شاهکار بی‌مانند توصیف جالبی دارد. او در تاریخ تمدن خود و در آغاز عصر خرد می‌نویسد: بیش از همه داخل مسجد دارای

بدان گونه از بررسی یافته‌های باستان‌شناسی در نجد ایران حاصل آمده، پوشش گنبدی با قاعده مدور، نخستین‌بار به وسیله معماران هنرمند دوران مقدم ساسانی و در بنای کاخ‌های خسروان، همچون کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد و کاخ سروسستان به کار رفته که این وضع صرف‌نظر از پوشش فضاهای وسیع و رفیع، شکوفایی بیرونی و درونی این گونه بناها را فراهم می‌آورد که پیشتر با استفاده از قاب‌های مربع متحدالمرکز با چرخشی به مقدار نیم قائمه روی قاب زیرین و محاط در آن زیگوراتی را به وجود می‌آورد، ساخته می‌شد.

اکنون تبدیل آن به شکل مدور، در واقع تحولی در جهت دست‌یافتن به نرمش و ایستایی بهتر و تقسیم یکنواخت و متوازن‌تر نیروهای موجود در بنا بوده است.

به علاوه این تمديد خردمندانه، معمار را از لزوم بکارگیری احجام و عناصر ساختمانی حجیم و وزین که از پیش برای پوشش فضاهای اصلی و جنبی فراهم آورده بود، بی‌نیاز کرده و در عوض استفاده از آجر یا سنگ با ابعاد کوچک و قابل حمل را مقدور و کار ساختن و پرداختن را آسان می‌کرد. بناهای فاخر و نفیسی که از رهگذر این ابداع هوشمندانه حاصل می‌آمد، این بار مقدر بود تا در شکل‌دهی به بنای مساجد اسلامی و در خدمت به اهداف مقدس و جهان‌بینی نو کمر ببندد. ابتکار عملی که در خاستگاه اسلام به کلی

است، شکوه و جلال اصلی مسجد جمعه نایین در غنای گچبری‌های آن است. از دوره غزنویان و سامانیان که تقریباً مقارن با آل بویه بوده‌اند، در ایران مسجدهای بر جای مانده است. بنابراین به بررسی مساجد دوره سلجوقی می‌پردازیم.

دوره سلجوقیان و اهمیت سر در مساجد

ویژگی معماری این دوره را به اختصار می‌توان موقر، نیرومند و دارای ساختاری زیبا توصیف کرد. در این دوره با وجود فاصله زمانی نزدیک به چهار قرن با ایران باستان باز هم می‌توان طرح کلی چهارایوانی ساسانی را مشاهده کرد. طرح مساجد و مدارس این دوره اکثراً چهارایوانی با طاق‌نماهای دیواری است، ایجاد گنبدی‌های عظیم روی گوشواره در مساجد از دیگر ویژگی‌های مساجد این دوره است و در تمام اینه این دوره سردر اهمیت به‌سزایی دارد. بناها آجری و تزیینات آن شامل خطوط و نقوش هندی به صورت مهر در آجر، گچبری، کاشی ساده معرق و کتیبه‌هایی به خط کوفی و نسخ است. از جمله مساجد به جای مانده از این دوره می‌توان به مسجد جامع اردستان و مسجد جامع زواره اشاره کرد.

دوره ایلخانان و تاثیر مغول‌ها بر معماری

در این دوره انواع ساختمان‌ها، حالت سنتی و سبک سلجوقی خود را حفظ کرده، ولی مغولان برای نمایش قدرت خود به ساخت بناهای عظیم با گنبدی‌های بسیار بزرگ و برج‌های بلند روی آوردند و برای افزایش هیبت بنا، نماهای ساختمان را با قاب‌های باریک و بلند و هلال‌های نوک‌تیز آراستند. در این زمان استفاده از تزیینات آجر لعابدار و بدون لعاب، قطعات گچ و آجر در موزاییک، کاشی‌های آبی‌رنگ با نقش‌های زیبای گل و بوته، کتیبه‌های زیبای کوفی و نسخ با نوارهای تزیینی و نازک گچبری به صورت بندکشی رواج داشت. از بناهای مذهبی و مساجد این دوره می‌توان از مسجد جمعه ورامین نام برد.

و دیگر ستون‌های یکپارچه به کار نرفت. از ویژگی بسیار مهم مساجد در این دوره آن است که سقف مساجد کاملاً مسطح و مناره در خارج یا در جوار مسجد ساخته می‌شد و برای تزیین دیوارها از کتیبه‌هایی به خط کوفی بهره گرفته می‌شد. نمونه برج‌مانده از این دوره مسجد «تاری‌خانه» دامغان که در قرن دوم هجری ساخته شده و قدیمی‌ترین مسجد ایران است. جلوه این ساختمان باشکوه در سادگی و بی‌پیرایگی آن متجلی است. صحن این مسجد تقریباً مربع است که با ردیف طاق‌ها، سه دالان را در امتداد قبله ایجاد می‌کند. طاق‌های بیضی شکل این مسجد به وسیله دیوارهای آجری ضخیم استوانه‌ای برپا ایستاده است. مسجد «تاری‌خانه» بیانگر ترکیبی از تکنیک‌های اصیل ایرانی و نقشه عربی است. مناره موجود، مدور و در قرن پنجم هجری ساخته شده است، ولی بقایای یک مناره مربعی شکل که احتمالاً هنگام بنای کل مسجد ساخته شده، برجای مانده است.

دوره آل بویه یادآور سنت‌های قدیمی ایران در دوره ساسانی

ویژگی‌های معماری این دوره شبیه معماری ساسانی (پیش از اسلام) بوده و ابنیه مذهبی این دوره چهارایوانی، دارای ستون‌های عظیم و ایوان‌های بلند طاقدار است. تزیین اصلی بنا در این دوره گچبری است که دارای رنگ‌های متنوع بوده و طرح‌های آن، سنت‌های قدیمی ایران در دوره ساسانی را یادآوری می‌کند. از مساجد این دوره می‌توان به «مسجد جامع نایین» اشاره کرد. این مسجد که هنوز مورد استفاده است، قدیمی‌ترین مناره به یادگار مانده در ایران را داراست. نقشه آن نقشه یک مسجد ساده ستون‌دار است که از قدیم تاکنون دچار تغییرات زیادی شده است. مناره این بنا که در اصل بر بالای قاعده مربعی شکل قرار داشت با نمای مسجد هماهنگ بود اما چندی بعد با اضافاتی محصور شد. بدنه هشت ضلعی آن کاملاً بدون تزیین است و نشانه مرحله انتقالی از مناره‌های مربعی به مناره‌های مدور

زیبایی شگفت‌انگیزی است که شامل نقوش اسلیمی، اشکال هندسی و چنبره‌ای با طرح کامل و یک شکل است. در این جا هنر مجرد (آبستره) را می‌بینیم ولی با منطق و سبک و اهمیتی که هرج‌ومرج مبهوت‌کننده‌ای را به عقل عرضه نمی‌کند، بلکه نظم قابل فهم و آرامش فکری را می‌رساند.

پروفسور پوپ، ایران‌شناس و مستشرق معروف معاصر در کتاب خود «بررسی هنر ایران» می‌نویسد: «کوچکترین نقطه ضعفی در این بنا دیده نمی‌شود. اندازه‌ها بسیار مناسب‌اند، نقشه آن بسیار قوی و زیبا و به‌طور خلاصه توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش باشکوه که نماینده ذوق سرشار زیبایی‌شناسی است و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند داشته باشد.

مسجد و محراب اگرچه در آموزه‌های دینی دارای جایگاهی منحصر معنوی نبوده (به‌ویژه محراب که اسم مکان از ریشه حرب است) و بیشتر به‌عنوان پایگاهی برای پاسخگویی به غالب نیازهای مسلمانان برآمده بود، به اندک زمانی با روحی که از لطافت ایمان و جذب حضور در آمیخته بود به زیباترین بنای اسلامی بدل شد. به گونه‌ای که شکل و ساخت مساجد در کشورهای اسلامی زیربنای هنر و معماری اسلامی را تشکیل داد. معماری زیبا، با کاشی‌کاری‌های هوش ربا، کتیبه‌ها، گچبری‌ها، معرق‌ها و دیگر عناصر معماری در هم آمیخت و معماری اسلامی را پدید آورد که هم‌اکنون مایه فخر و مباهات ملل اسلامی و یکی از جاذبه‌های گردشگری این کشورهاست.

دوره عباسی و قدیمی‌ترین مسجد ایران

در اوایل این دوره مساجد با طرح صحن روبرو و ایوان‌های ستون‌دار ساخته می‌شدند که نمونه‌ای از معماری دوره اموی و به‌طور کل اعراب بوده است. در بناها بیشتر از خشت استفاده شده و ستون‌های یک پارچه بودند. رفته‌رفته تغییراتی اساسی در بنای ساختمان ایجاد و به جای خشت از آجر استفاده شد



«سلاطین گنج» چرا دستگیر نمی‌شوند؟

حفاظت میراث فرهنگی تشریح کرد
بیشتر از ناحیه بخش‌های دیگر است که
ظاهراً خلاء قانونی را بهانه کرده‌اند.

مهری در ادامه اظهاراتش گفت: به ما
گفته شده است بخش‌هایی از فضای
مجازی که این‌ها (جویندگان و مبلغان
گنج) تبلیغ می‌کنند، آزاد است و مسدود
نشده و سرورهای آن‌ها نیز خارجی است.
او در عین حال گفت که ما با سرورهای
داخلی جلسه گذاشته‌ایم و کوچکترین
بحث که درباره گنج‌یابی فلزیابی و یا
آموزش‌هایی که از کانال آن‌ها انجام
شود، بلافاصله برخورد می‌کنیم.

فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی
درباره این که چرا برخی از این مبلغان
گنج‌یابی با وجود تبلیغ در سایت‌هایی که
سرورهایشان در داخل است آزادانه فعالیت
می‌کنند و سایت‌های فروش فلزیاب و
گنج‌یابی‌هایشان هم بدون ممانعت در حال
فروش محصول هستند، این پاسخ را داد
که باید در حوزه فضای مجازی کار تبیین
شود، بیشتر کار شود و قوانین بازدارنده
تصویب شود که از همان مرحله اول و
شروع فعالیت و تبلیغ این افراد در فضای
مجازی با آن‌ها برخورد کنیم.

می‌شوند؟ چگونه است که وبسایت‌ها
و صفحه‌های متعدد آن در شبکه‌های
اجتماعی مسدود نمی‌شود و با وجود
آدرس‌های مشخص، از اردوکنشی‌ها و
دوره‌های آموزشی مجازی و حضوری‌شان
جلوگیری نمی‌شود؟

سردار حسن مهری - فرمانده
یگان حفاظت وزارت میراث فرهنگی،
گردشگری و صنایع دستی - که حالا
مدتی است دستورالعمل حق‌الکشف را
علاجی برای جلوگیری از فعالیت‌های
گنج‌یابی می‌داند و پیگیر به نتیجه
رسیدن آن است و امید دارد «با پرداخت
مشوق و حق کشف به یابندگان آثار
تاریخی علاوه بر جلوگیری از قاچاق آثار
تاریخی و باستانی، حفاظت از آثار ملی
افزایش یابد» در پاسخ به پرسش‌های
ایسنا درباره چگونگی فعالیت آزادانه
کاشفان غیرقانونی آثار تاریخی به ویژه در
فضای مجازی، گفت: ما با آن‌ها برخورد
می‌کنیم، اتفاقاً یکی از بخش‌هایی که روی
آن رصد و کنترل انجام می‌دهیم فضای
مجازی است. اما مشکل در برخورد با
مبلغان، جویندگان و حفاران غیرقانونی
آثار تاریخی، آن‌طور که فرمانده یگان

«نسخه گنج»، «طلسم»، «گنج‌یاب»،
«فلزیاب»، «اکسیر»، «کشف گوردخمه
و دفینه» و... تعداد افرادی که روزانه
با استفاده از این واژه‌های فریبنده
در شبکه‌های اجتماعی آزادانه تبلیغ
می‌کنند، قابل توجه است؛ قاچاقچیان
و جویندگان عتیقه که با آدرس‌های
اشتباهی وعده گنج می‌دهند و با
همراهی باستان‌شناسان و استادان قلابی
اردوکنشی می‌کنند و کاروان گنج‌یابی
راه می‌اندازند و ویدئوهای اکتشافات
طلایی‌شان را در فضای مجازی بارگذاری
می‌کنند، اما دریغ از یک برخورد جدی
و مستمر!

«سلاطین گنج‌یابی» بارها دستگیر
و خیلی زود آزاد شده‌اند و با قدرت
بیشتری به پیشه قبلی خود ادامه داده‌اند،
دنبال‌کنندگان آن‌ها در شبکه‌های
اجتماعی به چندصد هزار نفر می‌رسد و
ویدئوهای دفینه‌یابی‌هایشان بارها و بارها
دیده و دست به دست شده است. سوال
این است، چگونه این افراد در فضای
مجازی آزادانه فعالیت می‌کنند، دستگیر
نمی‌شوند و حتی زمانی هم که دستگیر
می‌شوند پس از مدت کوتاهی آزاد

فرهنگ و هنر

روایت رابطه ایرانیان با امام رضا(ع) / ۴۰

هیچ وقت برای پول کار نکردم / ۴۲

«حکم رشد» ترویج لات بازی نبود / ۴۴

یک عمر پاسپاتی خردمندانه از فرهنگ ایران / ۴۶

نگاهی به رفتار سیاسی در تاریخ جشنواره فیلم کن / ۴۸

نشانی غلط از صورت و شکل کمدی / ۵۰

کارگاه

[۳۹]

ماهنامه داخلی شرکت عقاب افشان

شماره ۸۷ - خرداد ماه ۱۴۰۱

اسکاتیا

علم و فناوری

گرایشگره

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

در گفت و گو با بهروز شعبی، کارگردان فیلم «بدون قرار قبلی» مطرح شد

روایت رابطه ایرانیان با امام رضا (ع)



سائز قنبری
خبرنگار

شعبی زمانی ریسک پذیری اش را با انتخاب رضا عطاران در نقش مردی که درگیر پرونده قتل ناخواسته شده در «دهلیز» به نمایش می‌گذارد و وقتی دیگر از فرهاد آبیسی و هومن برق نورد با انبوهی نقش کم‌دی می‌خواهد نقش روحانی را در درامی تلویزیونی «پرده نشین» ایفا کنند! گزینش‌هایی که منتج به نتایجی به یادماندنی هم شدند تا ثابت شود هر یک، استوار بر منطق و تفکر عمیق و دقیقی بوده اند.

شعبی این روزها فیلم «بدون قرار قبلی» را روی پرده دارد که مؤکداً خاطرنشان می‌سازد بخشی از پایه‌های اصلی آن و شکل‌گیری اش بر اساس رابطه ایرانیان و حس و حالی که با امام رضا (ع) و حرم مطهرشان دارند، در جغرافیای پر مهر مشهد شکل گرفته و اکرانش هم از مدت‌ها قبل و برای دهه کرامت برنامه ریزی شده. این فیلم را باید چند بار دید و حس خوبش را درک کرد.

شعبی از اهمیت اصالت و ریشه‌ها گفت و اینکه برگشتن به ریشه‌های مذهبی و ملی، می‌تواند خیلی از ما را از بن بست سرگشتگی‌ها و گذرگاه حیرانی‌ها نجات دهد.

درباره فیلم «بدون قرار قبلی» صحبت کنیم؛ جایی خواندم اکران این فیلم در مقطع زمان کنونی پادزهری است نسبت به همه‌هایی که امروز برخی آثار ساخته شده در خارج از مرزها نسبت به مقوله دین و معنویت دارند. چه شد که فیلم تان را در این زمان به اکران عمومی رساندید؟

در وهله اول اینکه من هیچکدام از فیلم‌هایی را که اخیراً در فستیوال کن پخش شده، ندیدم و نمی‌دانم مقوله دین و معنویت یا توهین به ساحت مقدس امام رضا (ع) چگونه و به چه شکل در آنها مطرح شده اما آنچه مسلم است این است که امام رضا (ع) برای ایرانیان صرفاً مقوله و مضمونی مذهبی نیست و تمام ادیانی که در کشور ما در کنار هم همزیستی دارند برای امام رضا (ع) و بارگاه شان حرمت و احترام ویژه‌ای قائل هستند. ما هم از روزی که تصمیم به ساخت فیلم «بدون قرار قبلی» گرفتیم و حتی زمان اکران جشنواره‌ای آن بارها متذکر شدیم که بخشی از پایه‌های اصلی فیلم بر اساس رابطه ایرانیان و حس و حالی که با امام رضا (ع) و حرم مطهرشان دارند، شکل گرفته. بنابراین «بدون قرار قبلی» در جواب و واکنش به اثر سینمایی دیگری ساخته نشده و اصولاً مقوله دین، مقوله‌ای نیست که خیلی سریع و با سفارش بتوان به نتیجه‌ای مطلوب رسید. چرا که قطعاً از منظر مؤلفان مختلف نگاه و پرداخت به معنویت و حس و حال آن متفاوت است و این حس و حال

شما از جمله فیلمسازانی هستید که با ادبیات ایرانی آشنایی دارید و در «بدون قرار قبلی» هم از اقتباس بی بهره نبودید؛ اگر موافق باشید بحث را از ضرورت و اهمیت اقتباس در سینمای ایران آغاز کنیم. موضوعی که به نظر می‌رسد سینمای ایران از آن مغفول مانده.

همواره تلاشم بر این بوده که بیش از آنچه تا امروز دیدید به مقوله اقتباس بپردازیم، اما مسئله اینجاست که باید خط مشترکی به نام درام، بین سینما و هر منبعی که از آن الهام و اقتباس می‌شود (داستان، شعر، ترانه، عکس، یک قطعه موسیقی و...) وجود داشته باشد. به بیان دیگر نه صرفاً داستان بلکه هر منبعی که بتوان آن دراماتیزه کرد و به درد تصویری شدن بخورد برای اقتباس مناسب است. امروزه بخشی از ادبیات ما از درام فاصله گرفته و به همین خاطر فضا برای تبدیل شدن به فیلم کمی سخت و ناممکن گردیده، اما در کارهای نویسندگانی مانند مصطفی مستور ضمن مواجهه با بهترین و کوتاهترین شکل داستان نویسی با ساده‌ترین کدها می‌توان به نقاط مشترکی بین سینما و ادبیات رسید. همین شکل و شمایلی که عرض کردم را می‌توان در آثار صادق هدایت هم یافت. هر کدام از داستان‌های کوتاه ایشان از جزئیات خوبی در درام داستان نویسی برخوردارند که قابلیت تبدیل به تصویر را می‌یابند.

مشهدی را به زیارت امام رضا (ع) می‌برند برای مخاطب جذاب است. به این خاطر که انگار مسعود کیمیایی این سکانس را با دلش و عشق گرفته. ما هم در «بدون قرار قبلی» پرداختن به تصاویر بیرونی از حرم امام رضا (ع) را تا همین حد کافی می‌دانستیم، اما در تمام فیلم شاهد تأثیر معنویت و بازگشت به اصالت بر شخصیت‌های داستان و تغییراتی که آرام آرام برایشان رخ می‌دهند، هستیم. بیان مفاهیم مذهبی و ملی تا همین اندازه و به همین شکل برای من به عنوان سازنده این اثر کفایت می‌کرد.

و البته نکته مثبت این رعایت اعتدال را می‌توان به وضوح در رفتار محترمانه‌ای دانست که نسبت به کودک مبتلا به اوتیسم و کلیت این بیماری داشتید. به شخصه هیچ جای فیلم احساس نکردم کودک و بیماری اش قرار است تبدیل به ابزاری شود برای برانگیختن احساسات مخاطب و گریه وزاری!

طرز نشان دادن کودک مبتلا به بیماری اوتیسم و رفتارهای او هم در تداوم صحبت‌هایی است که داشتم. ما به عنوان فیلمساز وقتی با یک مقوله و اختلال ناخواسته روبرو هستیم در جایگاه همراهی کننده و خانواده این عزیزان (در اینجا یاسمین) قرار می‌گیریم.

خودمان را انجام دهیم. پیش‌تر با مضامین سیاسی، اعتیاد، قصاص و... فیلم ساختم و در هیچکدام به دنبال این نبوده‌ام به عنوان سازنده اثر از آن بهره ببرم. چرا که می‌خواستم اگر فیلم شامل بهره‌ای می‌شود آن بهره به خود فیلم برسد، نه شخص یا اشخاص. یک بار از عباس کیارستمی می‌پرسند که؛ بهترین فیلمی که ساختی چیست؟ می‌گوید؛ «کلوزآپ یا نمای نزدیک»، می‌گویند؛ چرا؟ و ایشان جواب می‌دهد؛ چون من بین تماشاگر و فیلم نبودم و این صادقانه‌ترین روایت من بود. فکر می‌کنم حد اعلا‌ی درام و داستان‌پردازی هم همین است که فیلمساز هیچ جایی بین مخاطب و فیلمش قرار نگیرد و مخاطب با خود فیلم همراه شود. قاعدتاً در اینصورت فیلمساز هزینه‌های زیادی باید متحمل شود و یکی از این هزینه‌ها نکته‌ای است که شما می‌فرمایید. مخاطب دوست دارد داستان خودش را در تصویر ببیند. در دهه ۶۰ فیلم‌های زیادی مثل «گمشده»، «زمزمه» و... در مشهد تولید شدند که به اندازه به موضوع امام رضا(ع) پرداختند و سعی نمی‌کردند تصویری را بیش از آنچه اقتضای داستان بود، از حرم مطهر آن حضرت(ع) نشان دهد. بعد از گذشت سالها هنوز سکانس حرم از فیلم «قیصر» ساخته مسعود کیمیایی که ننه

و این پرداخت در طول زمان است که در اثری قوام می‌یابد و متعاقباً به دل مخاطب می‌نشیند. اکران فیلم مان هم از مدت‌ها قبل و برای دهه کرامت برنامه ریزی شده بود و چه فیلم بحث برانگیزی در کن نمایش داده می‌شد چه نمی‌شد، در نظر داشتیم که «بدون قرار قبلی» را همزمان با دهه کرامت و ولادت امام رضا(ع) اکران کنیم که خوشبختانه میسر شد.

آنچه از فیلم شما برمی‌آید این است که به درستی از رفتن به سمت هرگونه بزرگنمایی پرهیز کردید و به نوعی در دام بیان اغراق آمیز هیچکدام از مفاهیم تان نیفتادید. از عقاید عرفانی و مذهبی گرفته تا مواضع وطن پرستانه جانب اعتدال را رعایت کردید، اما این محافظه کاری هر چند که بستر مناسب برای جذب هر مخاطب با هر طرز فکری می‌شود، اما به همان اندازه از بار دراماتیک فیلم کم می‌کند و همانطور که می‌دانید درام لازمه کشش یک داستان است!

محافظه کاری نکردیم. اصلاً محافظه کاری برای ما معنایی نداشت. برای ما باور قلبی بود که اهمیت داشت. نمی‌خواستیم در دام بروز بیرونی بیافتیم. نمی‌خواستیم به عنوان کارگردان فیلم از پرداختن به موضوعی با مضمون و ارادت به امام رضا (ع) بهره برداری



هیچ وقت برای پول کار نکردم



فرزانه سیرعلی
خبرنگار

محمود بصیری، بازیگر که مدت‌هاست از تلویزیون دور شده، بیشتر ترجیح می‌دهد کارهایی انجام دهد که دل مردمش شاد شود. او نه در تلویزیون و نه در سینما بلکه از نزدیک دوستانانش را شاد می‌کند. گویا دیگر مقابل دوربین دیده‌شدن برایش اهمیت ندارد و همین که مردم هنوز او را در خیابان می‌بینند و به سمتش می‌آیند، برایش کافی است.

از او درباره پیشنهادهای جدیدش برای کار در تلویزیون و علت دوری‌اش از این رسانه می‌پرسیم که می‌گوید: درباره‌ی تلویزیون از من نپرسید، من تلویزیون را برای همیشه بوسیدم و گذاشتم کنار. اگر کار خوب هم پیشنهاد شود قبول نمی‌کنم؛ چراکه فکر می‌کنم تلویزیون دیگر به درد من نمی‌خورد. من دیگر تلویزیون بیا نیستم. خیلی‌ها برای پول به تلویزیون می‌روند اما من نه.

سال‌مندان رفتیم و خودم را سیاه کردم و با یک دایره زنگی برای سال‌مندان برنامه‌های شاد اجرا کردم آنقدر تأثیر داشتیم که پیرمرد ۸۰ ساله از جایش بلند شد و با من رقصید.

او ادامه داد: من اینگونه کارها را بیشتر می‌پسندم و لذت می‌برم. دلم می‌خواهد کاری کنم که مردم را خوشحال کنم نه اینکه دیده شوم و برای پول کار کنم. خداراشکر الان هم ۷۵ سالم است و سرحالم چون سالم زندگی می‌کنم و با دوچرخه همه جا می‌روم. اگر دوچرخه‌ام نباشد مریض می‌شوم. من در ایام کرونا در کلیپ کوتاهی بازی داشتیم که با این ویروس شوخی کردم و با سیاه‌بازی یاد زنده‌یاد سعدی افشار عزیز را زنده کردم. این کلیپ ۱۰ دقیقه‌ای شب عید اولین سال کرونا برای فضای مجازی تولید شد و خداراشکر خیلی هم استقبال شد حتی شنیدم که در شبکه‌های خارجی هم پخش کردند. من اصولاً این‌طور کارها را با ارزش‌تر می‌دانم تا اینکه بخواهم به خاطر پول خودم را خراب کنم و هرکاری را قبول کنم.

«آرایشگاه زیبا» با معرفت ساخته شد

وی سپس درباره‌ی سریال «آرایشگاه زیبا» که بازپخشش به تازگی از شبکه‌ی آی‌فیلم به پایان رسید، یادآور شد: بهترین خاطره‌ای که از «آرایشگاه زیبا» و همکاری با خانم مرضیه برومند

این بازیگر ۷۵ ساله که از صحبت‌هایش چنین برمی‌آید که از تلویزیون دلخور است، در گفت‌وگویی با ایسنا تأکید می‌کند که دلخوری وجود ندارد. او اظهار می‌کند: تنها چیزی که در زندگی برایم بی‌ارزش است پول است. من هیچ وقت برای پول گریه نکردم و کار نکردم، نگرانی و ناراحتی‌ام برای خودم نیست بلکه برای تلویزیون است که از شأن خودش درآمده است. من حتی نقش احمدی‌نژاد که سال‌ها پیش بابت ایفای آن پول خوبی هم به من می‌دادند، بازی نکردم.

به خانه سالمندان رفتم و خودم را سیاه کردم

محمود بصیری - بازیگر سریال‌هایی چون «هتل»، «آرایشگاه زیبا»، «هزارستان» و «بدون شرح» - درباره‌ی دلیل دوری‌اش از تلویزیون چنین توضیح داد: طی این مدت پیشنهادهای زیادی داشتیم، هم در شبکه نمایش خانگی و هم در سینما و تلویزیون اما قبول نکردم. برای فیلم «پیر پسر» که حامد بهداد و لیلا حاتمی در آن‌ها ایفای نقش داشتند هم دعوت شدم ولی وقتی نقشم را خواندم احساس کردم که تکراری است و قبول نکردم چون من کار تکراری دوست ندارم. تلویزیون هم تا زمانی که وضعیت روشن نشود دیگر اسمش را نمی‌آورم. هرکاری معرفت می‌خواهد، من عمری با علی حاتمی کار کردم و واقعاً لذت بردم. شب عید ۱۴۰۱ به خانه

به «جوکر» دعوت شدم اما نرفتم

وی همچنین اظهار کرد: در برنامه «خندوانه» و «چهل تیکه» حضور داشتم. برای برنامه «جوکر» هم دعوت شدم و جزو مهمان‌های سری اول بودم که باید در مقابل امین حیایی و یوسف صیادی حضور می‌داشتم اما قبول نکردم چون شخصاً اینگونه برنامه‌ها را نمی‌پسندم.

این برنامه از من دعوت کرد با هم صحبت کردیم و وقتی من قصه را پرسیدم گفتند باید دیگران را بخندانیم و خودت نخندی، هر کس خودش نخندد جایزه مال اوست که من همان‌جا گفتم ببخشید من از این کارها نه خوشم می‌آید و نه بلد هستم چون به نظرم حرکت جالبی نیست.

این بازیگر در پایان و در پاسخ به پرسشی درباره‌ی اظهارات رییس صداوسیما مبنی بر بازگشت چهره‌های قدیمی به تلویزیون، گفت: یک زمان قدیمی‌ها حق نداشتند به تلویزیون بروند اما الان رئیس جدید صداوسیما آمده و گفته قدیمی‌ها می‌توانند بیایند اما من می‌گویم وقتی کاری در تلویزیون نباشد، آن‌ها بیایند چه کار کنند؟! کار خوب و نظر خوب از آنها بخواهید که به تلویزیون بیایند. ما خیلی چهره‌هایی داریم که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم



را بازی می‌کردم اما این کار را نکردم. حتی خودش یک بار مرا دید و گفت چرا شما بازی نمی‌کنید؟ که من گفتم از من خواستند که کاپشن شما را بپوشم و بازی کنم که من از این کارها بلد نیستم. من دوست ندارم کسی را ناراحت و تمسخر کنم.



داشتم، این است که یکسری آدم‌ها در آن کار بودند که من به نوبه خود همیشه می‌گویم «آرایشگاه زیبا» آلبوم رفتگان بود. زنده‌یاد مرتضی احمدی، حمید مهرآرا، حسین کسببیان، حسین امیرفضلی و خیلی‌های دیگر. یادشان بخیر خدا رحمتشان کند. این کار آن زمان با ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان ساخته شد اما الان شما با این پول می‌بینید که جواب تلفن‌تان را هم نمی‌دهند. «آرایشگاه زیبا» سراسر معرفت بود. در پشت صحنه‌ی سریال، گروهی که کار می‌کردند به عنوان مثال یک روز یکی از اعضا می‌گفت با هزینه خودم امروز آبگوشت درست می‌کنم، آن زمان همدلی و صمیمیت در کارها بود اما متأسفانه الان اینطور نیست. معرفت بود که این کار را به «آرایشگاه زیبا» تبدیل کرد اگر معرفت نبود مثل خیلی کارهای الان تلویزیون ساخته می‌شد. آن زمان اصلاً پول برایمان مهم نبود بلکه مهم این بود که کار کنیم و فردا روزی شرمنده خودمان نشویم.

بصیری گفت: راستش من مدت‌هاست تلویزیون تماشا نمی‌کنم، چون معتقدم برنامه‌های ندارد که مرا پای خودش بنشانند؛ یک مثالی می‌زنم، فیلم «محمد رسول الله» را ببینید. من وقتی این فیلم را تماشا می‌کنم، فاتحه می‌خوانم برای آنتونی کوئین، مصطفی عقاد و دوبلورهایی که بودند و الان نیستند، همه را یاد می‌کنم، چون واقعا کار ماندگاری شد. در حال حاضر شما فیلم و سریال‌ها را ببینید، واقعا نمی‌شود در موردشان حرف زد. این بازیگر در ادامه صحبت‌هایش به سریال «هتل» مرضیه برومند اشاره کرد و یادآور شد: این سریال هم از جمله کارهایی بود که من واقعا دوستش داشتم و از حضور در آن لذت بردم. خیلی از دیالوگ‌های من در این سریال؛ کاملا بداهه بود و خانم برومند از بداهه‌گویی‌ام کیف می‌کرد. بصیری با تأکید بر اینکه از تلویزیون دلخور نیست، خاطر نشان کرد: تلویزیون دیگر به درد من نمی‌خورد. همان‌طور که می‌دانید من سال‌ها پیش به خاطر شباهت با آقای احمدی نژاد هشت سال ممنوع‌التصویر شدم و اتفاقاً پول خوبی به من می‌دادند اگر نقشش

حسن لفافیان:

«حکم‌رشد» ترویج لات‌بازی نبود



عطیه‌موندن

حسن لفافیان کارگردان سریال «حکم‌رشد» با اشاره به اینکه هیچ بزرگنمایی در نمایش معضلات حاشیه‌نشینی نداشته است بیان کرد که پلتفرم‌ها در این حوزه اتفاقاتی غیرواقعی را نمایش می‌دهند.

نشست سریال «حکم‌رشد» ۲۹ خرداد با حضور حسن لفافیان کارگردان، مهدی فرجی تهیه‌کننده و باقی عوامل این سریال در روابط عمومی صداوسیما برگزار شد.

فرجی در ابتدا درباره این سریال بیان کرد: مردم خیلی راحت‌تر با آثار خانوادگی ارتباط می‌گیرند و سریال‌های خانوادگی در حوزه‌های اجتماعی، پلیسی، درام و... مورد علاقه آن‌هاست.

اولین باری بود که برای نقشم از سمت مردم تهدید به قتل شدم
حمید ابراهیمی بازیگر سریال نیز در سخنانی عنوان کرد: من ۲۳ سریال برای تلویزیون بازی کردم و این اولین سریالی است که ترسیدم، چون چندین بار از سمت مردم تهدید به قتل شدم. مردم می‌گفتند ما تو را جایی پیدا می‌کنیم و می‌کشیم و تعجب کردم که مردم اینقدر قصه را باور کرده‌اند. خوشبختانه هم با آقای فرجی و هم لفافیان پیش از این هم کار کرده بودم. خوشحالم که توانستم بخش کوچکی از سریال بودم.
آزیتا ترکشوند نیز در سخنانی کوتاه بیان کرد: مردم می‌گفتند ما با تلویزیون آشتی کردیم و خیلی از فصل دوم آن می‌پرسیدند.
نیلوفر شهیدی دیگر بازیگر سریال نیز اظهار کرد: مردم واقعا با تلویزیون آشتی کردند. این سریال نشان داد اگر کار خوبی پخش شود مردم ما را حمایت می‌کنند.
پیام احمدی‌نیا بازیگر نقش غلام در سریال نیز عنوان کرد: نقش منفی‌ای که محبوب شود من خیلی کم در تلویزیون دیده بودم و خدا را شکر با کارگردانی و عوامل خوب این اتفاق اینجا افتاد.
علیرضا مهرازی نیز در ادامه گفت: گروهی ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفره حدود یک سال درگیر این سریال بودند و خدا را شکر خروجی خوبی از کار داشتیم. نقش سختی بود و هدایت‌های خوب باعث شد یاد بگیرم.

فراجا شهرک سینمایی برای کار پلیسی بسازد وی با اشاره به کمبود امکانات عنوان کرد: فراجا از ما حمایت کرد کمک کرد اما در حد بضاعت خودش بود. آنهایی که کارهای نمایشی را هدایت می‌کنند باید بدانند که امکانات موجود کشور کافی نیست. شهرک‌های سینمایی که وجود دارد یک صدم نیازهای نمایشی ما را پاسخ نمی‌دهد باید کار جدی کرد. خود فراجا باید شهرک سینمایی برای کارهای پلیسی بسازد.
این تهیه‌کننده اضافه کرد: وقتی در کوچه پس کوچه‌ها فیلمبرداری می‌کنیم گاهی جلوی راه مردم را می‌بندیم. ما شکل و شمایل عجیبی در برخی گریم‌ها داشتیم و خاطرهم هست در یکی از صحنه‌ها یکی از راننده‌ها که این گریم‌ها را دید فکر کرد واقعی است و دعوایی شده و ترسید.
فرجی در بخش دیگر یادآور شد: ۱۲۰ لوکیشن داشتیم که نزدیک ۲۲۰ روز فیلمبرداری کردیم و هر دو روز در یک لوکیشن بودیم. باید برای هر لوکیشن آماده‌سازی کرد و چید و این کار خیلی سخت و دشوار بود.
وی درباره بازخوردها نیز گفت: بازخوردها خیلی خوب بود من دو روز است درگیر تلفن‌هایی هستم که می‌گویند چرا غلام کشته شد دوباره پایان‌بندی اش را بسازید و خیلی‌ها هم می‌پرسند که فصل دوم آن ساخته می‌شود یا خیر.

برمی‌گردد که نهادهای مرتبط از رسانه ملی تا حوزه هنری، فراجا، سپاه و... باید فکری اساسی کنند تا بشود شهرکی ساخت. فرجی اضافه کرد: این شهرک ساخته شود قول می‌دهم برخی کشورهای منطقه هم می‌آیند تا سریال‌هایشان را اینجا بسازند و بازگشت سرمایه دارد اما همتی می‌خواهد که این شرایط فراهم شود.

در پلتفرم‌ها اتفاقاتی نمایش داده می‌شود که وجود خارجی ندارد

لفاقیان در ادامه در پاسخ به سوالی درباره بزرگ‌نمایی معضلات حاشیه نشین‌ها گفت: ما بزرگ‌نمایی نداشتیم خود من در پلتفرمی چیزهایی را می‌بینم که می‌گویم این وجود خارجی ندارد چون غیر رئال نمایش داده می‌شود. اما نباید فکر کنیم معضلات را نشان ندهیم و برخی نباید ببینند. اتفاقاً خانواده‌ها باید سریال‌ها را ببینند اما با همان نگاه خط قرمز. باید خانواده‌ها را آگاه کنیم که اگر این معضلات هست اما نگران نباشند چون در کنارش امنیت هم وجود دارد. پیام سریال این بود که غلام‌قصه ما از ۱۷ سالگی از خانواده‌اش بیرون آمد و این اتفاقات برایش رخ داد.

مجتبی فلاحی بازیگر نقش اصلی پلیس در سریال درباره حضورش در این نقش عنوان کرد: کل پروژه‌ها شده ۴۰ یا ۵۰ نفر که همیشه هستند و باید نوعی عدالت فرهنگی باشد نه برای من بلکه برای دیگرانی که استعداد دارند و پشت درهای سینما هستند. فرجی نیز در پاسخ به سوالی درباره ترویج خشونت تصریح کرد: من مطلقاً قبول ندارم که ترویج خشونت کردیم. شاید برخی چهره‌ها و بیان‌ها گاهی می‌توانست این تداعی را بیاورد اما این سریال پاک و پاکیزه پخش شد. یکی از انتقادات این بود که این سریال پلیسی است و درگیری و اکشن ندارد و این انتظار را داشتند که داشته باشند. این تهیه‌کننده در پایان تصریح کرد: این سریال اتفاقاً برخلاف این انتقاد که ترویج لات بازی بود ترویج خانواده و امنیت بود و اینکه مردم نیاز به امنیت دارند.

پلتفرم‌ها گفت: درصد ناچیزی از این مخاطب تلویزیون هم در پلتفرم‌ها وجود ندارد و برنامه و سریال خوب مخاطب خود را در تلویزیون دارد. با این حال امکانات ما کافی نیست. زمانی رسانه ملی برای سه شبکه سریال می‌ساخت ولی الان حجم تولیدات شبکه خانگی آنقدر زیاد شده است که به تلویزیون تنه می‌زند و به همین میزان امکانات افزایش پیدا نکرده است. ما که نمی‌توانیم هلی‌کوپتر و تانک بسازیم اینها امکانات سینمایی خودش را لازم دارد. گاهی به من می‌گویند چرا به سمت کارهایی با پروداکشن سخت می‌روم؟ سریال‌سازی با شرایطی که داریم خیلی دشوار است و چرا کار ساده‌آپارتمانی نمی‌سازم. بخشی به همین



مجتبی فلاحی بازیگر نقش پلیس این سریال هم عنوان کرد: تا جایی که می‌دانم این کاراکتر از یک شخصیت یعنی آقای بختکی وام گرفته شده است، من البته سعی کردم بیشتر به حرف کارگردان گوش کنم. خیلی باید تشکر کنم که نقش اول سریال را به کسی دادند که در تلویزیون نبوده است و مردم هم خدا را شکر راضی بودند. برخی به من می‌گفتند که سریال را نه از تلویزیون و مدیوم‌های دیگر بلکه از یوتیوب می‌دیدند و این جای تقدیر از عوامل دارد.

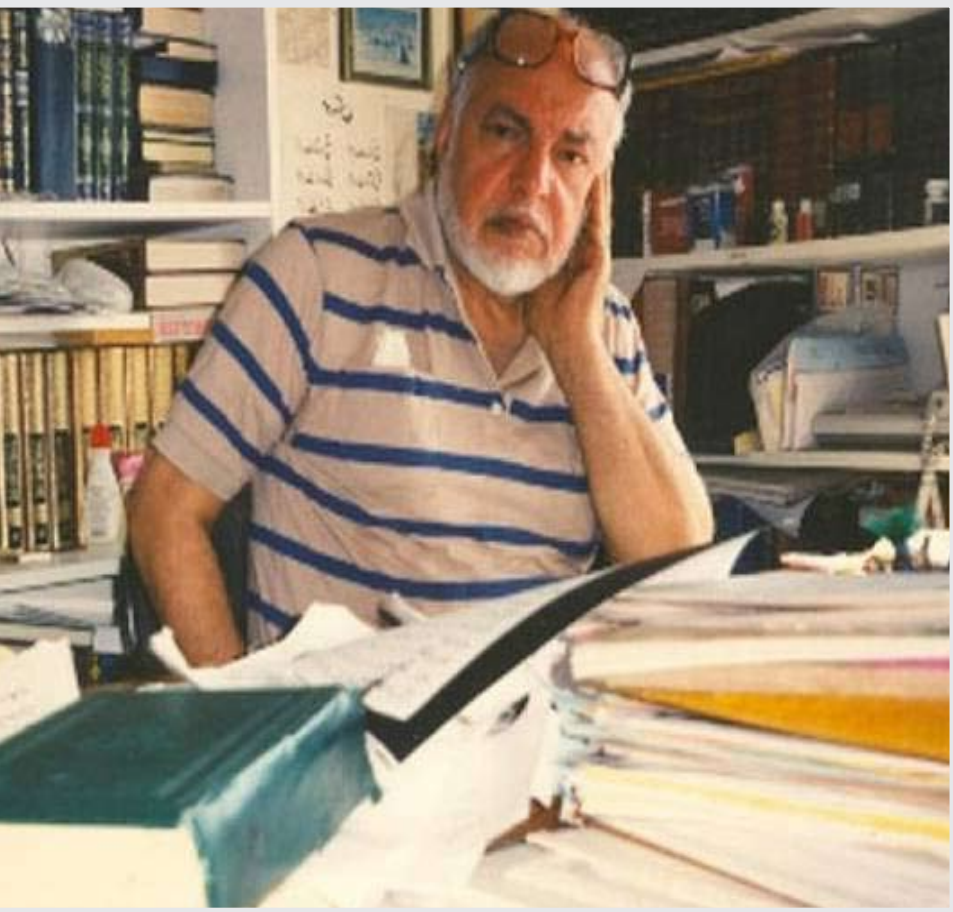
احمدی نیا در ادامه درباره حضورش در این سریال عنوان کرد: فکر می‌کنم یک ایران از مرگ غلام‌گریه کرد و فکر می‌کنم آن حس به آنها القا شده است.

مهدی فرجی در پاسخ به سوالی درباره کاهش مخاطبان تلویزیون بیان کرد: رئیس رسانه ملی پیش از این گفته است که مخاطب رسانه ملی کاهش یافته است. اما من نظرم این است که مردم برنامه و سریال خوب را می‌بینند. مردم قبلاً شبکه محور بودند اما امروزه برنامه محور هستند. امروز مخاطب «گاندو»، «زیرخاکی» و دیگر کارها، آنها را پیدا می‌کند.

درصد ناچیز مخاطب پلتفرم‌ها در مقایسه با مخاطب تلویزیون

وی با اشاره به مقایسه مخاطب تلویزیون و

یک عمر پاسبانی خردمندان از فرهنگ ایران



حسین ذوالفقاری
نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه

دعوی چه کنی داعیه داران
همه رفتند / شو بار سفر بند
که یاران همه رفتند / آن گرد
شتابنده که در دامن صحراست
/ گوید چه نشینی که سواران
همه رفتند (ملک الشعرا بهار)
همشهری فرهیخته و استاد
دانشمند و توانمند، استاد
دکتر احمد مهدوی دامغانی
(طاب ثراه) نیز در آدینه
۲۷ خرداد ۱۴۰۱ در سن ۹۵
سالگی رفت. خبری ناخوش
در پایان بهار؛ دفتر دانایی و
خردمندی و مهرورزی استادی
یگانه بسته شد.

گرفت. استاد در دانشگاه هاروارد امریکا به تدریس مشغول بود. از ادبیات عرب گرفته تا فلسفه و منطق و فقه و اصول تدریس می کرد و الحق تا امروز در چیرگی و تسلط بر رموز و فنون صرف و نحو و بلاغت ادبیات عرب در ایران کسی به گرد او نرسید. استاد بسیار خوش سخن بود و البته با ذهنی ورزیده و حاضر جواب. هیچ نکته ای را بدون استشهاده به شعر فارسی و عربی بیان نمی کرد. این چیرگی تنها منحصر به بیان شیرین و پرمغز و نغز ایشان نمی شد؛ بلکه مقالات پرمحتوا و عالمانه او گویای این است که قلمی استوار دارد. مقدمه های او بر کتاب های الوحشیات، دیوان خازن و اخبار النجویین البصریین سیرافی دامنه آشنایی و تسلط او را بر فنون ادب عرب نشان می دهد. صوابنامه تفسیر کشف الاسرار میبیدی و شرح ابیات عربی کلیله و دهها اثر دیگر وی حاکی

وقتی زندگی استاد را در ستون فرزاتگان کویر در سال های دور دهه ۷۰ می نوشتم و آن همه سجایا را در او می دیدم، آرزو می کردم روزی به دیدارشان نایل آیم. دیری نگذشت در سال ۲۰۱۲ هنگام شرکت در پنجمین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی در نیوجرسی امریکا در یک زمستان سرد، چشمانم به دیدار ایشان روشن شد و وجود گرمی گرفت. این همایش هر ساله به همت آن مرحوم و پروفیسور رضا برگزار می شد و از سراسر امریکای شمالی در آن شرکت می کردند. من نیز آن سال به اتفاق استاد دکتر علی اشرف صادقی از فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این همایش شرکت کرده و کارگاهی هم برای معلمان زبان فارسی برگزار کردم. این دعوت به مناسبت انتشار کتاب فارسی بیاموزیم (۱۱ جلد) و به سفارش پروفیسور رضا انجام

می کرد.

فرمودند که در ۱۳ شهریور ۱۳۰۵ در مشهد مقدس متولد شده و در ۵ سالگی به مکتب رفته و پس از طی دبستان و دبیرستان، در دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی به تحصیلات خود ادامه داده و لیسانس و فوق لیسانس و دکتری خود را در محضر استادان بزرگ در سال ۱۳۴۲ و زیر نظر استاد سیدمحمدتقی مدرس رضوی از دانشگاه تهران اخذ کرده است. استاد از شاگردان برجسته استاد بدیع الزمان فروزانفر به شمار می رود و خاطراتی هم از حاضر جوابی های وی گفت. استاد در کنار تحصیلات دانشگاهی، تحصیلات حوزوی آن هم در سطح عالی دارد. شمه ای از آن هم بیان کردند که ادبیات عرب را نزد ادیب محمدتقی نیشابوری و بدیع الزمان کردستانی فرا گرفته و اینکه استاد دیگر، پدر بزرگوارش بود. از استادان دیگرش در فقه و اصول و فلسفه هم می توان به آیات عظام میرزا مهدی اصفهانی، شیخ محمدرضا خدایی دامغانی، شیخ محمدرضا خانرودی ترابی، شیخ محمدعلی مدرس خیابانی تبریزی صاحب ریحانه الادب، شیخ محمدتقی آملی، شیخ محمد روحانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه اکبر داناسرشت اشاره کرد.

خوشبختانه در زمان حیات استاد چند یادنامه به افتخار ایشان ترتیب یافت؛ از جمله کتاب «دکتر احمد مهدوی دامغانی و میراث ادبی و فرهنگی» به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی (سال ۱۳۹۴) که در این کتاب به زندگی، تحصیلات، استادان، آثار، سبک و شیوه نگارش، ویژگی های اخلاقی و فهرست آثار دکتر احمد مهدوی دامغانی پرداخته شده است. جشن نامه استاد مهدوی دامغانی با نام «سایه سرو» به کوشش میثم کرمی در سال ۱۳۹۲ و در سال ۱۳۸۱، نیز کتاب «حاصل اوقات» به اهتمام دکتر سیدعلی محمد سجادی شامل مجموعه مقالات استاد منتشر شد.

خداوند این استاد عالی مقام را در اعلی علیین جای و درجات عالی دهد که هم افتخار دامغان بود و هم ایران و هم عالم تشیع.

از فضل و دقت نظر ممتاز وی است. استاد با تسلطی تحسین برانگیز به زبان عربی سخن می گفت. در یک هفته اقامت و همنشینی با استاد، از خرمن دانش بیکران او به مقدار وسیع و بضاعت خود خوشه ها چیدم.

یک شب در میهمانی ایرانیان که مصادف بود با تولد امام رضا (ع)، شوق بی اندازه و عواطف ایشان را به آن امام همام با چشمانم دیدم. وقتی نام آن امام آمد سیل اشک از چشمانش سرازیر شد و همان جا روضه ای خواند. من تاکنون کسی به اعتقاد قلبی و صفناپذیر به تشیع و ارادت ستودنی به اهل بیت (ع) برتر از استاد ندیدم و نشنیدم. تا واپسین لحظات زندگی سر سوزنی از دیانت و ارادتش به امامان کم نشد. باری در آن سفر شیبی ایشان را به اتفاق خود دعوت کرده و به یادگار، مصاحبه ای ترتیب دادم که در هفته نامه کویر همان سال منتشر شد. ذهن تیز و وقاد استاد چنان خاطرات را پیش چشم می آورد که گویی تازه اتفاق افتاده است. از دوران تحصیل و مراقبت های پدر فرزانه اش و نیز روزگار پرعسرت، نکته ها گفتند. افتخار خادمی بارگاه امام رضا (ع) و داشتن قبر، جایی در حرم مطهر آرزوی ایشان بود. امید که به تدبیر مسؤولان فرهنگی زمینه های این دو را فراهم کنند. در آن دیدار استاد در گفتارش مختصری از زندگی خود گفت که فرزند ارشد آیت الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی است.

خاندان استاد همگی از اهل علم و دیانت بودند. چه افتخاری بالاتر از اینکه وی فرزند آیت الله شیخ کاظم مهدوی دامغانی از علمای بزرگ روزگار خود در مشهد است. برادران وی نیز هریک از علما و مردم فاضل روزگارند. دختر استاد، دکتر فریده مهدوی دامغانی، مترجم نامدار هم افتخار فرهنگ ایرانی است. همسر استاد خانم دکتر تاجماه آصفی بود که دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران داشت و سالیان بسیاری در دانشگاه پنسیلوانیا ادبیات فارسی تدریس کرده بود. ایشان را انسانی فرزانه و مهربان یافتم که چون شمع گرد استاد می گشت و مراقبت



نگاهی به رفتار سیاسی در تاریخ جشنواره فیلم کن



می‌کرد ناگهان توفان سهمگینی در گرفت و تعدادی از زنان فعال در سینما پرده از اعمال غیراخلاقی او برداشتند.

یکی از نخستین کسانی که به این امر اعتراف کرد، داریو آرجنتو بود. بنابر گفته‌های این بازیگر ایتالیایی واینستین سال ۱۹۹۷ میلادی هنگام برگزاری جشنواره کن به او تعرض کرد. واینستین در این سال فیلم «او بسیار دوست‌داشتنی است» به کارگردانی نیک کاساویتس را به بخش رقابتی جشنواره آورده بود، که جایزه بهترین بازیگر مرد را برای شان‌پن به همراه داشت. سه سال پیش از آن یکی دیگر از فیلم‌های واینستین یعنی «داستان عامه‌پسند» به کارگردانی تارانتینو موفق به دریافت نخل طلای کن شده بود.

پس از آرجنتو، زنان دیگری نیز اعترافات مشابهی را مطرح کردند و مشخص شد جشنواره کن شکارگاه واینستین برای تعرض به زنان بوده است. واکنش مسؤولان کن به این اتفاق صدور بیانیه‌ای بود که اعمال واینستین را محکوم می‌کرد. با این اوصاف جای تعجبی ندارد که چرا امسال مدیران جشنواره کارگردانی را که در دادگاه کشور خود برای

گرامی داشته می‌شد و به قول معروف عوامل جشنواره زمین سواحل جنوبی فرانسه را برای او آب و جارو می‌کردند. او چه در زمانی که همراه با برادرش باب شرکت میراماکس را تأسیس کرد و چه بعدها که در قالب شرکت واینستین به تهیه‌کنندگی، توزیع و پخش فیلم می‌پرداخت، حضور فعالی در جشنواره کن داشت و آثار مورد حمایت او همیشه جایگاهی محکم در بخش‌های مختلف جشنواره داشتند.

نفوذ او بر کن به اندازه‌ای بود که سال ۲۰۱۴ فیلم «گریس موناکو» به کارگردانی «الیویه داهان» نتوانست بدون هیچ مشکلی (و با آن که اختلافاتی بر سر نوع تدوین آن وجود داشت) نمایش افتتاحیه این جشنواره را از آن خود کند.

البته یکی از دلایل اقبال جشنواره کن به فیلم مذکور، آن بود که علاوه بر شرکت واینستین، دو شرکت بزرگ و صاحب نفوذ فرانسوی یعنی کانال پلاس و گامونت نیز هم به عنوان تهیه‌کننده و هم توزیع‌کننده پشت آن قرار داشتند. اندکی پیش از پایان سال ۲۰۱۷ و در روزهایی که واینستین خود را برای حضور در جشنواره کن ۲۰۱۸ آماده

در سال‌های اخیر، میان نوجوان‌های در گوشه افراد نزدیک به جشنواره فیلم کن، هرازگاه سخن از رد و بدل شدن پاکت‌های کوچک و بزرگی به رنگ قهوه‌ای شنیده می‌شود. بسته‌های وسوسه‌کننده‌ای حاوی پول نقد که پیوندهای تازه‌ای به وجود می‌آورد و موجب تغییر برخی مناسبات رایج این رویداد سالانه می‌شود؛ یا آن که نام آثار حاضر در بخش‌های مختلف جشنواره را تغییر می‌دهد و موجب تعویض جایگاه آن‌ها در رده‌بندی نهایی می‌شود.

البته وجود این پاکت‌ها هیچ‌گاه اثبات نشده و در محافل رسمی هیچ سخنی از آن‌ها به میان نمی‌آید. با این حال هیچ بعید نیست تشریح رسوایی این پاکت‌های پول، روزی از بام کن بر زمین جشنواره سقوط کند. همان‌گونه که چندی پیش تشریح رسوایی اخلاقی «هاروی واینستین» با سر و صدای مهیبی فرو افتاد؛ تهیه‌کننده صاحب نفوذی که در زمینه توزیع و پخش فیلم‌های سینمایی رانت غیرقابل انکاری داشت و درهای جشنواره کن همواره روی او باز بود.

تا پیش از سال ۲۰۱۷ میلادی همواره مقدم هاروی واینستین در جشنواره فیلم کن

با فیلم ساخته شده داخل پاکت می‌کنند و برای جشنواره‌های خارجی می‌فرستند؛ با این توضیح که ما به عنوان هنرمندان نوگرا و مخالف‌خون در جامعه خود تنها و مطرود مانده‌ایم. پس بیایید با اهدای جوایز جذاب، خود ما را دریابید و مرهمی روی زخم‌هایمان بگذارید. آنچه در این مطلب و مطالب مرتبط پیشین شرح داده شد، مختصری از زیر و بم بازی شطرنج جشنواره فیلم کن است. حال ما باید یا پای خود را به طور کامل از این بازی آمیخته به سیاست و پول و زد و بند بیرون بکشیم یا بدون غر زدن و سر و صدا کردن، قواعد بازی را بپذیریم و به آن تن دهیم.

اسپیلبرگ مهربان!

اگرچه اکثر افرادی که به عضویت هیات داوران جشنواره فیلم کن درمی‌آیند، پیش از تصدی این مقام تا حدی مشهور و شناخته‌شده هستند، اما قرار گرفتن در این مقام برایشان اعتبار مضاعفی به همراه دارد و کارنامه هنری آن‌ها را غنی‌تر خواهد ساخت. از همین رو بسیاری از این افراد برای قرار گرفتن در بین اعضای هیات داوران جشنواره کن (به خصوص عهده‌دار شدن ریاست هیات داوران) به زد و بند با مدیران و تصمیم‌گیران اصلی جشنواره روی می‌آورند. مدیران کن نیز چندان نسبت به این موضوع بی‌تامل نیستند؛ چرا که حضور این افراد می‌تواند چشم‌های بیشتری را به سمت سواحل جنوبی فرانسه خیره کند. به عنوان مثال استیون اسپیلبرگ چند سال به معاشرت و تحکیم روابط خود با تیری فرمو، دبیر هنری جشنواره کن پرداخت تا عاقبت سال ۲۰۱۳ توانست ریاست هیات داوران را برعهده بگیرد. این موضوع توسط فرمو تأیید شده است. موضوع دیگری که او تأیید کرده آن است که اسپیلبرگ در سال بعد وساطت کرد فیلم تامی لی جونز یعنی «مرد خانه» در بخش رقابتی جشنواره شرکت کند. به گفته دبیر هنری جشنواره کن نه او و نه همکارانش فیلم وسترن مرد خانه را نپسندیده بودند، اما توصیه و نظر مثبت اسپیلبرگ موجب شد این فیلم وارد رقابت با سایر آثار برای کسب نخل طلا شود.

نیز گرفتن ژست قلابی مخالف (پوزبسیون) است؛ با این تصور که شاید بتوانند به این روش خود را مطرود از زادگاه جلوه دهند و با دیده‌شدن در بین مشاهیر، نام و نشانی برای خود دست‌وپا کنند. نمونه این بازی آشنا را بار دیگر در جشنواره کن امسال شاهد بودیم که توسط عوامل تولید فیلم «برادران لیلیا» اجرا شد. هر کدام از آن‌ها به شیوه متفاوتی در برابر دوربین‌ها به جست‌وخیز پرداختند تا به دروغ خود را مخالف با وضعیت جامعه‌ای که فیلم مذکور در آن تولید شده‌است، نشان دهند. کسی هم از آن‌ها نپرسید شما که ژست و ادعای مخالف دارید، دقیقاً با چه چیزی مخالفت می‌ورزید؟

کارگردانی که تمام فیلم‌های کارنامه‌اش به ارائه تصویری اغراق‌آمیز از سبک زندگی قشر فرودست جامعه اختصاص دارد و تمام این آثار نیز پس از اکران گسترده در سینماهای ایران، برایش سود مادی و معنوی به همراه داشته‌اند، دقیقاً به کدام بخش از وضع موجود اعتراض دارد؟ اگر وضع موجود از بین برود و تعداد افراد این قشر کمتر شود، چنین اشخاص به ظاهر معترضی با دست‌انگیز قرار دادن چه موضوع دیگری می‌توانند هر دو سال یک بار فیلم‌های پر آشک و آه‌سازند، راهی آن سوی آب‌ها شوند و با زدن نقاب جعلی مخالف، سری میان سرها در بیاورند؟ هر کسی با وضع موجود مخالف باشد، یقیناً آن‌ها نیستند.

کاسبان وضع موجود

متأسفانه هر بار پس از به‌صحنه رفتن چنین نمایش‌های تکراری و نخ‌نمایی در رویدادهای جهانی، عده‌ای در داخل کشور شروع به داد و فریادهای بی‌په‌په می‌کنند و بدون تلاش جدی و عملی برای رو کردن دست مخالفان قلابی و جلوگیری از ادامه این بازی دروغین، آب به آسیاب آن‌ها می‌ریزند. این سر و صداها نه تنها به زبان مخالفان ظاهری وضع موجود (کاسبان واقعی وضع موجود) تمام نمی‌شود که حتی به سود آنهاست. آن‌ها نه تنها فیلم‌های بعدی خود را هم با خیال راحت می‌سازند که این سر و صداها را به عنوان رزومه خود همراه

نقض حق کپی‌رایت و سرقت ادبی پرونده باز دارد، به عضویت هیات داوران خود برگزیدند. از دید آن‌ها تا زمان آرام بودن اوضاع، همه‌چیز قابل چشم‌پوشی است، اما هنگامی که توفان به پا شد، می‌توان تمام مسائل را با صدور بیانیه‌ای مختصر و محکوم کردن فرد خاطی به خاک سپرد و از قبول مسؤلیت فرار کرد.

شیوه توجه به کارگردانان در کن

برخی شرکت‌های فرانسوی توزیع و پخش فیلم اعتقاد دارند جشنواره کن محفلی از افراد خودی است که ورود به آن، کار ساده‌ای نیست. آن‌ها معتقدند شما به عنوان یک شرکت مستقل توزیع و پخش فیلم، اگر با کارگردان‌های عضو این محفل همکار باشید، می‌توانید هر سال در کن حضور یابید. در غیر این صورت باید بخت یارتان باشد تا بتوانید از دروازه‌های این جشنواره پر زرق و برق عبور کنید. هنوز کسی موفق به کشف معادله‌ای نشده که بتواند چگونگی اقبال مدیران جشنواره کن به کارگردانان سینما را تعریف کند.

با این حال برخی از اهالی سینما معتقدند کن معمولاً به کارگردانانی توجه نشان می‌دهد که در کشور خود مورد اقبال قرار نگرفته و به نوعی مطرود شده‌اند. به عنوان مثال کن لوچ که در جشنواره کن انواع و اقسام جوایز را برای فیلم‌های خود دریافت کرده و شاید بتوان او را پرافتخارترین کارگردان این جشنواره نامید، پیش از محبوب‌شدن در کن چندان در زادگاهش انگلستان مورد توجه قرار نداشت. همین ویژگی را می‌توان در کوئنتین تارانتینو به عنوان یک کارگردان تجربی که تا پیش از دریافت نخل طلای کن در آمریکا چندان به بازی گرفته نمی‌شد نیز سراغ گرفت.

مخالفان قلابی

به نظر می‌رسد بعضی از سینماگران ایرانی حداقل این بخش از بازی شطرنج کن را به خوبی فرا گرفته‌اند و سعی می‌کنند به هر شیوه ممکن خود را وارد آن کنند. ترفند نخ‌نمای بیشتر آنان برای شرکت در این بازی

نشانی غلط از صورت و شکل کمدی



بر آنکه این کنش به یک تنش اضطرابی در ذهن فرد نیز می‌انجامد؛ پس او تلاش می‌کند با هدف و الایش تنش اضطرابی ناشی از برون‌فکنی آن مسأله یا محتوای ذهنی از جهان ذهنی به جهان بیرونی، آن را به اشکال کمدی، ابراز غیرمستقیم، ابراز ایهام‌دار و در لفافه اما با بار خنده و شوخی، بیرونی کند و به اجرا بگذارد تا هم از سطح آن تنش اضطرابی خود با تمسک بر روشی جامعه‌پذیر بکاهد و هم با ابراز و برون‌فکنی آن محتوای ذهنی به دیگران و غیره در جهان بیرون که با او هم‌دغدغه هستند، منجر به در اصطلاح پالایش هیجانی-روانی برای آنها و کاستن از اضطراب آنها از قبل بروز یک دغدغه مشترک شود.

اینگونه است که جهان ذهن کمدین دغدغه‌مند و همدل با افراد دیگر، با جهان دغدغه‌مند سایرین به واسطه وجود یک درد مشترک پیوند برقرار می‌کند؛ از این رو و با این فرایند، کمدین به طور مثال از دردهای اجتماعی در قالب زبان، کلمات و واژگان یا موقعیت‌ها با یک شکل و قالب ظاهری لطیف و خنده‌آور و شوخ، یک حالت بیانی یا موقعیتی دلچسب فراهم می‌کند اما در باطن از تلخی آن دردها و مگوها دم می‌زند و با روشی غیرمستقیم و در لفافه در پوشش خنده، هجو، بذله، فکاهی، طنز و غیره، آن تلخی‌ها و دردهای اجتماع و جامعه را فریاد می‌زند.

بازمی‌گردد، زیرا در صورت رجوع مکرر مخاطب فراری از اضطراب‌ها و کنش‌های عصبی درونی به این خنده‌های صرف و بی‌هدف، او بعد از چندی متوجه خواهد شد پس از آن سرگرم‌سازی‌های مبتنی بر خنده صرف، اضطراب‌هایش هنوز باقی است، بنابراین این تجربه ناکام، مخاطب را به نوعی سرخوردگی و به تدریج به آموختگی در سرخوردگی دچار می‌کند، زیرا او با مواجه شدن با این شبه‌کمدی معطوف به خنده صرف، درمی‌یابد که این نیز التیامی بر فشارها و رنج‌های روحی و روانی او نبوده و اثر کاتارسیزیک به معنای نوعی از تخلیه هیجانی-روانی برای او به دنبال نداشته است، بنابراین مخاطب خود را با همان اضطراب و استرس که با آن دست به گریبان بوده، تنها می‌بیند.

لازم به بررسی است یکی از علل کارکردی کمدی اصولی و قاعده‌مند، تمرکز آن روی یک کارکرد روانشناختی در خنده است؛ از این قرار که از جمله یکی از خاستگاه‌ها و علل بروز یک موقعیت یا بیان مستعد کمیک، نیازمندی به برون‌فکنی یک فکر یا دغدغه یا مسأله از جهان درونی ذهنی فرد به جهان بیرونی آن است، زیرا کمدین تصور می‌کند در صورت ابراز مستقیم و بدون ارائه و پوشش محتوای (مستعد کمیک) درون ذهن خود به بیرون، آن محتوا و مفهوم ممکن است توسط جامعه بیرون، پس زده شود، افزون

مدتی است برنامه‌های طنز بسیاری در قسمت‌های متعدد و طولانی، میهمان مخاطبان در بستر فضای مجازی و شبکه نمایش خانگی شده‌اند. مثلاً جوکر تلاش می‌کند با رویه «خندانند» به شرط «تخنیدن» به‌زعم خود فضای شاد، مفرح و سرگرم‌کننده‌ای برای مخاطبش فراهم کند؛ اما وقتی با نگاهی جزئی‌تر به نقش کارکردی این برنامه مفرح در بستر مجازی دقت می‌شود، می‌توان گفت با وجود کارکرد ظاهری آن با عناوین خنده در لحظه و موقعیت، ولی در واقع از جنبه باطنی و مسأله اثرگذاری عمیق توسط نوعی از فرم، جوکر یک نشانی غلط از صورت و شکل کمدی به مخاطب القا می‌کند.

با اندکی تأمل و دقت در رویه و روندی که جوکر در بخش‌های مختلف خود نمایش می‌دهد، قافیه کمدی‌ورزی و کمدی‌نمایی در این برنامه در مقاطعی آنچنان به تنگ می‌آید که نمود آن به شکلی از لودگی و خنده بی‌هدف و قالبی که بارها دورتر از کمدی اصولی است بروز می‌کند، در حالی که کمدی اساساً با قاعده اصولی خود که در چهارچوب یک هدف مشخص ناخودآگاه اما با کنترل خودآگاه موقعیت به سوی مخاطب می‌رود، قابل درک است.

وقتی کمدی نتواند نقش کارکردی خود را به‌درستی ایفا کند و به لودگی متمایل باشد، تمرکز اصلی فقط به گرفتن خنده از مخاطب متمایل می‌یابد، آن هم برای مخاطبی که در فشارهای اضطرابی ناشی از رخدادهای اجتماعی و کژتابی‌های زندگی و پستی و بلندی‌های آن قرار دارد و به دنبال مسکنی است که موقتاً از زیر فشار اضطراب درونی و نشأت گرفته از استرس‌های بیرونی رها باشد، اما قالبی که جوکر بر آن اصرار و اهتمام می‌ورزد، معطوف بر یادزدودگی بسیار کوتاه‌مدت و موقت به وسیله خنده و شوخی بی‌هدف و سطحی به هر قیمت! است و بعد از بین رفتن اثر تسکین‌بخش موقتی آن، دوباره سیل همان اضطراب‌ها و استرس‌ها به سوی روح و روان مخاطب

سلامت

روش های آرام کردن ذهن و بدن در مواقع اضطراب / ۵۲
چرانی می توانیم تصمیم بگیریم؟ / ۵۴
تیغ جراحی زیبایی در کمین نوجوانان! / ۵۶
تند غذا نخورید! / ۵۸
پایان ماسک کرونایی کی از راه می رسد؟ / ۶۰
۷ روش سنتی برای رهایی از گرمادگی در فصول گرم / ۶۲

روش‌های آرام کردن ذهن و بدن در مواقع اضطراب



گاهی پیش می‌آید که افکار ناراحت‌کننده سراغ‌تان می‌آیند و بعد متوجه می‌شوید در حال سقوط به چاهی عمیق از ترس و وحشت‌اید. در این لحظات استرس‌زا ممکن است به این نتیجه برسید که نمی‌توانید از پس این احساسات عذاب‌آور برآیید اما اینطور نیست. با انجام دادن یکسری فعالیت‌های تسلی‌بخش می‌توانید خود و ذهن‌تان را آرام کنید.

بنا به گفته روانشناسان با انجام دادن کارها و فعالیت‌های «خودتسلی‌بخش» می‌توان:

ذهن و بدن را آرام کرد
 از اضطراب و نگرانی کاست
 افکار واضح و شفاف‌ی داشت
 الگوی خواب را اصلاح کرد.

بنابراین هر زمان که احساس اضطراب و آشفتگی ذهنی کردید، فعالیت‌های زیر را انجام دهید تا آرام شوید:

۱. تنفس عمیق

تنفس عمیق (شکمی) به ذهن و بدن‌تان اطمینان می‌دهد که در وضعیت امنی قرار دارد و خطری آن را تهدید نمی‌کند. بنا به گفته محققان با تنفس عمیق می‌توانید از اثرات منفی اضطراب، خشم، گیجی و افسردگی بکاهید و احساس آسودگی و آرامش کنید. برای تنفس عمیق و شکمی مراحل زیر را انجام دهید:

صاف بنشینید و بدن را در وضعیت راحت قرار دهید! شکم را مانند یک بادکنک در نظر گرفته و بسا عمل دم، آن را پر از هوا کنید. عمل دم را چهار تا پنج ثانیه طول دهید. سپس هوا را در فرآیند بازدم به آرامی از دهان‌تان خارج کنید. این کار را چند بار و تا زمانی که کمی آرام‌تر شدید انجام دهید.

۲. تنفس مربعی

تنفس مربعی نوعی تکنیک عالی برای آرامسازی بدن است. برای این تنفس مراحل زیر را انجام دهید: ابتدا با عمل دم که باید چهار ثانیه طول بکشد، ریه‌هایتان را مملو از هوا کنید. اکنون هوا را چهار ثانیه در سینه حبس کنید. سپس با عمل بازدم که این هم باید چهار ثانیه طول بکشد، هوا را از ریه‌هایتان خارج کنید. در مرحله آخر چهار ثانیه به ریه‌هایتان استراحت داده و بعد از آن عمل دم و بازدم را انجام دهید.

۳. تمرکز روی یک رنگ

هر زمان مضطرب شدید، به دنبال رنگ آبی یا هر رنگ دلخواه خود در اطراف‌تان باشید و روی آن متمرکز شوید و در همان حال به مدت هفت ثانیه آرام نفس بکشید. این کار باعث می‌شود حواس‌تان از موضوع مضطرب‌کننده به جای دیگر معطوف شود.

۴. درآغوش گرفتن خود

درآغوش گرفتن یا هر نوع تماس محبت‌آمیز موجب ترشح هورمون اکسی‌توسین در بدن می‌شود. این هورمون به شما احساس امنیت و آرامش می‌دهد. در واقع مغز نمی‌تواند بین آغوش دیگران و آغوش خودتان تفاوتی قائل شود و شروع به ترشح هورمون اکسی‌توسین می‌کند.

یک دست‌تان را روی قلب و دست دیگرتان را روی شکم‌تان بگذارید. توجه خود را به اطراف قلب‌تان متمرکز کنید.

هنگام عمل دم و بازدم، وقتی هوا را درون ریه‌ها کشیدید و خیلی آرام آن را بیرون فرستادید، ضربان قلب‌تان را حس کنید. این تنفس را آنقدر تکرار کنید تا ریتم طبیعی قلب‌تان را بازیابید. در این لحظه احساس خوبی خواهید داشت.

زمانی که این نوع تنفس را انجام می‌دهید، به خاطرات و لحظات خوب زندگی‌تان فکر کنید. سپس چند لحظه صبر کنید و تمام کارهای فوق را دوباره تکرار کنید. با این تکنیک می‌توانید خیلی زود به آرامش دست یابید.

۱۱. آمادگی قلبی

مسلمانان برای همه ما زمانی پیش می‌آید که بابت موضوعی مضطرب و نگران می‌شویم. بنابراین بهتر است از قبل برای این لحظات آمادگی داشته باشیم. مثلاً اتاق خواب‌تان را به گونه‌ای مرتب کنید که محلی برای آرامش‌تان باشد یا هر روز زمانی را به مدیتیشن یا ورزش‌های آرامش‌بخش اختصاص دهید تا هنگام مشکلات کمتر به اضطراب مبتلا شوید یا اگر استرس داشتید، بتوانید بهتر آن را کنترل کنید.

۹. تماشای گردباد خیالی

زمانی که در زندگی‌تان مشکلات طاقت‌فرسایی پیش می‌آید، ممکن است تصور کنید در مرکز گردبادی قرار گرفته‌اید که هر جا که می‌خواهد شما را با خود می‌برد و باعث می‌شود احساس درماندگی و ناتوانی کنید. به جای این تصور تلاش کنید دیدگاه خود را عوض کرده و گردبادی خیالی را تصور کنید که فقط کنارتان است و کاری به شما ندارد. با این روش از قدرت این گردباد می‌کاهید و احساس آرامش می‌کنید.

۱۰. داشتن تجربه‌های حسی

روانپزشکان معتقدند برای کاهش اضطراب و نگرانی می‌توانید خود را در نوعی تجربه حسی غوطه‌ور کنید. مثلاً با استفاده از هدفون به موسیقی مورد علاقه‌تان گوش دهید، از اسانس‌های خوشبو و رایحه‌درمانی استفاده کنید یا دست‌هایتان را درون یک ظرف آب سرد فرو برید. بدین ترتیب به سرعت احساس آرامش خواهید کرد.

۱۱. تمرین تنفس قلبی

بنا به گفته محققان، تنفس قلبی می‌تواند ذهن و بدنمان را در حالت آرامش قرار دهد. برای این کار مراحل زیر را انجام دهید:

۵. نقاشی با آبرنگ

هنر بهترین ابزاری است که اضطراب و تنش را از ذهن و بدن دور می‌کند. بنا بر نظر روانشناسان لمس کاغذ و استفاده از رنگ‌های مختلف آبرنگ بسیار آرامش‌بخش است.

۶. توجه به احساسات خود

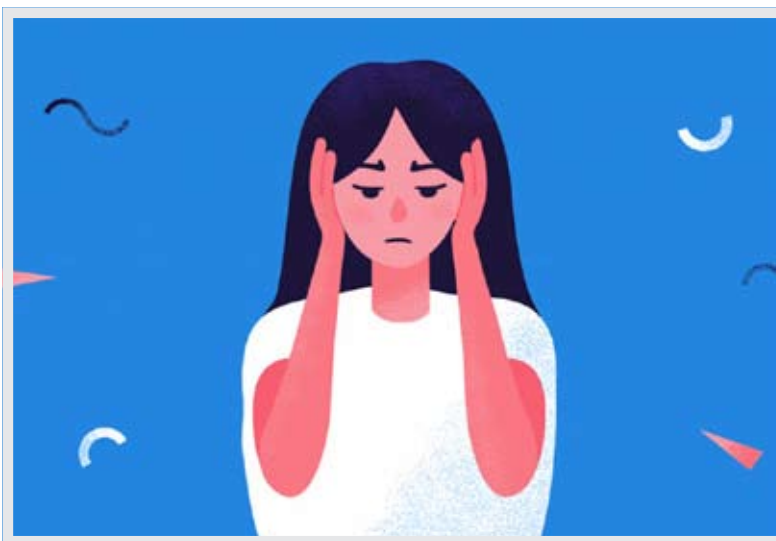
بیشتر مردم هر وقت احساس ناراحتی می‌کنند با خود می‌گویند: «من خیلی حساس هستم»، «باید اینطوری فکر کنم» یا «این موضوع آنقدر هم بد نیست که ناراحتم کرده». این نوع خودگویی‌ها بی‌اعتبار کردن احساسات واقعی‌تان است که شرایط را بدتر می‌کند. به جای این کار باید احساسات‌تان را با شفقت و دلسوزی تایید کنید. در واقع به گفتگوی درونی‌تان توجه کنید، دست‌تان را روی قلب‌تان گذاشته و با زبانی مهربان و ملایم به خود بگویید: «درست است، من الان ترسیده‌ام، اما باید بدانم که قرار نیست حتماً اتفاق‌هایی که من را می‌ترساند رخ دهند. مسلمانان در امان هستیم.» با این نوع اعتباربخشیدن به احساسات‌تان می‌توانید آرامش از دست‌رفته‌تان را بازیابید.

۷. حرکات یوگا

برخی از حرکات یوگا، دستگاه عصبی پاراسمپاتیک بدن را که مسئول احساس آرامش و استراحت بدن هستند فعال می‌کند. برای انجام‌دادن یکی از این حرکات، به‌سادگی روی زمین دراز بکشید و پاهایتان را به دیوار تکیه دهید. ۲۰ دقیقه به این حالت بمانید. اگر تکیه‌دادن پاهایتان به دیوار سخت است، پاهای خود را روی لبه مبل، صندلی یا تخت قرار دهید.

۸. انجام‌دادن کارهای تکراری

انجام‌دادن برخی کارهای تکراری ریتمی ایجاد می‌کند که منجر به کاهش تنش و مفری برای رهایی از نگرانی و اضطراب می‌شود. از این کارهای تکراری می‌توان به بافتنی، خرد کردن سبزی، تاکردن لباس‌ها، شستن ظرف‌ها و کشیدن خطوط مبهم روی کاغذ اشاره کرد.



چرا نمی‌توانیم تصمیم بگیریم؟



ناکامی‌ها کمتر است؛ به‌گونه‌ای که انگار از آن هراس دارند و از احتمال اینکه شکست بخورند یا ناکام شوند می‌ترسند و نگرانند. چنین افرادی در مقابل اتفاقات زندگی حالت تدافعی دارند و با نوعی هراس مواجه هستند، بنابراین تصمیم‌گیری برای آنها سخت خواهد شد. پارسامند می‌گوید که ریشه این ترس‌ها نیز معمولاً به دوران کودکی و سختگیری‌های والدین مبنی بر خطانکردن بچه‌ها و شکست‌نخوردن آنها برمی‌گردد. به این ترتیب چنین هراس‌هایی مانع از راحت تصمیم‌گیری افراد می‌شود و نمی‌توانند راحت تصمیم بگیرند چون می‌ترسند اشتباه کنند. البته تجربه سختی‌ها و از دست دادن عزیزان در کودکی می‌تواند شدت این ترس‌ها را بیشتر کند و بر آنها دامن بزند.

اشتباه حق شماست

به گفته این روانشناس وقتی در کودکی به این نتیجه می‌رسیم که حق نداریم اشتباه کنیم در آینده تصمیم‌گیری برایمان بسیار سخت خواهد شد. در واقع ما مطابق شناخت خود از دنیا و تجربه‌هایمان انتخاب می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم. توجه داشته باشیم در نهایت با هر تصمیمی که بگیریم و هر انتخابی که داشته باشیم، چیزهایی را به دست می‌آوریم و بعضی چیزها را هم از دست می‌دهیم. وقتی انتخاب و تصمیم ما منجر به از دست دادن بعضی گزینه‌ها شود نباید از آنها

انتظارات و خواسته‌های ما از خودمان و اطرافیان

دکتر تینا پارسامند، روانشناس بالینی از دانشگاه شهید بهشتی و وسترن سیدنی، در مورد تصمیم‌گیری می‌گوید: «ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که انتظارات و خواسته‌های زیادی را پیش روی ما قرار می‌دهد. علاوه بر اینکه ما از خودمان هم انتظار داریم بتوانیم موفقیت‌های زیادی در زمینه‌های مختلف به دست آوریم، در ارتباطات مان موفق ظاهر شویم و دیگران هم رفتار مناسبی با ما داشته باشند. همچنین می‌خواهیم در دنیایی امن همراه با آرامش زندگی کنیم.» اغلب تا وقتی انتظارات ما برآورده شود حال ما خوب است اما هنگامی که اوضاع مطابق میل ما پیش نمی‌رود احساس خوبی نخواهیم داشت و مشکلات نیز معمولاً از همین جا آغاز می‌شوند.

هراس از تجربه ناکامی‌ها

به گفته پارسامند هیچ تضمینی وجود ندارد که اوضاع همیشه مطابق میل ما پیش برود. این امکان که در مسیر ما ناملایماتی وجود داشته باشد همیشه وجود خواهد داشت. این ناملایمات و مشکلات هم با خود، رنجی به دنبال خواهند آورد که همه ما را آزار می‌دهند. ولی حساسیت بعضی افراد به این ناکامی‌ها بیشتر است؛ ضمن آنکه قدرت تحمل و پذیرش آنها نیز از تجربه این

شاید بتوان گفت تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین و البته سخت‌ترین کارهایی است که در طول زندگی خود انجام می‌دهیم چون در واقع ما با تصمیم‌هایی که می‌گیریم زندگی خود را شکل می‌دهیم و راه خود را مشخص می‌کنیم. تصمیم‌گیری در اصطلاح فرایند ذهنی انتخاب و قضاوت از میان راه‌حل‌ها و گزینه‌های مختلف قبل از انجام هرگونه عمل در موقعیت‌های پیش روی ماست. تصمیم‌گیری شامل در نظر گرفتن و بررسی اطلاعات موجود، ارزیابی گزینه‌ها و راه‌های گوناگون و در نهایت انتخاب مناسب‌ترین گزینه و انجام آن است که بسیار مهم و تعیین‌کننده است. به بیانی ساده‌تر، زندگی هر انسان را تصمیمات او شکل می‌دهد.

درون خود توجه داشته باشیم. چون معمولاً وقتی ما از درون چیزی را که به آن اشتیاق داشته باشیم انتخاب می‌کنیم، در نهایت اگر نتیجه مطلوب و مورد نظر خودمان را هم از آن دریافت نکنیم، حداقل پشیمانی سنگینی را هم تجربه نخواهیم کرد چون از طول مسیر و تجربه خود لذت برده و چیزهایی را یاد گرفته‌ایم که می‌توانیم بگوییم دیگر آدم قبل از آن تجربه نیستیم و همچنین باعث رشد و تغییر دیدگاه ما نسبت به زندگی شده است. در صورتی که در بسیاری از موارد وقتی انتخاب را به دیگران می‌سپاریم نه تنها نمی‌توانیم از طول تجربه مسیر لذت ببریم بلکه احساس پشیمانی بیشتری خواهیم داشت. مثلاً وقتی مطابق نظر دیگران، شغل یا رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده باشیم ممکن است سال‌ها در حسرت تجربه رشته یا شغل موردعلاقه خود بمانیم. به این ترتیب با کمک گرفتن و دریافت اطلاعات از دیگران، در نهایت این خود ما هستیم که باید تصمیم نهایی را بگیریم.

انتخاب و تصمیم‌های ما وجود خواهد داشت. ضمن اینکه در بسیاری موارد هم می‌توانیم احساس خوب موفقیت را تجربه کنیم.

تمرکز بر فرآیند به جای نتیجه

پارسامند می‌گوید که هنگام تصمیم‌گیری و برای اینکه چنین فرایندی برای ما آسان‌تر شود باید به جای توجه و تمرکز بر نتیجه، به فرایندی توجه داشت که بر اثر این تصمیم تجربه خواهیم کرد.

مثلاً وقتی می‌خواهیم شغل یا رشته‌ای را انتخاب کنیم، توجه ما نباید فقط بر نتیجه‌ای باشد که در آینده از آن حاصل می‌شود بلکه باید ببینیم آیا می‌توانیم با چنین انتخابی از طول مسیر لذت ببریم یا نه؟ یعنی هنگام تصمیم‌گیری باید از خود شناخت داشته باشیم و بدانیم از چه چیزهایی لذت می‌بریم و امکان انجام و تجربه آنها را داریم. به این ترتیب یک تصمیم برای همه مناسب یا نامناسب نخواهد بود. فراموش نکنیم هنگام تصمیم‌گیری باید به

واهمه داشته باشیم و بترسیم. ما باید قدرت پذیرش آن را داشته باشیم که با هر تصمیمی قطعاً چیزهایی را از دست خواهیم داد، در غیر این صورت نمی‌توانیم پیشرفت کنیم. همچنین هر چه فرد کمتر تحمل شکست و ناکامی را داشته باشد، سخت‌تر هم تصمیم خواهد گرفت. اما توجه داشته باشیم هیچ اشکالی ندارد گاهی اشتباه کنیم.

نگران قضاوت دیگران نباشیم

پارسامند می‌گوید که یکی از مشکلات و موانع ما در تصمیم‌گیری، نگرانی و ترس ما از قضاوت دیگران است و فکر اینکه نکنند مورد تأیید دیگران نباشیم و هنگام خطا یا شکست، مورد شماتت آنها واقع شویم. این افراد برای رها شدن از چنین تفکرات و قید و بندهایی باید بینش و فلسفه خود نسبت به زندگی، اتفاقات و روابط خود با دیگران و اهمیت نظر و قضاوت آنها را تغییر دهند. بنابراین باید به این نتیجه برسیم که همیشه و در هر مرحله‌ای از زندگی امکان بروز ناکامی، شکست و خطا در



تیغ جراحی زیبایی در کمین نوجوانان!



سن انجام عمل‌های زیبایی پایین آمده است؛ به اضافه اینکه تمایل آقایان به انجام عمل‌های زیبایی افزایش پیدا کرده و حالا آمار انجام عمل‌های زیبایی مردان و بانوان دوشادوش هم است. حالا بسیاری از نوجوانان قبل از اینکه پا به دوران جوانی بگذارند و ۱۸ سالشان تمام شود، زیر تیغ جراحی می‌روند و بسیاری از مردان هم در صورت و بدنشان عمل جراحی زیبایی انجام داده‌اند. نکته مهم اما این است که مردان این روزها عمل‌های عجیب و غریبی انجام می‌دهند. حالا بسیاری از آنها چانه خود را شکل می‌دهند یا پروتز گونه و سیکس‌پک می‌گذارند تا جذاب‌تر باشند. اینها نه حرف ما که حرف متخصصان این حوزه است. از نظر کارشناسان رفتارشناس اما معنای زیبایی در جامعه امروز تغییر کرده است. حالا توجه به مسائل معنوی فراموش شده و نه زیبایی درونی که زیبایی ظاهری ملاک است و بنابراین بسیاری از نوجوانان و مردان انجام عمل جراحی زیبایی را ملاکی برای بهتر دیده شدن در جامعه می‌بینند.

اما این است که این روزها تمایل آقایان برای انجام عمل‌های جراحی افزایش پیدا کرده است.

رزم‌پا، متخصص گوش و حلق و بینی اخیراً گفته است که حدود ۴۰ سال قبل میزان جراحی‌های بینی در بانوان با اختلاف زیاد بالاتر از مردان بود امروز اما انجام جراحی بینی در مردان هم زیادت و اختلاف بین آنها کمتر شده است. مردان اما تنها به جراحی بینی بسنده نمی‌کنند. حالا در مطب‌هایی که عمل جراحی انجام می‌دهند پر از مردانی است که یا می‌خواهند موی سر و ریش بکارند یا قصد دارند ابرو بالا بکشند یا در صف تزریق بوتاکس و گونه‌اند یا اینکه می‌خواهند چانه‌شان را توپرتر کنند یا به صورت، زاویه دهند.

انجام عمل‌های زیبایی اما به صورت، خلاصه نمی‌شود. عمل‌های زیبایی عجیب‌تری هم وجود دارد؛ لاغر کردن گردن و تزریق چربی برای ایجاد سیکس‌پک ورزشی از کارهای دیگری است که این روزها در بین آقایان طرفداران زیادی دارد. زمانی که از انجام عمل زیبایی می‌گوییم، بحث هزینه‌ها هم ناخودآگاه مطرح می‌شود. هر پزشکی از مراجعه‌کننده خود هزینه‌ای دریافت می‌کند، تقریباً هیچ تعرفه مشخص و مصوبی برای انجام

همین چند روز پیش بود که ابراهیم رزم‌پا، نایب‌رئیس و عضو هیات‌مدیره انجمن راینولوژی ایران و متخصص گوش و حلق و بینی درباره کاهش سن عمل جراحی در ایران خبر داد. او به ایسنا گفت که سن درخواست انجام عمل جراحی بینی که رتبه نخست عمل زیبایی را در ایران دارد، به شدت پایین آمده است. تا پیش از این در صورتی که افراد به ۱۸ سالگی می‌رسیدند، اجازه انجام عمل زیبایی پیدا می‌کردند اما حالا بعد از دوران بلوغ دخترها در ۱۴ سالگی و پسرها در ۱۶ سالگی تمایل پیدا می‌کنند تا عمل جراحی زیبایی بینی انجام دهند. این سخن رزم‌پا درست است؛ چراکه این روزها در مطب‌های زیبایی تعداد زیادی نوجوان دیده می‌شود که با رویای زیباتر شدن زیر تیغ جراحی می‌روند.

این عمل‌های عجیب و غریب مردانه

ماجرای به سن پایین درخواست‌کنندگان عمل جراحی زیبایی خلاصه نمی‌شود. حالا دیگر جنسیت برای انجام یک عمل جراحی ملاک نیست. هر کس با هر جنسیت و هر سنی می‌تواند دست به جیب شود و خود را شبیه عکس سلبریتی‌هایی کند که طرفدار آنهاست. موضوع



این رفتارشناس معتقد است چشم و هم‌چشمی باعث شده جوان ایرانی به سمت تغییر ظاهری خود برود. رفتار جامعه هم مزید بر علت شده است. به این شکل که ملاک استخدام یک فرد، اندام و زیبایی ظاهری اوست و نه مهارت‌های کاری که او دارد.

نگرانی از انحطاط

جامعه را ارزش‌ها و رفتارهای شهروندان آن می‌سازد. به همین دلیل است که تغییر ارزش‌های جامعه می‌تواند مساله مهمی باشد؛ مساله‌ای که البته اگر در سطح باشد و به عمق توجه نکند، مانند آفتی به جان جامعه می‌افتد و او را نابود می‌کند.

جامعه‌ای که مسائل معنوی و عمیق در آن جریان نداشته و ملاک ظاهر افراد باشد، جامعه‌ای گمراه شده‌است. از نظر اقلیما، این مساله از این جنبه مهم است که تفکرات فردی افراد می‌تواند سبب زندگی هر فرد و جامعه را بسازد و اگر سبب زندگی جامعه ما به معنویات بی‌توجه باشد، باید نگران این انحطاط بود. مهم‌ترین مساله برای جلوگیری از این مهم، قهرمان‌پروری در حوزه معنویات و رشد تفکرات است.

این روزها بسیاری از مردم نه رفتار پسندیده و ذات زیبا که ظاهر زیبا را ملاک زیبابودن می‌دانند. در صورتی که از نظر او شخصیت اجتماعی داشتن، یعنی اینکه هر فرد به عنوان یک شهروند در جامعه رفتار هنجارگونه و خارج از عرفی انجام ندهد. در صورتی که مهربان باشد و دست نیازمندان را بگیرد، زیبایی است

عمل‌های زیبایی وجود ندارد. یک نفر برای انجام جراحی بینی هشت میلیون تومان و فرد دیگری نیز ۱۵ میلیون تومان دریافت می‌کند. انجام لیفت‌های صورت از ۳۰ میلیون تومان تا ۴۰ میلیون تومان هزینه دارد. کاشت مو حدود پنج میلیون تومان، کاشت ابرو سه تا پنج میلیون تومان و کاشت ریش نیز پنج تا هفت میلیون تومان هزینه دارد. پروتز چانه، گونه و زاویه‌سازی فک به ترتیب حدود ۱۰ تا ۱۹ میلیون، ۱۰ تا ۲۰ میلیون و شش تا ۹ میلیون تومان هزینه دارد.

ملاک زیبایی تغییر کرده است

سوال مهم این است که چه بر سر جامعه ایرانی آمده که فکر و ذکر مردان و زنان آن انجام عمل‌های زیبایی است؟ از نظر مصطفی اقلیما، مددکار اجتماعی و رفتارشناس، جواب روشن است. او به جام جم می‌گوید حالا تعریف زیبایی در کشور تغییر کرده است. این روزها بسیاری از مردم نه رفتار پسندیده و ذات زیبا که ظاهر زیبا را ملاک زیبابودن می‌دانند. در صورتی که از نظر او شخصیت اجتماعی داشتن، یعنی اینکه هر فرد به عنوان یک شهروند در جامعه رفتار هنجارگونه و خارج از عرفی انجام ندهد. در صورتی که مهربان باشد و دست نیازمندان را بگیرد، زیبایی است.



تند غذا نخورید!



مطالعات گوناگون نشان داده است که باعجله و تند غذا خوردن می‌تواند منجر به اضافه وزن و دیابت نوع ۲ شود، همچنین تند غذا خوردن عوارض بسیار جدی دیگری نیز به همراه دارد. غذا خوردن یکی از لذت‌های بزرگ زندگی هر فرد است. روزهای زندگی ما روی دور تند افتاده‌اند و از این رو غذا خوردن سریع نیز بخشی از سبک زندگی شده است. ما دائماً در حال بدویدو، مشغول کار، بازی، صحبت با رانندگی هستیم بنابراین عادت تند غذا خوردن برای برخی از ما نهادینه شده است و باعث می‌شود به نشانه‌های بدن خود توجهی نکنیم. این عادت دارای مضراتی است که علاوه بر کم کردن لذت یک وعده غذایی خوب، ممکن است صدمات شدیدی را به سلامتی‌مان وارد کند.

دارد و همین اتفاق معمولاً دیابت نامیده می‌شود. البته، تند خوردن غذا به چاقی مربوط می‌شود و چاقی دلیل اصلی مقاومت به انسولین است.

۱- اضافه وزن

غذا خوردن سریع با افزایش خطر اضافه وزن یا چاقی همراه است بنابراین در صورتی که تند غذا بخورید و کمتر آن را بجوید، جای تعجب نیست که به مغز فرصت داده نمی‌شود تا متوجه سیری شود؛ در نتیجه باعث می‌شود غذای بیشتری بخورید و کالری بیشتری مصرف کنید. سریع غذا خوردن ممکن است هورمون‌های روده را مختل کند که وظیفه آن‌ها کمک به تنظیم اشتها بوده و به شما زمان سیری را اعلام می‌کند. براساس یک مطالعه، غذا خوردن با سرعت بالا اثر ترمیک غذا را کاهش می‌دهد و میزان سوخت‌وساز را بعد از خوردن بالا خواهد برد.

۲- دیابت

تند غذا خوردن به خودی خود باعث دیابت نوع ۲ نمی‌شود اما به یکباره قورت دادن غذا از روی عادت ممکن است در مسیر هضم غذا سختی و مشکلی را ایجاد کند. براساس یک مطالعه، افراد میان‌سالی که دیابت نداشتند اما تند غذای می‌خوردند در معرض خطر مقاومت به انسولین قرار گرفتند. این وضعیت که در آن بدن از انسولین به‌طور مؤثر استفاده نمی‌کند ممکن است با گذشت زمان منجر به دیابت شود.

تند غذا خوردن می‌تواند منجر به جهش ناگهانی قند خون شود که مقاومت به انسولین را همراه

۳- سندروم متابولیک

مقاومت به انسولین ارتباط نزدیکی با سندروم متابولیک (مجموعه‌ای از عوامل که نه تنها خطر ابتلا به دیابت، بلکه بیماری‌های قلبی و سکتته را نیز افزایش می‌دهد) دارد. افرادی که تند غذا می‌خورند بیش از کسانی که آرام غذا می‌خورند دچار سندروم متابولیک می‌شوند.

افرادی که تند غذا می‌خورند، مستعد ابتلا به سطح پایین کلسترول خوب نیز هستند. این دو عامل باعث سندروم متابولیک می‌شود و اغلب بیماری‌های قلبی را به همراه خواهد داشت.

۴- گاستریت (ورم معده)

تند غذا خوردن با التهاب گاستریت فرسایشی معده (التهابی که باعث از بین رفتن غشای مخاطی معده می‌شود و زخم‌های سطحی یا عمیق معده را به همراه دارد) نیز مرتبط است. افرادی که غذای خود را قورت می‌دهند احتمال پرخوری دارند. از طرفی پرخوری نیز به نوبه خود باعث می‌شود که غذا مدت بیشتری در معده بماند بنابراین پوشش معده بیشتر در معرض اسید معده قرار خواهد گرفت.

می‌شوید که خیلی سریع غذا رو به اتمام است. گذاشتن قاشق و چنگال روی میز بین هر بار جویدن غذا به پیشگیری از این اتفاق کمک می‌کند و باعث می‌شود که هم از غذا خوردن لذت ببرید و هم به هضم بهتر آن کمک خواهد کرد.

پشت میز یا سر سفره با اعضای خانواده کمتر صحبت کنید:

بهترین راه خوردن وعده غذایی، افزایش تعداد جویدن‌هاست، بنابراین زمان زیادی از وقتی که سر سفره هستید را به جویدن اختصاص دهید نه صحبت کردن تا به هضم بهتر غذا کمک کرده باشید.

سرعت غذا، هضم آن را آسان‌تر می‌کند که باعث افزایش جذب مواد مغذی خواهد شد.

قاشق و چنگال را پایین بگذارید:

متأسفانه تا به خودتان می‌آیید متوجه



۵- خفگی

آیا می‌دانید تند غذا خوردن باعث می‌شود نفس کم بیاورید؟ ما به بچه‌ها یاد می‌دهیم که به آرامی غذا بخورند و برای پیشگیری از خفگی، غذای خود را به دقت بجوند. بزرگسالان نیز باید همین را رعایت کنند.

۶- هضم ضعیف

۴- گاستریت (ورم معده افرادی که تند غذا می‌خورند معمولاً غذای بیشتری نیز مصرف می‌کنند و بدون جویدن صحیح، آن را می‌بلعند. حتی بعضی اوقات، از آب یا سایر نوشیدنی‌های گازدار نیز استفاده می‌کنند که تمامی این موارد هضم مناسب غذا را متوقف کرده و منجر به نفخ و سوءهاضمه خواهد شد.

چگونه آرام غذا بخوریم تا چاق نشویم؟

برای بسیاری از ما، تند غذا خوردن تبدیل به یک عادت شده است و ترک آن تلاشی آگاهانه را می‌طلبد. استراتژی‌های ذیل می‌توانند به شما کمک کنند تا عادت جدیدی را در کاهش سرعت و لذت بردن از غذای خود ایجاد کنید و در نهایت با آرام‌تر خوردن از چاق شدن جلوگیری کنید:

زمان کافی بگذارید:

وعده‌های غذایی خود را در اولویت برنامه‌تان قرار دهید و حداقل ۲۰ دقیقه را برای هر یک از این وعده‌ها اختصاص دهید. ممکن است مدت طولانی‌تر زمان ببرد تا بدن شما سیگنال‌های مربوط به سیری را به مغزتان ارسال کند.

- تمام حواس خود را به کار بگیرید:

هنگامی که می‌خواهید شروع به غذا خوردن کنید، چند لحظه‌ای زمان بگذارید تا متوجه عطر، طعم، تردی، بافت و سایر خواص حسی غذا شوید و سپس آن را میل کنید.

- بیشتر بجوید:

لقمه‌های کوچکی را بردارید و آن را کاملاً بجوید. خوب جویدن علاوه بر کند کردن



پایان ماسک کرونایی کی از راه می‌رسد؟



با ادامه‌دار شدن وضعیت پایدار شیوع کرونا در کشور، متخصصان توصیه می‌کنند افرادی که هنوز واکسیناسیونشان را تکمیل نکرده‌اند، برای تزریق دوز سوم اقدام کنند. آنهایی هم که در گروه پرخطرند و بیش از چهار ماه از تزریق دوز سومشان گذشته، برای دریافت دوز چهارم اقدام کنند؛ چراکه در صورت رخداد پیک جدید کرونا تزریق واکسن تأثیر زیادی نخواهد داشت.

علیرضا ناجی، رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، این توصیه را به مردم می‌کند و می‌گوید: «مردم همچنان در تزریق دوز سوم کم‌لطفی می‌کنند. واکسن موجود است و باید از شرایط فعلی استفاده کرد. آمارها نشان می‌دهد ۷۰ درصد مردم دو دوز واکسن و بیش از ۳۰ درصد دوز سوم را زده‌اند. لازم است دوز سوم به بالای ۷۰ درصد برسد و افرادی که کاندید تزریق دوز چهارم هستند، برای تزریق دوز یادآور اقدام کنند.»

همین وضعیت را تجربه کرده‌اند و در دوره‌ای، روزهای بدون فوتی داشته‌اند. تجربه‌ای که اکنون کشور ما در آن به سر می‌برد، تجربه کشورهای دیگر در هفته‌ها و ماه‌های گذشته است. او ادامه می‌دهد: «همین کشورها زمانی که وضعیت شیوعشان مناسب شد، رعایت پروتکل‌های بهداشتی را کنار گذاشتند اما با پدیدار شدن زیرسویه‌های امیکرون، دوباره موارد ابتلایشان بالا رفت و حالا درگیر شده‌اند. ما کمی از کشورهای اروپایی و آمریکا عقب هستیم و این احتمال وجود دارد که چند ماه دیگر وضعیتی شبیه آنها پیدا کنیم.»

اشاره ناجی به ماجرای حذف یا کم‌رنگ شدن استفاده از ماسک در کشور است. پیش از این کمیته علمی کرونا وزارت بهداشت به ستاد ملی مقابله با کرونا پیشنهاد کرده بود ماسک می‌تواند بر اساس رنگ‌بندی شهرها، استفاده شود و افرادی که در گروه بیماران زمینه‌ای با سیستم ایمنی ضعیف و سن بالا قرار ندارند، در فضای باز می‌توانند ماسک را حذف کنند. با این حال استفاده از آن در مراکز درمانی که احتمال مراجعه بیماران مبتلا به کرونا وجود دارد، همچنان باید اجباری باشد.

اخیراً مسعود یونسین، دبیر کمیته اپیدمیولوژی و پژوهش کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا هم اعلام کرد که در وضعیت فعلی، می‌توان در شرایط خاصی از ماسک استفاده کرد. کادر درمان

بر اساس اعلام این ویروس‌شناس افرادی که چهار تا پنج ماه از تزریق دوز سومشان گذشته و در گروه‌های پرخطر به شمار می‌روند، باید برای تزریق دوز چهارم اقدام کنند. ناجی تأکید می‌کند که هم‌اکنون، کشور در موقعیت طلایی قرار دارد و بهترین زمان برای تزریق واکسن، همین حالا و پیش از وقوع پیک جدید است: «تزریق واکسن در دوران پیک، تأثیر آن را کم می‌کند و ایمنی را پایین می‌آورد. در شرایط فعلی وزارت بهداشت، شهرداری و صداوسیما با تبلیغات و اطلاع‌رسانی گسترده روی بیلبوردها باید مردم را برای تزریق دوزهای تکمیلی ترغیب کنند.»

او می‌گوید: «باید اطلاعات علمی به مردم داده شود. اینکه کشورهای دیگر را در مدیریت شیوع تخریب کنیم، فایده‌ای برای ما ندارد و اساساً چنین اقدامی اشتباه است. نمی‌توان گفت وضعیت ما از فلان کشور بهتر است، در این شرایط مردم دچار توهم می‌شوند و تصور می‌کنند کرونا تمام شده است.»

به گفته او یکی از دلایلی که مردم تمایل کمتری برای تکمیل واکسیناسیون دارند، دادن پیام‌های اشتباه از جمله بی‌خطر شدن کروناست: «ما در مقایسه با وضعیت شیوع کرونا در کشورهای دیگر، با تقدم و تاخر مواجه هستیم. یعنی نمی‌توانیم بگوییم که کشور ما بهترین شرایط را از نظر مدیریت شیوع کرونا داشته یا هم‌اکنون شرایط خوبی داریم؛ چرا که کشورهای دیگر هم



در صورتی که افراد به طور کلی استفاده از ماسک را کنار بگذارند، با ورود احتمالی واریانت‌های اومیکرون یعنی BA4 و BA5 و ویروس دوباره در کشور به گردش درمی آید؛ آن هم برای زیرسویه‌ای که سرایت‌پذیری بالایی دارد و ایمن‌گیر است.

ماسک، بستگی به شرایط جهانی و وضعیت اپیدمی در ایران دارد: «اگر موارد ابتلا و بستری‌ها بسیار کاهش پیدا کند و موارد بستری در آی‌سی‌یو که اکنون بیش از ۳۰۰ مورد است به زیر ۵۰ نفر برسد و این وضعیت برای چندین ماه هم ادامه داشته باشد و موارد مرگ هم بسیار پایین بیاید، می‌توان گفت که دیگر زمان حذف کلی ماسک است. البته همه اینها به شرایط جهانی هم بستگی دارد.»

ناجی امیدوار است که امسال جهان چنین شرایطی را تجربه کند: «اگر میزان واکسیناسیون در بیشتر کشورها به بالای ۷۰ درصد برسد، دیگر می‌توان گفت که وضعیت خوب است و تا نیمه‌های سال میلادی با تبدیل شدن کرونا از پاندمی به آندمیک، می‌توان ماسک را حذف کرد.»

یا افرادی که با بیماران زیادی مواجه‌اند، افراد با نقص ایمنی یا سن بالا یا درگیر بیماری‌های حاد زمینه‌ای، باید در مکان‌های تجمعی که فاصله‌گذاری رعایت نمی‌شود و تهویه مناسبی ندارد، برای محافظت از خود از ماسک استفاده کنند. او گفت که استفاده از ماسک در اتوبوس، مترو، هواپیما و... توصیه می‌شود و تنها در مکان‌هایی که تراکم جمعیت بالا نیست و تهویه خوبی دارد، می‌توان ماسک را برداشت.

رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم به همین موضوع اشاره می‌کند. به گفته او هنوز زمان حذف ماسک نرسیده است: «در صورتی که افراد به طور کلی استفاده از ماسک را کنار بگذارند، با ورود احتمالی واریانت‌های اومیکرون یعنی BA4 و BA5 و ویروس دوباره در کشور به گردش درمی آید؛ آن هم برای زیرسویه‌ای که سرایت‌پذیری بالایی دارد و ایمن‌گیر است.» او درباره زمان حذف کامل ماسک هم توضیح می‌دهد و می‌گوید که برداشتن



۷ روش سنتی برای رهایی از گرمزدگی در فصول گرم



گلاب

بنابر اعلام دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران، برای معالجه اشخاص گرمزده، بهترین راه خوراندن گلاب همراه با مقداری یخ است، به قدری که باعث استفراغ شده و صفرا را خارج کند. نوشیدن گلاب خنک، گرمی درون را از بین می‌برد و بدن را تقویت می‌کند. بوییدن گلاب برای تقویت قلب و رفع بیهوشی و تقویت حواس باطنی مفید است.

چند نکته مهم

- هنگام گرمزدگی از گرفتن دوش آب سرد به جهت ایجاد شوک، از قرار گرفتن در معرض باد مستقیم کولر به دلیل ایجاد عفونت‌های تنفسی و از نوشیدن سریع مایعات بسیار سرد به جهت به هم خوردن وضعیت سیستم ایمنی و گوارشی بدن خودداری کنید.

- با استفاده از حوله خنک در بدن فرد گرمزده، وی را به حالت طبیعی بازگردانید.
- میوه‌هایی مانند آلبالو، خیار و هندوانه نقش بسزایی در تنظیم درجه حرارت بدن دارند.

- از آنجا که فرد گرمزده اشتیهای زیادی برای خوردن آب سرد و یخ دارد، باید وی را تشویق کرد تا به تدریج و آهسته مایعات را بنوشد تا معده وی دچار تحریک و درد نشود.

است که به علت داشتن ترکیبات لعاب‌دار به صورت محلول در آب (شربت) استفاده می‌شود. لعاب این دانه‌ها پس از جذب آب، به صورت ژله‌ای درمی‌آید که می‌تواند برای رفع عطش مورد استفاده قرار گیرد. تخم شربتی در طب سنتی ایران به عنوان رفع کننده التهابات دستگاه تناسلی و مجاری ادرار کاربرد بسیار داشته است.

به‌لیمو

به‌لیمو گیاهی به صورت درختچه است که از برگ آن استفاده می‌شود. این گیاه از قدیم در طب سنتی ایران به عنوان آرام‌بخش، ضد تشنج، ادرارآور، رفع کننده سرگیجه و تپش قلب مورد استفاده بوده و در حال حاضر نیز از آن استفاده می‌شود.

هندوانه

هندوانه یک میوه تابستانی لطیف، آبدار، خنک کننده، آرام بخش و مسکن التهابات درونی است که اصولاً برای رفع عطش در اوج گرمای تابستان مصرف می‌شود و مورد پسند بسیاری از مردم است. طبیعت هندوانه سرد و تر است و برای افراد گرم مزاج بسیار مطلوب است. مربای پوست هندوانه برای رفع حرارت بدن، رفع تشنگی و گرمزدگی بسیار مفید است.

هوای داغ ماه‌های گرم سال بسیاری از مردم را دچار گرمزدگی می‌کند و متخصصان طب سنتی معتقدند که مصرف شربت سکنجبین برای رهایی از گرمزدگی این روزها بسیار مفید است.

نوشیدن شربت سکنجبین منافع بسیاری دارد. یکی از منافع سکنجبین این است که چون آن را با یخ خنک کرده و می‌نوشند، صفرا را می‌برد و از التهاب حرارت معده می‌کاهد و آن چه بلغم در معده و روده‌ها باشد، خارج می‌کند. اگر سکنجبین را با ریشه و تخم کاسنی مخلوط کرده و کمی گلاب به آن اضافه کنند، نوشابه‌ای پر سود و شگفت‌آور می‌شود، به خصوص برای کسانی که جگر و معده‌ای گرم داشته یا دچار گرفتگی معده شده‌اند و نیز برای کسانی که مبتلا به نفخ هستند منافع زیادی دارد، اما برای مبتلایان به زخم معده و روده، مضر است.

عنب و شکر

برای رفع گرمزدگی بهتر است عنب را در آب جوشانده و با کمی شکر به صورت خنک میل کنید. همچنین خوردنی‌های سرد و تر مانند گل بنفشه، خاکشیر، هندوانه و تخم خیارین (خیار، کدو، هندوانه و خربزه) نیز توصیه می‌شود. البته بهترین دارو برای رفع گرمزدگی دم کرده عنب و زرشک است که همراه با مقداری شکر میل می‌شود.

خاکشیر یخ زده و شربت آب‌لیمو

استفاده از خاکشیر یخ‌زده و شربت آب‌لیمو برای جلوگیری از گرمزدگی موثر است. برای جلوگیری از اسهال و تأثیر خنکی، خاکشیر باید به شکل یخ‌زده یا همراه یخ مصرف شود، در غیر این صورت ملین و اسهال‌آور است. با توجه به گرمی و آلودگی هوا، مصرف آب‌لیمو نیز به دلیل داشتن ویتامین C که دارای خاصیت ضد عفونی کننده است، توصیه می‌شود و نیاز است هر دو روز یک بار، یک عدد لیمو در آب مصرفی استفاده شود.

تخم شربتی

تخم شربتی در حقیقت دانه گیاه ریحان

ورزش

اخراج اسکوچیچ از تیم ملی؛ آری، خیر! ۶۴/
فرهاد مجیدی، اسطوره پار هوقت/ ۶۸
۱۰ حقیقت در مورد ورزشگاه آزادی / ۷۰
سه ضربه تحریم‌های ظالمانه به فوتبال ایران/ ۷۲

اسکایا

علم و فناوری

گردشگری

فرهنگ و هنر

سلامت

ورزش

News

مربی کروات رنگ جام جهانی قطر را می بیند؟

اخراج اسکوچیچ از تیم ملی؛ آری، خیر؟



تیم ملی فوتبال ایران، چندی پیش در قطر و در دیداری تدارکاتی به مصاف الجزایر رفت و بازی را با نتیجه دو بر یک واگذار کرد. نمایش شاگردان دراگان اسکوچیچ در این بازی چنان ناامیدانه بود که موجی از ناراحتی را به همراه داشت. بسیاری از علاقه مندان به فوتبال در ایران با اشاره به گروه سخت تیم ملی در جام جهانی، نگران شکست‌های سنگین مقابل رقبا شده و برای این دسته، راه حل، اخراج دراگان اسکوچیچ از تیم ملی ایران است. این موضوع آن قدر با دلایل مختلف در فضای مجازی چرخیده که فقط در توییتر تلاش بر آن بوده تا هشتگ اخراج اسکوچیچ تبدیل به ترند شود. بازیکنان تیم ملی هم از خط دروازه تا خط حمله، همگی یکی از بدترین روزهای فوتبالی را سپری کردند تا از لحاظ فنی، جایی برای دفاع باقی نماند. دراگان و تیمش زیر تیغ رفته و در این بین نسخه نجات گویی از صدور حکم اخراج برای این مربی کروات خارج می‌شود. با این حال اینکه اخراج اسکوچیچ در این مقطع زمانی کار درستی است یا نه، موضوع حساسی شده است. عده‌ای این تصمیم را درست و عده‌ای چنین تصمیمی را شتاب زده عنوان می‌کنند؛ هر چند که هر دو طرف، برای خودشان دلایل زیادی دارند که حرف‌شان را تا حدودی منطقی جلوه می‌دهد.

پکیج بند یا سرمربی؟

دیگر انتقادی که از اسکوچیچ به‌ویژه در ماه‌های اخیر می‌شود، این است که با عده‌ای دلال سروکار دارد و با حرف‌شنوی بیش از اندازه از آنها، بازیکنانی را که به او توصیه می‌شود، به تیم ملی دعوت می‌کند. اصرار برای دعوت از قریب به پنج نفر از بازیکنان تیم ملی فارغ از میزان آمادگی آنها، این شایعه را با صدای بلندتری بیان کرده است. دایره نزدیکان اسکوچیچ مشخص است و آنها در زمره مشاوران این مرد کروات هم محسوب می‌شوند

اسکو، محصول مافیا و آقا: ادها

درست از همان زمانی که دراگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی ایران معرفی شد، این شایعه به شدت مطرح شده که او محصول انتخابی بیرون از فدراسیون فوتبال ایران است. چندین چهره سرشناس فوتبال ایران از جمله علی دایی، انتخاب اسکوچیچ را کار مافیا و آقا: ادها توصیف کرده‌اند. او از همان روز تا همان زمان که شکست برابر تیم الجزایر عرصه را برایش به تنگ آورده، با این شایعه دست‌وپنجه نرم می‌کند.





دیگر انتقادی که این روزها از سرمربی تیم ملی می‌شود و هرگز مورد تأیید نیست، این است که نتایجی که او با تیم ملی در مرحله انتخابی جام جهانی کسب کرده، در ارتباط با جادوگری است که شایعه شده بود با رئیس وقت فدراسیون فوتبال همکاری می‌کند

اسکوچیچ ترسو است؟

نکته جدیدی که بعد از شکست برابر الجزایر مطرح شده، ترسو بودن دراگان اسکوچیچ، سرمربی تیم ملی ایران، است. منتقدان او اعتقاد دارند اسکوچیچ می‌توانست با اروگوئه، تیمی که در جام جهانی حاضر است و ستاره‌های نام‌آشنایی در دنیای فوتبال دارد، بازی کند ولی او مسافت را بهانه کرد تا به اروگوئه نرود. این عده می‌گویند دراگان از ترس شکست سنگین پیشنهاد اروگوئه را رد کرده؛ وگرنه چطور ممکن است برای رفتن به کانادا، اسکوچیچ نگران بعد مسافت نباشد ولی برای بازی با اروگوئه این موضوع اذیتش کرده باشد. نقد اصلی بر سرمربی کنونی تیم ملی در این مورد به این خاطر است که او بازی‌های راحتی را در بین تیم‌های آسیایی برده و در دو جدال سخت با کره، حرفی برای گفتن نداشته است. منتقدان دراگان می‌گویند او نگران این است که دانش نداشته فنی‌اش رو شود و دیگر نتواند به راحتی سرمربی تیم ملی ایران باقی بماند.

ولی اینکه آیا سرمربی تیم ملی پکیج‌بند است یا خیر، از آن دست اتهامات خطرناکی است که باید برایش سند و مدرک قوی پیدا کرد. البته اگر تمایلی به راستی‌آزمایی درباره این اتهام خطرناک وجود داشته باشد، بعید است برای نهادهای بازرسی بیش از یک هفته زمان ببرد.

کار جادوگر بود؟

دیگر انتقادی که این روزها از سرمربی تیم ملی می‌شود و هرگز مورد تأیید نیست، این است که نتایجی که او با تیم ملی در مرحله انتخابی جام جهانی کسب کرده، در ارتباط با جادوگری است که شایعه شده بود با رئیس وقت فدراسیون فوتبال همکاری می‌کند. این موضوع هم دیگر از آن دست شایعات عجیب و غریبی است که از زمان تغییر ریاست در فدراسیون فوتبال ایران تا زمان برکناری عزیزی‌خادم مدام مطرح شد ولی نهایتاً از میزان درستی یا نادرستی‌اش سند موثقی رو نشد.



دیگر موردی که باید در این مقطع حساس به آن اشاره کرد، دستمزد دراگان اسکوچیچ است. کلا او تیم ملی را سکوی پرتابی برای حرفه مربیگری اش می بیند و بدیهی است که مسائل مالی برایش اولویت نداشته باشد. دراگان در مقایسه با دو سرمربی قبلی ایران رقم بسیار پایینی می گیرد

ارتباط خوب با بازیکنان تیم ملی

یکی مثل مهدی طارمی را فاکتور بگیرید! رابطه هیچ یک از بازیکنان تیم ملی با دراگان اسکوچیچ بد که نیست هیچ، بلکه آنها در مقاطع حساس پشت سر اسکوچیچ مانده و از او حمایت کرده اند. همدل کردن این همه ستاره در رختکن یک تیم کار ساده ای نیست ولی این اتفاق را دراگان در تیم ملی رقم زده و به غیر از همان یک بازیکن، موضوع دیگری که نشان از اعتراض به تصمیمات دراگان در تیم ملی باشد، مشاهده نشده است.

چه کسی با این فدراسیون کار می کند؟

حال اگر هیچ کدام از این موارد نتواند مخالفان اسکوچیچ را قانع کند و رأی به اخراج دراگان گرفته شود، پرسش اصلی این است که کلا فدراسیون فوتبال با شرایط کنونی، توانی برای آوردن یک مربی بهتر به تیم ملی دارد؟ پاسخ قطعاً منفی است. این فدراسیون علاوه بر آنکه هنوز رئیس ندارد بلکه از لحاظ مالی هم به شدت در تنگناست و بعید است توانایی مذاکره با سرمربی دیگری را که به درد ایران در جام جهانی بخورد، داشته باشد. تصور اینکه اگر کارلوس کی روش در این برهه بخواهد سرمربی تیم ملی ایران شود و با اعضای کنونی فدراسیون فوتبال ایران همکاری کند، به اندازه کافی می تواند عواقب را تشریح کند.

ماهیت بازی تدارکاتی برای محک زدن بازیکنان و رسیدگی به نقاط ضعف و قوت است. این بازی هم در این مقوله می گنجد و بدیهی است که سرمربی تیم ملی بخواهد با بازی دادن یا ندادن به عده ای از بازیکنان، سطح آمادگی بدنی و تاکتیکی آنها را بسنجد. تغییر پست بازیکنان و استفاده از ترکیب ناشناخته هم در این زمره می گنجد. با این نگاه می توان کاری را که دراگان برابر الجزایر رقم زد، بیشتر بررسی کرد.

مربی ارزان

دیگر موردی که باید در این مقطع حساس به آن اشاره کرد، دستمزد دراگان اسکوچیچ است. کلا او تیم ملی را سکوی پرتابی برای حرفه مربیگری اش می بیند و بدیهی است که مسائل مالی برایش اولویت نداشته باشد. دراگان در مقایسه با دو سرمربی قبلی ایران رقم بسیار پایینی می گیرد. درباره قرارداد او عنوان شده بندی گنجانده شده تا بتواند پولش را به تومان دریافت کند تا مشکلاتی که بر سر راه انتقال پول درمورد دو مربی دیگر وجود داشت، درمورد اسکوچیچ از بین نرود. از طرفی، بعد از تمدید خود کار قرارداد اسکوچیچ دستمزد او هم اندکی بیشتر شده ولی با وجود این بیشتر شدن به نظر می رسد تازه رقم قرارداد او با تیم ملی به ۱۰ میلیارد تومان رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با قرارداد بازیکنان و تعدادی از مربیان امروزی فوتبال ایران باز هم پایین است.



برای مردی که تیم قهرمان را رها کرد و رفت

فرهاد مجیدی، اسطوره پاره وقت



ظاهراً فرهاد مجیدی یک قانون نانوشته دارد؛ اینکه هر وقت خودش به استقلال نیاز داشت، باشگاه باید تمام قد در اختیار او باشد اما هر وقت باشگاه به فرهاد نیاز داشت، هیچ تضمینی نیست که آقای مجیدی کنار تیم باقی بماند! به هر حال همانطور که از مدت‌ها قبل شایعه شده، سرمربی استقلال بعد از قهرمانی با این تیم در لیگ بیست‌ویکم به قراردادش پایبند نماند و خواهان جدایی شد.

استقلال، ملک پدری «من» است

فرهاد مجیدی رکورددار ول کردن و رفتن است؛ بی هیچ منطقی، بی هیچ توضیحی. قانون او این است که هر وقت بخواهد می‌آید و هر وقت عشقش بکشد می‌رود. وقتی بازیکن بود، در میانه‌های لیگ یازدهم کمر تیم مظلومی را شکست و رفت. حاصل آن بی‌وفایی تاریخی، شکست حیرت‌انگیز استقلال در دربی ایمون زاید بود. برد و باخت‌ها می‌آیند و می‌روند اما شاید چنان نتیجه‌ای با آن شرایط، هر پنجاه سال یکبار تکرار شود. برای فرهاد اما مهم نبود. خودش بعدها یک بار گفته بود: «بازی را نمی‌دیدم. داشتم دوش می‌گرفتم و وقتی برگشتم، دیدم سه گل خورده‌ایم.» آن تیم مظلومی شناس اول قهرمانی در لیگ برتر بود؛ یکی از پرستاره‌ترین استقلال‌های تاریخ. کوچ ناگهانی فرهاد اما، دمار از روزگار تیم درآورد. وقتی کاپیتان غمخوار نیست، از بقیه چه انتظاری می‌توان داشت؟ خودش که هیچ‌وقت هواداران را لایق ارایه توضیح ندانست اما اطرافیانش موقع آن جدایی بهانه آوردند که دلش برای دخترش در امارات تنگ شده؛ هر چند معلوم نشد چرا فرهاد سر از الغرافه قطر درآورد!

مجیدی ابتدای لیگ دوازدهم فرصت بازگشت به استقلال را داشت اما این کار را انجام نداد. در عوض یک بیانیه بلندبالا علیه امیر قلعه‌نویی تنظیم کرد و در آن نوشت: «شاگرد مکتب حجازی هستم و با بی‌اخلاق‌ها کار نمی‌کنم.» با

این حال طبق معمول وقتی هوس کرد به تیم برگردد، تمام این داستان‌ها را از یاد برد و سرانجام در آغوش همین مرد «بی‌اخلاق» از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. حتی همان خداحافظی هم کم حاشیه نداشت. مجیدی در میانه‌های فصل به تصمیم خودش، بدون مشورت، بدون اعتنا به قرارداد و نیاز تیم و حتی بدون اطلاع به هواداران ناگهان اعلام خداحافظی کرد و کفش‌هایش را آویخت. امیر قلعه‌نویی گفته بود: «از او خواستیم اگر بدنش نمی‌کشد، یک خط در میان در تمرینات شرکت کند و حتی بازی‌های شهرستان را هم نیاید. می‌خواستیم هر طور شده تا آخر فصل کنار تیم باشد، اما قبول نکرد.»

همان قصه، در دوران مربیگری

مجیدی خصلت خودخواهی و بی‌وفایی‌اش را به دوران مربیگری‌اش هم برد. آنجا هم به استقلال به چشم ملک پدری‌اش نگاه کرد. وقتی دلش خواست بیاید، اول دستیار شفر شد و بعد هم او را فصل جای او را گرفت. این در حالی است که عالم و آدم می‌دانستند دستیار انتخابی شفر مجتبی جباری بود اما فرهاد را به او تحمیل کردند و آن داستان‌ها پیش آمد. شفر هم هیچ‌گاه بدگمانی‌اش نسبت به مجیدی را پنهان نکرد. مربی آلمانی بعدها در مورد همکاری‌اش با فرهاد گفته بود: «آوردن مجیدی به باشگاه اشتباه بود؛ چراکه من مجتبی جباری را می‌خواستم اما

خداحافظی ناگهانی او با دنیای فوتبال جان به جان آفرین تسلیم کرد. قصد نداریم داستان را هندی کنیم اما خوب است کسانی که خود را قهرمان و اسطوره گروهی از مردم می‌دانند، به اندازه یک سر سوزن برای آنها احترام قائل شوند.

شاید شما از اجرای تصمیمات ناگهانی لذت ببری و آن را نشانه قدرت خودت بدانی، اما این مدل رفتار بعضی‌ها را آزار می‌دهد. هرچند همه پشتگرمی فرهاد به فراموشکاری گروهی از همین هواداران است. او هر بار در نیمه‌های راه رفت و برگشت «عزیزتر» شد و مطمئن باشید این بار هم همین اتفاق تکرار خواهد شد.

کارنامه بدهد؟ او روی نیمکت آبی‌ها آزمون و خطا کرد و درست زمانی که به نظر می‌رسید کار یاد گرفته، ادامه حضور در این جایگاه را به مربیگری در یک تیم بنجل اماراتی فروخت. مجیدی در دوران بازی‌اش هم شناس قهرمانی در لیگ‌های یازدهم و سیزدهم را از استقلال گرفت. شاید اگر دو وداع غیرمنتظره او در میانه‌های این دو فصل نبود، امروز جام‌های قهرمانی بیشتری در تالار افتخارات استقلال وجود می‌داشت. فر

فرهاد یک بدهی بزرگتر هم به استقلال دارد. او یک جان به این تیم بدهکار است، یک زندگی؛ عمر احمد مظاهری یگانه، هوادار معلول استقلال را که سال ۹۲ در پی

داشتن او غیر ممکن بود. مجیدی را قبول کردم، چون فکر می‌کردم او می‌تواند با آوردن اسپانسر مشکلات اقتصادی تیم را حل کند اما اینطور نشد.»

بعدتر در ماجرای جدایی آندره آسترماچونی هم همین اتفاق رخ داد. در آن مقطع ابتدا فرهاد توافق کرد جای مربی ایتالیایی را بگیرد. هواداران مخالفت کردند و او هم انصراف داد. روز شش دی ۹۸ مجیدی در صفحه شخصی‌اش نوشت پیشنهاد سرمربی‌گری استقلال را قبول نمی‌کند و بعد اضافه کرد: «روزی برمی‌گردم که امضای معنوی هواداران پای دعوتنامه‌ام باشد.» با این حال او فقط شش روز بعد به طور رسمی جانشین آسترماچونی شد؛ آن هم بدون امضای معنوی هواداران!

فاز بعدی هم جانشینی با محمود فکری در میانه‌های لیگ بیستم بود. فکری بارها عقاید خودش را در این مورد مطرح کرده. او بدگمانی‌های زیادی نسبت به برخی بازیکنان و نیز شرایط عزل خودش و حضور مجیدی دارد که به این آسانی‌ها قابل قضاوت نیست. اصل مطلب اما همان است که بود؛ فرهاد هر وقت دلش بخواهد می‌آید و هر وقت دلش بخواهد می‌رود. بهتر است سرمربی بعدی استقلال هم از الان در جریان این نکته باشد!

چند جام و یک جان

فرهاد مجیدی استقلال را قهرمان کرد و خیلی هم خوب این کار را انجام داد. خودش هم در نامه خداحافظی‌اش به قدر کفایت منت این موضوع را بر سر هواداران گذاشته است. با این همه، آیا می‌توان او را از باشگاه طلبکار دانست؟ مسلماً نه. مجیدی در سه مقطع سرمربیگری استقلال را بر عهده داشته است. بدون توجه به دوران کوتاه جانشینی‌اش با وینفرید شفر، فرهاد دو لیگ برتر، سه جام حذفی و یک لیگ قهرمانان آسیا را از دست داد تا یک قهرمانی لیگ برتر به دست بیاورد. همه آنها هزینه شدند برای تنها یک جام. کدام باشگاه غیر از استقلال حاضر بود در سه مقطع چنین امکانی به یک سرمربی بی‌تجربه و فاقد



۱۰ حقیقت در مورد ورزشگاه آزادی



این اواخر تصاویر نگران‌کننده‌ای از فرونشست ورزشگاه آزادی تهران منتشر شد که موج خبری و تحلیلی بسیار بزرگی به وجود آورد. عکس‌ها غم‌انگیز بودند و غیر از این، خیلی‌ها را نگران کردند که مبادا حادثه‌ای شبیه به متروپل در آزادی رخ بدهد. از همین رو کارشناسان با حضور در ورزشگاه آزادی وضعیت آن را بررسی کرده و خبر دادند که خطری متوجه پایداری سازه نیست. با این همه، تردیدی نیست که معبد پیر خاطرات، بعد از نیم‌قرن سرویس‌دادن به ورزش ایران کم‌کم به پایان راه نزدیک شده و باید فکری اساسی در موردش کرد. احداث یک ورزشگاه استاندارد و آبرومند دیگر به عنوان استادیوم ملی جدید ایرانیان یک ضرورت بسیار جدی است که به نظر می‌رسد به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود. بد نیست چند حقیقت را در مورد این ورزشگاه زیبا مرور کنیم؛ شاهد خاموش خاطرات تلخ و شیرین ایرانیان.

۱- ورزشگاه بزرگ آزادی در یک بازه زمانی دو ساله بین سال‌های ۴۹ و ۵۰ احداث شده است. کوتاهی این زمان مخصوصاً با توجه به امکانات آن زمان قابل توجه است. این ورزشگاه مهر ۱۳۵۰ افتتاح شد. نخستین مسابقه فوتبالی که در ورزشگاه آزادی برگزار شد بازی دوستانه پرسپولیس و کروزیرو برزیل بود که با برتری چهار بر دوی تیم میزبان همراه شد. نخستین گل تاریخ ورزشگاه آزادی را توستائو برزیلی به ثمر رساند و نخستین گلزن ایرانی این استادیوم هم صفر ایرانی‌پاک بود.

۲- ورزشگاه آزادی اصلاً به بهانه میزبانی از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران تاسیس شده بود و بهره‌برداری جدی از آن از همان زمان آغاز شد. از دیگر مسابقات مهمی که آزادی میزبان آن بوده، می‌توان به فینال جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۷۶ اشاره کرد؛ دیداری که در آن تیم ملی با ضربه آزاد علی پروین یک بر صفر کویت را برد و برای سومین بار پیاپی قهرمان آسیا شد. آزادی همچنین دو مرتبه میزبان فینال جام در جام آسیا بوده و سه بار هم از بازی نهایی جام باشگاه‌ها یا لیگ قهرمانان آسیا میزبانی کرده است.

۳- ورزشگاه آزادی از زمان احداث به استادیوم ۱۰۰ هزار نفری مشهور بوده است؛ ظرفیتی که روی «سکوهای سیمانی» واقعی به نظر می‌رسید و حتی می‌توانست پذیرای جمعیت بیشتری هم باشد. با این حال در چند مرحله بعد از نصب صندلی در طبقات اول و دوم، گنجایش آزادی کاهش یافت و به حدود ۷۸ هزار نفر رسید.

۴- اگر چه ورزشگاه آزادی در زمان احداث جزو مدرن‌ترین سازه‌های ورزشی در جهان بوده، اما به تدریج از معیارها و استانداردهای روز عقب افتاده است؛ به طوری که کنفدراسیون فوتبال آسیا برای موافقت با میزبانی این ورزشگاه از بازی پرسپولیس و کاشیما آنتلرز در فینال لیگ قهرمانان آسیا، بیش از صد مورد ایراد از آن گرفت. در جریان تلاش برای رفع این عیوب، اتفاق شگفت‌انگیزی رخ داد و شش چشمه سرویس بهداشتی دیده‌نشده و جدید در آزادی کشف شد!

۵- قبل از آغاز فینال لیگ قهرمانان آسیا بین پرسپولیس و کاشیما، مشعل معروف ورزشگاه آزادی که در یکی از بالاترین نقاط استادیوم قرار دارد پس از چهار دهه روشن شد. مشعل آزادی آخرین بار در بازی‌های آسیایی تهران یا همان المپیک قاره‌ای روشن شده بود.

۶- برخی رسانه‌های بین‌المللی از ورزشگاه آزادی به عنوان یکی از ۴۰ استادیومی نام برده‌اند که هواداران فوتبال قبل از مرگ حتماً باید آنها را ببینند. بلیچر بیپورت هم سال ۹۲ آزادی را بین ۲۰

۱- ورزشگاه آزادی اصلاً به بهانه میزبانی از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران تاسیس شده بود و بهره‌برداری جدی از آن از همان زمان آغاز شد. از دیگر مسابقات مهمی که آزادی میزبان آن بوده، می‌توان به فینال جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۷۶ اشاره کرد؛ دیداری که در آن تیم ملی با ضربه آزاد علی پروین یک بر صفر کویت را برد و برای سومین بار پیاپی قهرمان آسیا شد. آزادی همچنین دو مرتبه میزبان فینال جام در جام آسیا بوده و سه بار هم از بازی نهایی جام باشگاه‌ها یا لیگ قهرمانان آسیا میزبانی کرده است.

۲- ورزشگاه آزادی از زمان احداث به استادیوم ۱۰۰ هزار نفری مشهور بوده است؛ ظرفیتی که روی «سکوهای سیمانی» واقعی به نظر می‌رسید و حتی می‌توانست پذیرای جمعیت بیشتری هم باشد. با این حال در چند مرحله بعد از نصب صندلی در طبقات اول و دوم، گنجایش آزادی کاهش یافت و به حدود ۷۸ هزار نفر رسید.

۳- اگر چه ورزشگاه آزادی در زمان احداث جزو مدرن‌ترین سازه‌های ورزشی در جهان بوده، اما به تدریج از معیارها و استانداردهای روز عقب افتاده است؛ به طوری که کنفدراسیون فوتبال آسیا برای موافقت با میزبانی این ورزشگاه از بازی پرسپولیس و کاشیما آنتلرز در فینال لیگ قهرمانان آسیا، بیش از صد مورد ایراد از آن گرفت. در جریان تلاش برای رفع این عیوب، اتفاق شگفت‌انگیزی رخ داد و شش چشمه سرویس بهداشتی دیده‌نشده و جدید در آزادی کشف شد!

پیش برویم، چنین خطراتی جدی تر می شود.

۱۰- مهم ترین پرسش در حال حاضر این است: با توجه به روند طبیعی فرسودگی در ورزشگاه آزادی، در صورتی که روزی به هر دلیل این استادیوم قابل استفاده نباشد، تکلیف تیم ملی فوتبال ایران و نیز باشگاه‌هایی مثل پرسپولیس و استقلال چیست؟ از روز روشن تر است که این تیم‌ها برای میزبانی نیاز به ورزشگاهی حداقل با ۵۰ هزار نفر گنجایش دارند و اگر پای مسابقات باشگاهی و ملی حساس تر در میان باشد، حتی این گنجایش هم کافی نخواهد بود. آیا کسی به فکر احداث یک سازه جدید و آبرومند هست؟ آیا می‌توانید روزی را تصور کنید که فوتبال ایران «ورزشگاه ملی» نداشته باشد؟ فرض کنید ژاپن و کره به ایران بیایند و جایی برای میزبانی از آنها نداشته باشیم. آیا اساسا کسی به این مسائل فکر می‌کند؟

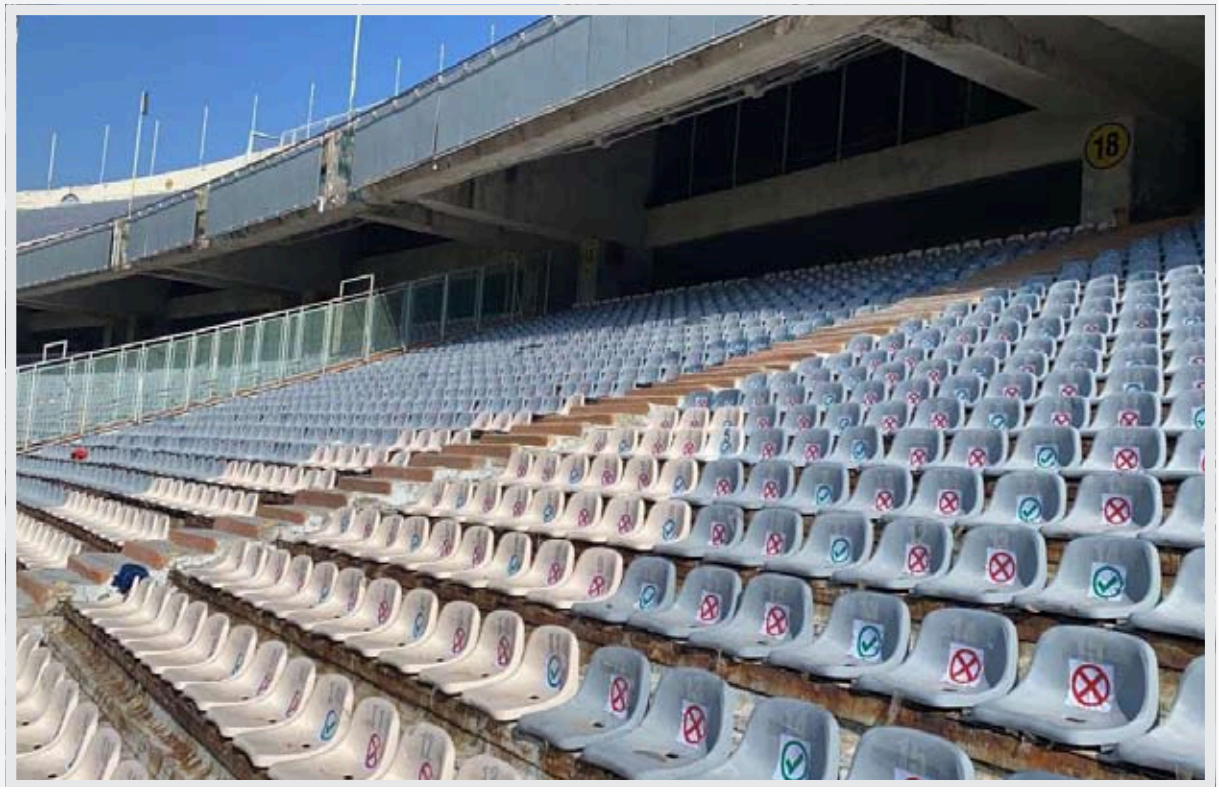
آزادی ببرید، خوب است بدانید چهار ماه پیش مدیرعامل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور گفته بود بازسازی ورزشگاه آزادی ۷۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد. در مقام مقایسه، باید گفت ورزشگاه اختصاصی فولاد به عنوان آخرین استادیوم مدرن ساخته شده در ایران با هزینه ۱۵۰ میلیارد تومانی احداث شده است. البته که نقطه پایان این پروژه سال ۹۷ بوده است.

۹- اشکالات پرشمار ورزشگاه آزادی در این سال‌ها از چشم ناظران پنهان نمانده است؛ از چکه کردن بخش‌هایی از سقف تا سوانح دلخراشی که بعضا رخ داده است. سال ۸۹ یک کارگر به دلیل فرسودگی تجهیزات و انفجار در موتورخانه جان باخت و چند ماه پیش از آن نیز یک دختر دوندۀ ۱۵ ساله به خاطر سقوط یکی از درهای مجموعه، دچار ضایعه نخاعی شد. بدیهی است که هر چه به

ورزشگاه برتر جهان دسته‌بندی کرده است.

۷- در طول سال‌های اخیر همواره بحث فرونشست سکوها مطرح بوده و نگرانی‌های زیادی ایجاد کرده است. سال ۹۶ تعمیراتی در این راستا صورت گرفت. مدیر وقت ورزشگاه آزادی پیش از این تعمیرات در گزاره‌ای اغراق آمیز گفت: «۵۰ سال به عمر ورزشگاه آزادی اضافه می‌کنیم» در بخش دیگری از همین مصاحبه در مورد جزئیات تعمیر استادیوم آمده بود: «نشست مختصری در بخش‌هایی از استادیوم مشاهده شد که امیدواریم در این برنامه بازسازی تمام این مشکلات برطرف شود.» با این حال می‌بینید که تنها چهار سال بعد از آن پروژه، همچنان مشکلات وجود دارد و حتی تشدید شده است.

۸- برای اینکه پی به عمق مشکلات ورزشگاه



سه ضربه تحریم‌های ظالمانه به فوتبال ایران



بدیهی است که تحریم‌های بین‌المللی و تنگناهای اقتصادی ناشی از آن، بر تمام جنبه‌های زندگی ایرانیان تاثیر گذاشته و البته که حوزه ورزش هم از این قاعده مستثنی نیست. شاید در اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری و سیاست شاخص‌ها کمی تخصصی‌تر باشند اما اتفاقاً در جایی مثل فوتبال به وضوح می‌توان فهمید فاکتور تحریم و سختگیری بر ایران، چه دشواری‌هایی به وجود آورده و چطور باعث درج‌ازدن، بلکه پسرفت این حوزه شده است. به عنوان مشتتی از خروار، تنها بخشی از ضروریات جانکاه ناشی از شرایط موجود را مرور می‌کنیم.

۱- افزایش قیمت ارز، کاهش کیفیت

یکی از مشکلات ناشی از تحریم‌های اقتصادی که مردم آن را با گوشت و پوست لمس می‌کنند، افزایش قیمت ارز است. طبیعتاً این مساله از وجوه مختلف به ورزش ایران هم لطمه می‌زند. شاید حضور مربی ایرانی در تیم ملی والیبال، کمبود وحشتناک امکانات اردویی در یک تیم مدال‌آور مثل وزنه‌برداری و نیز انتخاب مربیان ارزان و دم‌دست در تیم‌های پایه ملی فوتبال، مرتبط با همین مساله باشد. افزایش قیمت ارز، هم‌زمان تاثیر منفی خودش را روی فوتبال باشگاهی ایران هم گذاشته است؛ جایی که فوج بزرگی از بازیکنان توانمند با سودای کسب سود بیشتر راهی لیگ‌های خارجی می‌شوند و البته باشگاه‌های داخلی هم سخت‌تر از همیشه می‌توانند مربی و بازیکن خارجی باکیفیت جذب کنند. مجموع همه اینها تنزل سطح کیفی لیگ برتر ایران است؛ آنچه در فصل بیست‌ویکم به وضوح به چشم آمد؛ زمانی باشگاه‌های ایرانی مثل آب خوردن به اردوهای پیش فصل خارجی می‌رفتند. فارغ از درست و غلط آن کار، چنین رویه‌ای کاملاً مرسوم بود. امروز حتی تیم ملی فوتبال ایران در آستانه جام جهانی به سختی می‌تواند اردوی خوب خارجی داشته باشد.

۲- کمبود امکانات، عقب‌افتادگی تدریجی

پنج ماه دیگر دومین جام جهانی دارای کمک‌داور ویدئویی در تاریخ فوتبال برگزار خواهد شد. حالا دیگر VAR به یکی از عادی‌ترین و رایج‌ترین امکانات جهان فوتبال تبدیل شده؛ مثل خود داور وسط که اگر نباشد، همه تعجب می‌کنند. تماشاگر ایرانی پیگیر است و مسابقات مختلف فوتبال در جهان را تماشا می‌کند. او لاقلاً در قاب تلویزیون خانه‌اش حالا دیگر نقطه‌ای از جهان را نمی‌بیند که مسابقات بدون VAR برگزار شود. نه سطح تورنمنت مهم است، نه رده سنی و جنس بازیکنان. همه جای دنیا دارند از کمک‌داور ویدئویی استفاده می‌کنند، اما در ایران مطلقاً خبری از این داستان نیست و اصلاً کسی هم نمی‌داند چه زمانی ممکن است صاحب VAR شویم. شاید برای برخی، این موضوع فقط یک فقدان تکنولوژیک ساده باشد اما ابعاد ماجرا بسیار جدی‌تر از این حرف‌ها است. ما الان انگار کلا یک جور دیگر فوتبال بازی می‌کنیم؛ در نتیجه وقتی بازیکنان امیدمان به مسابقات جام ملت‌ها می‌روند با چند اشتباه ساده از سوی VAR نقره‌داغ می‌شوند؛ پنالتی می‌دهند و کارت قرمز می‌گیرند. در همین مسابقات خبری از داوران ایرانی نبود، چون به زعم کنفدراسیون فوتبال آسیا داوران کشور ما تجربه کار با کمک‌داور ویدئویی

را ندارند و قادر به درک ظرافت‌های موضوع نیستند. بارها گفته شده یکی از اصلی‌ترین دلایل تاخیر در ورود این فناوری به ایران، مشکلات تحریمی است. این البته فقط و فقط یک مثال ساده بود، وگرنه تحریم در سایر زمینه‌ها مثل همکاری برندهای معتبر پوشاک با تیم‌های ورزشی ایران هم تاثیر منفی دارد.

۳- مشکلات بانکی، وقفه‌های جدی در تدارکات

همه می‌دانند که تحریم‌های بین‌المللی مشکلات جدی در تسادلات بانکی برای ایرانیان فراهم کرده است، در نتیجه بخش زیادی از مطالبات خارجی تیم‌های ایرانی هم بلوکه شده؛ از پرسپولیس و استقلال تا تیم ملی و حتی حق‌الزحمه داوران برای قضاوت در مسابقات برون‌مرزی. به علاوه تحریم‌ها موجب دشواری برقراری ارتباط در فضای بین‌المللی شده و این موضوع در روند آماده‌سازی تیم ملی ایران هم سکنه انداخته است. در مقام مقایسه بد نیست بدانید پیش از جام جهانی ۲۰۱۸ که شرایط به شکل امروز نبود، تیم ملی ایران هفت اردوی تدارکاتی برگزار کرد و با انجام بیش از ۱۰ مسابقه، رکورد بازی‌های تدارکاتی پیش از این تورنمنت را شکست، اما حالا... اصلاً نیازی به گفتن نیست!



SCANIA



OGHAB

شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران

www.oghabafshan.com

با دقت و انتخاب خوب، به جزئیات سفر خود بیندیشید

آلاینده‌های کمتر، هوای پاک‌تر

اتوبوس شهری گازسوز عقاب - اسکانیا (مدل پارسین)

استاندارد آلاینده‌گی EURO 4

مجهز به سیستم SCR

فیلتر DPF

سیستم سوخت‌رسانی common rail



شرکت تولیدی و صنعتی عقاب افشان
تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا در ایران

www.oghabafshan.com